ژوندون

شنبه ۱۸ میزان ۱۳۶۰
-۱۰- اکتوبر ۱۹۸۱

LIBRARY OF CONGRESS
6
DEC 1 0 1981
CONT. COPY
ORDER DIVISION

سال ۳۳
شماره ۲۷- ۲۸
قیمت یک شماره -۱۳- افغانی

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ورئیس شورای انقلابی پس از ادای نماز عید در قصرگلخانه مقر شورای انقلابی رفته اشخاصی را که در نماز عید سعید اضحی باایشان شرکت داشتند پذیرفتند •

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان و رئیس شورای انقلابی پس‌ازادای نمازعیدسعید اضحی در مسجد جامع مقر شورای انقلابی •

اختصار وقایع مهم

۱٦ میزان مصادف باروزاول عید سعیداضحی بوده ومردم مسلمان متدین وآزاده ماباسرور فراوان از این ایام متبرك استقبال نمودند .

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغانستان ساعت نهونیم صبح ۱٦ میزان نماز عید سعید اضحی رادر مسجد جامع مقر شورای انقلابی بامامت قاری محمد عمر خطیب مسجد ادا نموده ودر پایان برای سعادت ورفاه مردم زحمتکش افغانستان عزیز وترقی و تعالی هر چه بیشتر کشور محبوب ما وهمچنان تمام جهان اسلام دعا نمودند •

خبرنگار آژانس باختر گزارش میدهد که در ادای نماز عید سعید قربان با ببرك كارمل دکتور صالح محمد زیری عضو بیروی سیاسی ومنشی کمیته مرکزی حزب ورئیس کمیته ملی جبهه ملی پدروطن، نوراحمدنور عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب و معاون شورای انقلابی ، سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ورئیس شورای وزیران جمهوری دمو کراتیك افغانستان سایر اعضای بیروی سیاسی و منشی های کمیته مرکزی حزب ، اعضای کمیته مرکزی حزب ، معاونین شورای انقلابی و صدر هیأت رئیسه شورای انقلابی واعضای شورای انقلابی،معاونین‌واعضای شورای وزیران رئیس ستره محکمه اعضای کمیته ملی جبهه ملی پدر وطن ، والی کابل ، کابل بناروال ومعاونین واعضای شئوون اسلامی وشورای‌عالی علماء ورو حانیون افغا نستان وعده از جنرال هاو افسران عالیرتبه عسکری شرکت داشتند•

° ° °

از طرف ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغا نستان تلگرام های تبریکیه بمناسبت عید سعید اضحی عنوانی یك عده سران‌کشور های اسلامی مخابره گردیده است •

° ° °

از طرف ببرك كارمل منشی عمومی‌کمیته مرکزی حزب دموکراتیك‌خلق افغانستان‌ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان وسلطانعلی کشتمند رئیس شورای وزیران جمهوری دمو کراتیك افغا نستان تلگرام تبریکیه بمناسبت سی‌و دومین سالگرد تاسیس

ببرك كارمل منشی عمومی کمیته مرکزی‌حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ورئیس‌شورای انقلابی و همراهان شان هنگامیکه‌پس از ادای نماز عید سعید اضحی برای آبادی‌وشگوفانی افغا نستان عزیز ،رفاه وسعادت‌مردم مسلمان وزحمت کش افغا نستان دعا مینمایند •

نور احمد نور عضو بیروی سیاسی ومنشی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا هنگـا م صحبت درجلسه کارمندان کمیته مرکـزی مسؤولین امور جوانان، زونها، منشی ها واعضای کمیته های شهر وولایت کابل و منشی های نواحی شهرکابل سازمان دمو کراتیک جوانان افغانستان.

سلطـانعلی کشتمند رئیس شورای وزیران هنگام بازدید ازمسجد جـامع شهر هرات .

داکتر اناهیتا راتب زاد دشمله وړکتون پرانستلو وروسته دهغه وړکتون پرماشومانـو مهربانی کوی .

(عکاسی باختر)

جمهوری دمو کراتیک آلمان عنوانی اریش هونیکر منشی عمومی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان ورئیس شورای دولتی جمهوری د مـو کـر ا تیـک آ لمـا ن و و یلی- شتوف رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک آلمان به برلین مخابره گردیده است .

• • •

دافغانستان دخلک دموکراتیک گوند دمرکزی کمیتی عمومی منشی اودافغانستان د دموکراتیک جمهوریت دانقلابی شورا رئیس ببرک کارمل دمیزان ۸ نیته مازیگر داسیا او افریقا دخلکو دپیوستون دسازمان سکرتر جنرال نـوری عبدالرزاق دانقلابی شورا په مقر کی دپیژند گلوی کتنی لپاره ومانه .

• • •

دافغانستان دخلک دموکراتیک گوند دمرکزی کمیتی عمومی منشی اود انقلابی شورا رئیس ببرک کارمل دمیزان ۸نیته‌مازیگر په خلور بجو په کابل کی دلیبیا دوگړنی کمیتی ددفتر له منشی حسن البرکی سره دانقلابی شورا په مقر کی وکتل .

• • •

سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلـق افغا- نستان ورئیس شورای وزیران جمهوری دمو- کراتیک افغا نستان صبح روز ۹ میزان وارد ولایت هرات گردید .

• • •

نوراحمد نور عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک‌خلق افغانستان ومعاون شورای انقلابی قبل از ظهر ۹میزان درجلسه کار مندان کمیته مرکزی مسوولین امور جوانان ، زونها ، منشی هاو اعضای کمیته‌های شهر وولایت کابل و منشی های نواحی شهر کابل سازما ن دمو کراتیک جوانان افغانستان که در کاخ مرکزی پیشا هنگان دایر شده بود اشتراک نمود .

• • •

شملـه و ړ کتـو ن د ا فغـا نستا ن د خلک دمو کراتیک‌گونددمرکزی کمیتی دسیاسی بیرو دغړی او دافغانستان دښځوددمو کراتیک سازمان د رئیسی ډاکتری اناهیتا راتب زاد لخوا دپلان جوړولو ددولتی کمیتی ترخنگ‌دپتی په پری کولو سره پرانستل شو.

پیک ژوندون

«به تمام هموطنان شرافتمند و زحمتکش درهرگوشه وکنار کشور که باشند ومنجمله به‌همه کسانی که بنا بر فریب دشمنان علیه مردم وانقلاب قرار گرفته اند ولی اکنون از اعمال خویش پشیمان انداعلام میداریم که بخاطرصلح‌وآرامش سرتاسری در کشوربادولت دموکراتیک وملی خودبه‌همکاری وتشریک مساعی بپردازند.»

ببرک کارمل

شنبه ۱۸ میزان ۱۳۶۰ـ ۱۰ اکتوبر ۱۹۸۱

عید سعید اضحی

روزشانزدهم میزان ۱۳۶۰ مصادف به دهم ذیحجه عیدقربان یعنی جشن خوشی و شادی همهٔ مسلما نان‌جهان بوده طی مراسم خا صی تو سط مسلمانا ن جها ن تجلیل میگردد .

مرد م مسلما ن و متدین‌ما امسا ل عید قربا ن را با رو حیه سر شا ر از دیانت‌و خدا پر ستی پر شکو ه تر از گذ شته استقبا ل نمودند و باادا ی فریضهٔ حج ، قربا نی‌ودیگر مراسم مربو طه آنرا تجلیل کردند.

عید قربا ن بر علاو ه اینکه یک جشن مذ هبی است همچنا ن‌بمثابهٔ یك عنعنه ملی شا مل فر هنگ وکلتور مرد م مسلما ن ما گردید ه ونزد مرد م ما مقا م ار جمند ی‌دارد در همین روز است که مرد م ما چه خورد و چه بز رگ با بهتر ین لباس ها خود را می آرا یندخو شی وشا د ی می کنند و با دو ستا ن و اقار ب دید وادید مینما یندا‌ز برکت همین روز ها ی عید است که هر گونه بغض و عداو ت ، کینه‌وکدورت ونفا ق و جدا یی در روابط میا ن افراد جا معه زدود ه می شود و جای آنرا صلح‌و آشتی، برا در ی‌ودوستی وصمیمیت اشغا ل می نماید .

تجلیل همه سا له از عید قربا ن نشانهٔ پابند ی و علاقمند ی مرد م ما به سنت وا لا ی‌فدا کار ی وایثار در راه حق ، در راه و طن و در را ه دفا ع از صلح و سعا د ت است ونمایند گی از صفا ی قلب‌وخلو ه نیت انسا ن ز حمتکش و متدین جا معه ما می کند مرد م ما امسا ل عید سعید اضحی را در شرایطی برگزا ر می کنند که کشور ما به پیروز ی های نوین انقلا بی تو فیق یافته و در را ه دفع و طرد تجاوز ارتجا ع و امپریا لیز م‌وسا ختما ن جامعهٔ شگوفا ن مبتنی بر عدا لت اجتما عی کار و پیکا ر مینما یند و در برابر ار زش ها و آر مان ها ی مر حله نوین و تکا ملی انقلا ب ثور آزا دی کا مل اجرا ی مراسم دینی و مذ هبی تا مین شد ه است چنا نچه دو لت انقلا بی ما بتا سی از اصو ل اساسی جمهور ی دمو- کرا تیك افغانستا ن که در آن‌رعایت حفظو احترا م دین مقد س اسلا م تاکید شد ه است نه تنهااز دیا نت پاك اسلام و عقا ید دینی و مذ هبی مرد م مسلما ن ما حمایت مینماید بلکه امکانا ت و تسهیلات فراوا نی را جهت تحکیم هر چه بیشتر آ ن مهیا سا خته است .

امروز مرد م ما عملا می بینند که دولت انقلا بی ما نه تنها تاسیسا ت مذهبی را تر میم ، حفظ و نگهدار ی می نماید بلکه مسا جد جد ید ی را در هر گو شه و کنا ر کشوراعما ر می کند . علما ی دینی، ملا یا ن و امامان مسا جد بدید ۀ تکریم‌واحترام نگر یسته می شو ند و هیچگو نه محدو دیتی در جهت انجا م مرا سم دینی و مذ هبی برای همو طنا ن مسلما ن ما و جود ندارد ، مرد م‌ما اکنو ن در مسا جد فرایض‌پنجگا نه را با آزا مش رو حی‌و مصوونیت کا مل ادا می نمایند ؛

بر شمار ی همهٔ این فا کت ها و حقایق از یکطر ف دا ل بر آنست که حزب دموکرا تیك خلق افغانستان ودو لت جمهور ی دمو کرا تیك افغانستا ن احترا م عمیق به آیین مقد س اسلام این آیین دیرین مردم زحمتکش ما داشته و عملا از آ ن حمایت می کند از سو ی دیگر بی اساس بود ن ارا جیف،پروپاگندها و درو غ با فی ها ی ارتجا ع وامپریالیز م و تمام دشمنا ن اسلام را در مورد دو لت انقلا بی مانابت وبر ملا می سازد .

ما در حا لیکه حلو ل عید سعید اضحی را به تمام همو طنا ن شرافتمند و مسلما ن خود تبر یك عرض می کنیم سعا دت و خو شبختی رفا ه و آرا می همهٔ مسلما نا ن زحمتکش کشور را در پر تو ارزش های مر حله نوین انقلاب ثور آرز و داشته پیروز ی کا مل آنها رابرهمه دشمنا ن میهن خوا هانیم .

در این شماره

دولت انقلابی ما بر آراء و نظریات نیك مردم ارج می گذارد .

• • •

دفاع ماازناموس وطن‌برحق‌وزوال ونابودی دشمنان حتمی است .

• • •

هنر سر کس و امیر علی شیر نوائی

• • •

ظلل وقانون در افغا نستان .

• • •

من هم یك انسانم .

• • •

گردهم آیی های اختصاصی ژوندون .

• • •

زر دوزی بخارائی .

• • •

دولت زمینهٔ کار وفعالیت های زراعتی رادر کشور مساعد میسازد .

• • •

نوا ی و حافظ .

• • •

زندگی نامه وآثار رومن پولانسکی

• • •

مروری بر کتاب شهر حماسه .

صحت تولد تازهٔ در مطبوعات .

• • •

مار ها و حیات حیرت آور شان.

شرح روی جلد : سه نمونهٔ لباس محلی‌که اخیرا به نمایش گذاشته شده بود .

شرح پشتی چهارم : تابلوی نقاشی اثر غلام علی امید .

تبصره

دولت انقلابی مابر آراء ونظریات نیک مردم ارج میگذارد

سخن بر سر طرح قانون ارگان های محلی قدرت دولتی واداره است که به ابتکار دولت انقلابی مادر مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند ثور غرض پرسی وارزیابی و اظهار نظر هموطنان ماازطریق رسانه های‌جمعی کشور به نشر رسیده است •

کشور محبوب وباستانی ما تاریخ کهنی‌دارد و مردمان صلح جوو آزادی پسند این دیار پرافتخار در طول تکامل تاریخ کشور با فراز ونشیب های فراوانی روبرو گشته اند•

قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور که دودمان جبار وستمگر یحیی به بیر حمانه ترین شیوه یی بر مردم زحمتکش وعذاب‌دیده کشور مابیداد می نمود وابرسیاه فقر ، غربت وبداد گری بر آسمان شفاف میهن دوست داشتنی ما چادر گشوده بود مردم مادر بدترین شرایطی از نگاه اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی امر ار حیات می‌نمودند مردم زحمتکش کشور مادر این دوره سیاه تاریخ کشور خویش از آزادی صرفا بنامی بر خوردار بودند ،ودرعمل از هیچگونه استقلال و آزادی فکری ، اجتماعی اقتصادی و بیان در جامعه ما سراغی نبود چه رسد بر آنکه دولت‌هاوحکومات مستبد وبرسر اقتداروقت برآراء . عقاید ونظریات نیك مردمان زحمتکش کشور در زمینه‌های‌گونا گون‌اجتماعی سیاسی و اقتصادی ارج می‌گذاشتند ودرمواقع ضرورت از آن استفاده بعمل می‌آوردند •

زمامداران مستبد دوران قبل از پیروزی انقلاب نجات بخش ثور که روشهای خاینانه مطلق العنانی وبی تفاوتی وبی بندو باری‌رادر برابر افکار واندیشه های خلاق و دورانساز مردم‌زحمتکش میهن ماپیشهٔ همیشگی خودساخته بودند هر آنچه به زعم خودآن هامعقول می‌نمود به اجرای آن می‌پرداختند بدون آنکه راجع به مفیدیت و موثریت آن در حیات اجتماعی و اقتصادی توده ها بیندیشند وآن را از دید ـ گاه هاو معیار های علمی وتجربی مورد ارزیابی ومداقه قرار دهند •

آری ! انقلاب آزادی بخش ثور که براراده توده های وسیع مردم زحمتکش کشور مابه پیروزی انجامید و میهن وجامعه ما را وارد مرحله نوینی از زنده گی خوش گردانید برهمه اینگونه نابسامانی ها ، خود سری ها و مطلق العنانی ها خاتمه بخشیده حاکمیت زحمتکشان را در کشور تحقق بخشید و حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان که از میان توده‌های ملیونی مردم عذاب دیده میهن ما برخاسته است به نمایندگی از کار گران ، دهقانان ، پیشه وران وسایری زحمتکشان‌قدرت سیاسی رادرکف گرفت • بعد از پیروزی انقلاب ملی و دمو کراتیك ثور وبخصوص مرحله نوین و تکاملی آن حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان «پیش آهنگ طبقه ی کارگر وتمام زحمتکشان کشور» ودولت جمهوری‌دمو- کراتیك افغانستان این‌ره آورد بی نظیر انقلاب ثور بنابر داشتن خصایل بیشمار مردمی و توده یی خویش مجدانه سعی می‌ورزند تابجنان فعالیت هاو اعمالی دست یازند که مطابق بخواست وارادهٔ توده ها بوده از حمایت و پشتیبانی های وسیع وبیدریغ آن هابرخوردار باشد وپیوند های مستحکمی را که میان حز ب ودولت انقلابی ماازآوان تاسیس حزب وایجاد دولت ملی ومترقی ما با مردمان زحمتکش کشور بوجود آمده‌است‌نیرومند تر و مستحکمتر گردانند •

از آن جانیکه حزب و دولت انقلابی ما پشتیبان راستین منافع توده های وسیع مردم زحمتکش کشور محسوب می‌شوند ودر جهت منافع آن ها گام برداشته از حمایت بیدریغ ایشان بر خوردار می‌باشند سعی می‌نمایند تادر همه امور مربوط به زندگی مردمان آزادهٔ سر زمین مقدس ماازافکار واندیشه های والای خود آن ها استفاده بعمل آید•

روی همین اساس است که دولت ملی‌و مترقی مادر شرایط حساس کنونی به طرح قانون ارگان های محلی قدرت دولتی واراده دست یازید وآن رادر معرض بررسی ، ارزیابی و اظهار نظرو اندیشه هموطنان شریف ما قرار داده است •

دولت ملی و مترقی ما که در امر خدمت‌به خلق نجیب کشور شریفانه تعهد سپرده است به آراء وعقاید نیك کار گران ، دهقانان ، مزدوران پیشه وران وسایر اقشار وطبقات مردم زحمتکش کشور صمیمانه ارج می‌گذاردو در شرایط کنونی که بحق میتوان آن رادوران رشدو تکامل انقلاب ملی و دمو کراتیك ثور نامید میکوشد تا توده های وسیع وملیونی مردم زحمتکش مارا جهت اشتراك درمسایل وامور مربوط به ترقی وتعالی کشور و جامعه جلب نماید •

طرح قانون ارگان های محلی قدرت دولتی واداره که جهت اظهارنظروابرازعقاید واندیشه های مردم مابه نشر رسیده است مظهر خوبی از دمو کراسی واقعی و آزادی بیان و عمل در کشور انقلابی مابشمار می‌آید •

این اقدام نیك وارزشمند دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان در شرایط پیروزی مرحلهٔ نوین وتکاملی انقلاب شکوهمند ثور ازیك طرف مردم مارا بیش از پیش بدین امر معتقد می‌سازد که دولت انقلابی ماواقعا دولتی است ملی ومردمی که در خدمت خلق دوران ساز کشور قرار دارد • و میان ایشان روابط محکم ونا گسستنی ای وجود داردو باعث می گردد تا توده ها نیز در راه دفاع از اندیشه هامرام‌هاوکنش های‌انقلابی حزب‌ودولت، که درروند منافع توده هاقراردارد از هیچگونه بذل مساعی دریغ نورزند وچون کوه استوار پشتوانه حزب ودولت انقلابی خویش را تشکیل دهند وازسوی دیگر قانونی که مطابق به‌افکار نظریات و اندیشه های نیك عامه بوجود آید و در تسوید و تصویب آن از نظریات سایر زحمتکشان بخصوص صاحب نظران و اهل تجربه ودانش استفاده بعمل آید قانونی‌خواهد بود مطابق به شرایط زمان وبرابر با خواست ونیاز مندی های کشور و جامعه •

اکنون که در اثر توجهات بهیخواهانه حزب ودولت انقلابی ما طرح قانون ارگان های محلی قدرت دولتی واداره در معرض بررسی و اظهار عقاید و نظریات مردم شریف کشور ما قرار داده شده است ودولت انقلابی‌مابه‌اراء ، عقاید ونظریات نیك مردمان زحمتکش کشور درامر ایجاد این قانون مورد نیاز کشور و جامعهٔ ما ارج عظیم گذاشته است‌برهمهٔ هموطنان ما اعم از کارگران ، دهقانان ، ماموران وسایری‌اقشار وطبقات مردم زحمتکش کشور است تابرای اکمال واتمام هر چه بهتر وزود ترآن از بذل مساعی دریغ نورزند تا باشد که بزودی هرچه تمامتر این طرح دولت ملی و مترقی مابه‌شکل یك قانون علمی و کاملا خالی از نقص وعیب در آمده در خدمت توده های‌وسیع مردم زحمتکش کشور محبوب ودوست داشتنی ما افغا نستان ، آزاد، مستقل شگوفان وسربلند قرار گیرد •

دفاع ما از ناموس وطن

عبدالقسیم سرباز

ضیاء الله سرباز

محمد عظیم سرباز

بعد از پیر وزی انقلاب آزادی بخش ثور و انتقال قدرت سیا سی از یدـ جباران و ستمگران به‌توده های‌وسیع ملیونی مردم زحمتکش کشور و بـه نماینده گی‌از آن به حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان، ارتجاع، هژمونیزم و امپر یالیزم جنگ اعلام ناشده ای را بر ضد مردم ، وطن و انقلاب ما براه انداخته اند که هرگز از نظـر جها نیان پوشیده نیست ولی مردم زحمتکش کشور که در صف اول‌آن اردوی قهرمان و حماسه ساز میهن ما قرار دارد بر همه مداخلات تجاـ وزات و اخلا لگری های‌ارتجا عی ، هژ مونیستی و امپر یالیستی جواب های قاطع و دندان شکنی می دهند و از وطن مردم و انقلاب دورا نساز خویش مردانه وار دفاع به عمل می آورند .

آری ! عناصر ضد انقلاب که در بدل کلدار و دالر خود را به نوکران تمام عیار ارتجاع و امپر یا لیزم‌مبدل نموده اند و به منظور خدمت بباداران خویش می خواهند فضای آرام آزادو صلح آمیز این و یـا آن گـو شه‌و کنار میهن محبوب ما را بر همـزده باعث اذیت وآزار مردمان زحمتکش کشور ما گردند همیشه از طـرف گردان حماسه ساز اردوی انقـلا بی ما به شکست های افتضاح آمیز و زوال و نابودی کشانیده مـــی شوند .

هفته ایکه گذشت‌قوما ندانی قطعه ۷۷ دافع هوا طی محفل شکوهمندی از پیروزی هایی که سر بازان بطریه سوم خفیف آن قطعه درولایت‌کندهار در مقابل اشرار این دشمنان بدنهاد شرف و آزادی مردمان زحـــمتکش کشور و غـلامان حلقه بگوش ارتجاع و امپر یالیزم نصیب شده بودند در محوطه قوماندانی بطریه سوم خفیف تقدیر بعمل آورده مقدم آن عـده از سربازان جوان راکه به ندای دولت ملی و مترقی خویش پاسخ مثبـت ارائه داشته به اثر مصوبه اخیـر شورای وزیران جمهوری‌دمو کراتیك افغا نستان مبنی بر جلب واحضار قسمی سر بازان و خرد ضا بطـان قطعه به صفوف قوای مسلح کشـور شامل خدمت مقدس عسکری شده‌اند گرامی داشت .

در آغاز این محفل شکو همنـد معاون سیاسی قطعه طی بیانیـه مختصری گفت : انقلاب نجات بخش ثور برای رفاه و آرامی مردم زحمت کش کشور پیروز شده است و هدف حزب ما یعنی حزب دمو کراتیك خلق افغانستان ایجادیك زنـدگـی آرام ومرفه در کشور است . آن هایی‌که در کشور محبوب و دوست داشتنی مادست به ترورو آدم کشی ،تخریب پل ها ، مساجد ، شفا خانه ها و دیگر بنا های عام المنفعه می زنند می خواهند رژیم های منفور و مستبد گذشته را در کشور باز آورند کـه مسلما نمی توانند بـه‌آرزوی شوم خود برسند .

وی گفت :ارتجاع هژمو نیزم و امپر یالیزم برای بر هم زدن فضای آرام و صلح آمیز میهن ما عناصـر ضد انقلاب را با پشتاره هایـی از اسلحه و باروت مجهـز می‌سازندو برای کشتار بی رحمانه همو طنـان مسلمان و انقـلابی ما بدین دیار می فرستند که حقیقت این ادعا را سلاح های ساخت کشور های ارتجا عی و امپر یا لیستی ای که از نزد عناصر ضد انقلاب بدست سر بـــازان و افسران شجاع کشور ما آمده است به اثبات می رساند .

در ختم این محفل شکو همند معاون سیاسی قطعه یك یك جوره بوت‌های زمستانی اموال امدادی‌کشور دوست و برادرا تحاد شوروی را که ازطرف قوما ندانی قطعه برای سر بازانی که در ولایت قند هار در مقابل اشرارو در امر مبارزه با ضد انقلاب از خود شجاعت و شهامت نشان داده انـد تهیه شده بود به ایشان توزیع نمود که مورد پذیرش و تشکرات ایشان قرار گرفت .

در ارتباط با قهرمانی ها و حماـ سه سازی های این گردان پاسبان انقلاب آزادی بخش ثورودست‌آورد های دوران ساز آن راپور تر مجلـه با چند تن از این سر بازان وطـن پرست مصا حبه‌ای به عـمل آورده است که در ذیل پیشکش شمـــا خوانند گان عزیز میگردد :

سپهر گل یکتن از سر بازان جوان وحماسه آفرین‌بطریه‌سوم خفیف‌قطعه ۷۷ دافع هوا است که تحصیلا تش را در رشته ریاضی‌تا در جه‌لیسانس درفاکولته علوم پو هنتون کا بل‌به اتمام رسانیده ازمدت هشت ماه‌بدین سو خدمت مقدس عسکری را در زیر درفش پر افتخار دولت جمهـــوری دمو کراتیك افغا نستان به پیش می بـــرد .

او که تازه از سنگر نبرد داغ، بـا د شـنما ن ا نقلا ب ثور موفقانه بکابل بـاز گشته است در مورد اینکه چه عاملی باعث آن شد که بولایت کندهار برود و در مقابل دشمنان شرف و آزادی مردم و میهن خویش دلیرانه بر زمد میگوید :

چندی قبل از طرف قوما ندانـی محترم قطعه از سر بازان جـــوان مربوط دعوت به عمل آمد تا بـرای رفتن بولایت کندهار وقلع وقمـــع دشمنان انقلاب ثور از آن ولایت‌داوـ طلبانه ثبت نام نمایند من‌به حیث یکی از فرزندان ما در وطن بنا بـر حکم وجدان و درك مسوو لیت‌تاریخی خود در برابر وطن ، مردم و انقلاب خویش حاضر شدم تا برای رفتن به کندهار به منظور سر کوب بی امان اجیران ارتجاع و امپر یالیزم بطـور آگاهانه و داوطلبانه ثبت نام نمایم و عازم آن محل گردم .

وی علاوه می کند ! بعد از اینکه بخواست قوما ندانی قطعه خـویش جواب مثبت دادیم به ولایت کندهار رفتم و برای مدت بیســت روز در مرکز کندهار بر ضد عناصر ضـــد انقلاب ثور مبارزه نمودم و بعدا بـه ولسوالی کجکی رفتم بعد از گذشتاـ ندن ده روز درآن ولسوالی حملات دشمنان انقـلاب را به‌عقـب زدیم کـــه سر ا نجا م با عث

برحق وزوال ونابودی دشمنان حتمی است

شکست آن ها گردیده تلفات زیادی را بر پیکر عناصر ضد انقلاب در آن محل ببار آوردیم و پیروزی هـــای چشمگیری رابرایشان‌کسب نمودیم.

سپهر گل سخنان خود را اینطور خاتمه بخشید ، من بحیث یك جوان عاقل و تحصیل کرده عـلاوه بر آن که در نبرد رویا روی با دشمنـان انقلاب ثور رسالت تاریخی خود را به انجام رسا نیدم در امر تنویـر اذهان توده هاو افشای دسایس و پروپا گند های زهر آگین دشمنـان شرف وآزادی مردمان کشور محبوب مان افغا نستان آزاد ، سر بلنـد و انقلابی نیز لحظه‌یی غافل نه‌نشسته در این راه نیز در حد توان انسانی خویش به برداشت قدم های بزرگی نایل آمدم ، پرو پاگند های بی بنیاد ارتجاع و امپر یالیزم را در میان‌توده های مردم زحمتکش افشاء ساختم تا مردم ما بر ماهیت ضد انسا نی‌و ضد انقلابی دشمنان انقـلاب ثـور بدرستی پی ببرند و دیگر فر یـب درو غپراگنی های آن ها را نخورند.

حبیب‌الرحمن سر باز دیگر بطریه سوم حفیف قطعه ۷۷ دافع هوا که دربرج‌قوس‌سال ۱۳۵۹ بخدمت‌مقدس عسکری شتافته است نیز یـکی از سر بازانی است که جهت محو و سرکوب عناصر ضد انقلاب شکوه‌ـ مند ثور بولایت کندهار رفته بود او یکی از جنایات عناصر ضد انقلا ب را که در آن ولایت به چشم سر دیده است چنین حکایت می کند یکی از روز ها یکتن از رفقای سر باز مـا مصروف ادای نماز بود که اشـرار پلید دزدانه بالای‌ماحلمه ورگردیدندو بالای رفیقی که مصروف ادای نماز بود به انداخت آغاز نهادند و مافورا به موضع های خود داخل شدیم و به اسرع وقت یکتن از دشمنان انقلاب را که مانع ادای نماز سرباز دیگر ی میشدزخمی نموده دستگیر کردیم و به شفا خانه انتقال دادیم ، زمانیکه به شفاخانه انتقال دادیم، زمانیکـه عمل آمد گفت : من بحیث قوما ندان یکصد وبیست وپنج تن از عناصـر ضد انقلاب افغا نستان بودم که آن هادرتحت قومانده من به‌اجرای‌اعمال حرابکا رانه ضد انقلابی مبادرت می ورزید ند .

اسدالله سر باز دیگر بطریه‌سوم خـفیف قـطعه ۷۷ د ا فع هوا است که تحصیلات خود را تـــا صنف دوادهم در لیسه شیر شـاه سوری در کابل بپایان رسانیده ویك سالی را هم در کشور دوســت و برادر اتحاد شوروی تحصیل نموده است . او که دوره مکلفیت عسکری اش را به اساس قبولی معلمی برای شش سال سپری نموده است باز هم عشق به‌وطن و علاقه به مردم‌و انقلاب وی را وادار ساخته است تا بتاریخ ٦ جدی ۱۳۵۹ بطـــو ری شعوری ، آگاهانه وداو طلبانه شامل خدمت مقدس عسکری گردد و عـملا از دست آورد های انقلاب ثـــور و مرحله نوین و تکاملی آن دفاع بـه عمل آورد .

او نیز در جمله سر بازانی بوده که بولایت کندهار رفته بودنـــد . موصوف چشم‌دید های خود را درآن ولایت چنین حکایت میکند : دشمنان انقلاب ثورتبلیغ مینمودندکه‌اشراردر کنـــد هـــار از نـــیرو منـــد ی بزرگی بر خور دار اند ولی زمانیکه ما به آنجا رفتیم‌و حقایق را ازنزدیك مشاهده نمودیم این حقیقت بیش از بیش برای‌ماآشکار گردیدکه‌دشمنان انقـلاب ثور در مقابل مردم قهرمان و اردوی انقلابی وحماسه ساز افغا‌ـ نستان اند کترین تاب مقاو مت را ندارند و هر باربا ضر بات مرگباری از طرف‌اردوی قهرمان‌و مردم انقلابی ما مواجه‌می گردند واین فقط تبلیغات زهر آگین و جنگ سردی بوده است که از طرف ضد انقلاب بر علیه‌مردم میهن و انقـلاب ما براه اندا ختـــه شده است .

او میگوید : یکی از روز هـــا در شفا خانه کندهار بودم ، پیر مرد ی رادیدم‌که سخت مجروح بودواشرار پلید با تبر به فرقش کوبیده بودند ومغز هایش بیرون آمده بود بـــه شفا خانه یکصدو پنـجاه‌بستر اردو آوردند او که نه حزبی بود و نه در شعبات دولت کارمیکرد علت مجروح شدنش را از جانب اشرار چنیـــن حکایت نمود : در یکی از روز ها در خانه‌خودبودم اشراربخانه ام‌حمله‌ور گردیدند و از من خواستند یا پول بدهم و یا در اجرای جنا یات بـــا ایشان سهیم شوم . من که نه پول داشتم و نه می خواستم اعمال ضد انقلاب شکو همند ثور را انجام‌بدهم به خواست آن ها جواب رد دادم و بدین علت مورد ضرب تبر واقـع گشتم و از ناحیه سر زخم بزرگـی بر داشتم که اینك آن را مشا هده می نمایید .

اسدالله علاوه می‌کند . چیز دیگری که در کندهار به چشم من خورداین بود که اشرار بد نهاد در آن جـــا چهره های کثیف خود را بـــــا چادری و دیگر لباس های زنانه مـی پوشانیدند ودر لباس زنان‌به‌اجرای اعمال جنا یتکار انه ، می پرداختندو نمی توانستند چهره های واقعـــا کثیف و شرم آور خود را در مقابل مردم زحمتکش افغا نستان عریـــان بگذارند وبه‌اعمال ضد انقلابـی‌وضد انسانی خود بپردازند.

یکی از جوانان دیگری که مـدت سه ماه در ردیف دیگر همر زمـــان خویش مردانه وار در مقابل دشمنان انقلاب ثور مبارزه نموده است و از ناموس وطن دفاع‌به‌عمل آورده است عبدا لعلیم نام دارد که تحصیلات‌عالی خود را بدرجه لیسا نس در دار ـ المعلمین عالی روشان به پایان رسا‌ـ نیده در جـدی سا ل ۱۳۵۹ داخـل خدمت مقدس عسکری گرد یـــــده است .

لطفاً ورق بزنید

عبدالباقی سرباز

محمد اعظم سرباز

اسدالله سرباز

سحر گل سرباز

اومیگوید: نظر به‌در خواست‌قوماندانی قوا بطور آگاهانه و داو طلبانه به تاریخ اول سر طان سال جاری به ولایت کندهار رفتم در آن جا در قطعه ٦٦ دافع هوا مصروف خدمت بودم و به د شمن مجال این امر را نمی دادیم که بر ما

غلبه حاصل کند و عندالضر ورت‌به ایشان جواب های دندان شکنی نیز می دادیم . و یکی از جنا یات نا بخشودنی اشرار این‌بود که‌بی‌رحمانه و بی شرمانه بالای شفا خانه که در آن ده ها مریض داخل بستر بود راکت انداخت نمودند و مو جبات حریق شفا خانه را مهیا ساختند که از اثر این حادثه المناك خسا رات مالی ای زیادی ببار آمد ، این است نمونه‌یی از جنایات بیشرما نه اشرار .

او به جواب این سوال که از نظر شما گروه های اشرار راچه کسانی تشکیل میدهند میگوید : گروه های

اشرار را اکثرا دزدان ،قطاع الطر- یقان ، اوباشان و راهز نان تشکیل میدهند که از علم و دانش بهره یی ندارند و ارتجاع و امپر یالیزم ازآن

ها بحیث آله دست خویش کار می- گیرد و با استفاده از عدم آگاهی و دانش آن ها ، آنان رابرضد انقلاب

و مردم ما بر می خیزاندتا به اعمال سبو تاژ کارانه ضد انسانی و ضد انقلابی بپر دازند و بوطن و مردم ما خیانت وزرند .

سرباز قهرمان‌دیگری که‌پیروزمندانه از ولایت کندهار بر گشته است و اکنون نیز بحیث سرباز در قطعه ۷۷ دافع هوا ایفای وظیفه می نماید اسم خود را عبدا لباقی معرفی می نماید

اوکه د ر برج دلو سال ۱۳۵۹ به خدمت مقدس عسکری شتا فته است و اکنون نیز درسنگر دفاع از وطن و دست آورد های انقلاب شکو همند ثور قوار دارد میگوید :

راز موفقیت ما در ولایت کند هاربر اشرار دراین بود که‌پلان های ایشان را قبل از جامه عمل پوشا نیدن آن کشف می نمو دیم .

و قبل از آنکه اشرار توسط سلاح

های مرگز ای خویش بر ما فیر کند ما آن را از بین می بردیم و بدین

حبیب الرحمن

ترتیب کسب پیروزی می نمودیم. از جانب د یگر علت پیروزی

مابراشرار این است‌که مبارزه ما مبارزه بر حق و عادلانه است و به

نفع توده ها و مردم زحمتکش ،ولی آن ها بخاطر احیای منافع مشتی از اقلیت نا چیز و مفتخوار جامعه و به نفع ارتجاع و امپر یا لیزم می‌جنگند

و به ترور و آدم کشی دست می‌زنند مگر توده های وسیع زحمتکش از ما پشتیبانی مینمایند و از اشرار نفرت داشته و دوری می جویند.

وی در اخیر پیامش را به آنانیکه فریب‌تبلیغات دروغین‌دشمنان انقلاب ثور را خورده اند و بر ضد دولت ملی و مردمی خویش قرار گرفته اند

چنین ابراز می دارد ، فرار از خانه و کاشانه و قرار گرفتن بر ضد دولت جمهوری دمو کراتیك افغا- نستان اگر به صورت شعوری و آگاهانه باشد گناهی است بس بزرگ و نا بخشودنی‌و اگر بر اساس اشتباه و فریب تبلیغات دشمنان انقلاب ثور باشد . جبران پذیر است . بر همه آنانی که فریب دشمنان‌را خورده‌اند لازم است تاهر چه زودتر به اشتباه خود پی ببرندو سلاح را برزمین گذاشته خودرا به دولت ملی و مترقی خویش‌تسلیم نمایند و همدوش دیگر برا دران هموطن خویش در امر اعمار جامعه- نوین و شکو فان در کشور سهیم شوند .

حال نوبت می رسد بچند تن از سربازان جوان دیگری که به ندای دولت جمهوری دمو کراتیك افغا - نستان جواب مثبت ارائه داشته اند

و به اثر مصوبه شورای وزیران جمهوری دمو کراتیك افغا نستان مبنی‌برجلب واحضار قسمی آن عده

سربازان وخوردضابطان قطعه به صفوف قوای مسلح که تا قبل از۳۰ میزان ۱۳۵۷ خدمت مقدس عسکری راسپری نموده و تر خیص ا خذ نموده اند و سن شان از ۳۵ تجاوز

نمی کند، برای گذشتا ندن‌یك سال خدمت در زیر بیرق دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان داو طلبانه ثبت نام نموده شامل خدمت شده اند .

عبدا لقسیم سربازجوانی است‌که تازه به قطعه ۷۷ دافع هوا شا مل خدمت شده است و نیرومند و پر- توان در سنگر دفاع از وطن ، مردم‌و انقلاب شکوهمند ثور قرار گرفته است .

او بعد از آنکه رویه و برخورد آمرین خود را در برابر سر بازا ن

عبدالعلیم

درشرایط پیروزی انقلا ب ثورو بخصوص مرحله نو ین وتکاملی آن نهایت عالی و برادرانه توصیف می دارد وطی پیامی از دیگر برادران جوان وهمو طن خویش می خواهد تا برای دفاع از وطن ، حاکمیت ملی تمامیت ارضی و نوامیس ملی خویش به صفوف قوای‌مسلح قهرمان کشور به پیوندند و بر نیرو مندی اردوی قهرمان و حما سه ساز کشور به افزایند تا باشد هر چه زود تربساط چرکین گماشتگان ارتجاع و امپر - یالیزم از سراسر میهن ما بر چیده شود و صلح و آرامش کامل در همه اطراف و زوایای کشور حکمفر ما گردد .

محمد عظیم سرباز دیگری است که به‌قول خودش‌در سال ۱۳۵٤ در فرقه ۷ خدمت مقدس زیر بیرق را سپری نموده است و بخواست دولت‌انقلابی خود بار دیگر به صفوف قوای مسلح کشورپیوسته است‌اومی گویدخدمت در صفوف قوای مسلح در شرایط کنونی تا دوران حکمر وایی رژیم های مستبد قبل از انقلاب ثور از زمین تا آسمان تفاوت دارد در آن زمان مشکلات و مشقات بی شماری برای یکنفر سرباز وجود داشت ولی امروز برای ماهیچ‌مشکلی وجودندارد از نظر مواد غذایی ،محل خواب و استرا حت اندکترین تکلیفی نداریم و همه دریك فضای کاملا دوستانه و برادر انه بکار وپیکار انقلا بی خود ادامه میدهیم وبرای رسیدن‌به‌هدف واحدی مبارزه می نماییم .

محمد اعظم سرباز دیگری میگوید: اکنون که ما به تقاضای دولت ملی و مترقی خویش جواب مثبت ارائه داشته ایم و به صفوف قوای مسلح قهرمان‌کشورپیوسته‌ایم دولت‌انقلابی بر ما نیز مساعدت های زیادی را ارزانی داشته است به طور مثال برای هریك سر باز ماهانه مبلغ سه هزار افغانی پر داخته میشود و در دوره خدمت یك ساله ما ازامتیاز کوپون بر خوردارمی باشیم‌و ازهمین قبیل مساعدت های دیگر ...

ضیاء الله سرباز قطعه ۷۷ دافع هوا که در سال ۱۳۵۷ از همین‌قطعه ترخیص اخذ نموده است و قبل از پیوستن اش به صفوف قوای مسلح در ریاست تعاونی و تجار تی دوستی کار می نمود در مورد مزایای مصوبه اخیر شورای و زیران جمهوری

بقیه در صفحه ۵۱

شمس الدین ظریف صدیقی

به مناسبت دهۀتحقیق برامیر علیشیرنوایی‌وعصر وی •

سرکس درزمان امیرعلیشیرنوائی

نخستین سرکس درکشورما:

امروز اگر از بینند گان تلویزیون پرسیده شود که دلچسپ ترین و مشغول کننده ترین برنامۀ تلویزیون کدام است ؟

یقینا اکثر شان خواهند گفت که : برنامۀ سر کس حیوانات •

چون در سر کس و نمایش حیوانات نه‌تنها بیننده از نظر تفریحی اقناع میگردد بلکه به استعداد انسان در جهت تربیت ورام کردن حیوانات و توفیق در تلاش برای وا داشتن یك حیوان به اجرای کارهای دشوار نیز پی‌می‌برد در دنیای امروز چنین نمایشات رادر کشور های پیشرفته مشاهده مینماییم اما بایدبخاطر آوریم که روز گاری ما خود رام کنندگان و هنرورانی داشته ایم‌که‌سر کس های باشکوهی را تنظیم ورهبری مینمودند ، البته این مربوط به عصری بود که کشور عزیز مادوران طلایی ودرخشانی رامی‌پیمود. مردم ما، درعصردرخشان تیموری ، بابر خورداری از رفاه همه جانبه اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی ، باحیرت وتحسین واشتیاق‌به‌تماشای سر کس میرفتند وازدیدن کار های شگفتی آور حیونات رام شده لذت می‌بردند و تفرج میکردند • درین دوره بودکه اقشارگوناگون ، برهبری‌شخصیت های برگزیده‌چون‌امیر علیشیر نوایی بایجاد همبستگی در ساختمان یك جامعۀ شگوفان مجدانه تلاش میورزیدند به کمك وتوجه آن مجدانه تلاش میورزیدند به کمك وتوجه آن وزیر نامدار یك سر کس منظم نیز به نمایش های دلچسپ وشگفت ، شهریان هرات رادر اوقات فراغت به تفریح ولذت گیری مصروف میگردانید • تاجائیکه اسناد تاریخی موجود است این نخستین سر کس منظم وکامل در کشور ماست که از آن سراغ داریم •

ترکیب سر کس :

رهبر ورام کنندۀ این سرکس بابا جمال بز باز نام داشت که از عراق به هرات آماده‌و معرکه ماو نمایش های مختلفی رابا حیوانات دست آموز ورام شده عرضه مینمود ، علاوه بر آرکستر موسیقی حیوانات شامل سیرك عبارت بود از :

- شتری که بالای سه پایه بالا می‌شد•
- میمونی که سطرنج راما هرانه بازی‌میکرد
- بز کبودی که معرکه میگرفت •
- خری که زیبایی را درك میکرد •
- وبالا خره‌سایره‌ایکه پول رادوست‌میداشت

شتری که‌بالای‌سه پایه نمایش‌میداد:

زین الدین محمود و اصفی در بدایع الوقایع چند دفعه راجع به این شترصحبت‌کرده است: دریك جای در بارۀ شتر سر کس چنین گفته است :-

«شتری داشت بغایت عظیم جثه وقوی هیکل ... واین شتر را آموخته بود که بر بالای سه پایه‌ای برمی آمد وخلق عظیم برگرد معرکه وی جمع می‌آمدندوتعجب می‌نمودند » (ص۱۲۱ -ج۲) در جای دیگر در مورد این شتر آمده است :

«واین شتر را برسه پایه قدمی برمی‌آورد ودر آهنگ بیاتی و عربان عملی بسته بودو اگر نه بختیان افلاك به زنجیر مجره محکم و مضبوط نبودی از سماع تقنی او زیر و زبر گردیدی ، وشتر وی سرو گردن می‌افشاند وآواز حزین میکرد که گویا چیزی می‌خواانند• (ص ۳۹۸- ج ۲)

میمونی که‌شطرنج را ماهرانه‌بازی میکرد

«واورا میمونی بود بغایت مقبول و مطبوع شطرنج رابه مثابه‌ای‌خوب می‌باخت که‌استادان این صنعت را مثل دوستی،وبر ناچه وجعفرعلی را دروادی حیرت می‌انداخت •

روزی امیر کبیر امیر علیشیر روح الله روحۀ مولانا صاحب دارارا که شطرنج صغیرو کبیر رامثل او کسی حاضرانه وغایبانه نمی‌باخت ، فرمود که : باآن میمون شطرنج باز! و دو نوبت مولاناء مشارالیه را مات گردانید واین طرفه تر که هربازی که مولانا صاحب می‌کرد ، آن میمون به جانب بابا جمال نگاهی میکرد وچشمك میزد که یعنی :

بقیه در صفحه ۵۱

صادق پیکار رئیس قضایای دولت به‌سوالات خبر نگار ما پاسخ گفت:

از : س . ر. ها شمیار

گفت و شنود هایی پیرا مو نسیمینا ر

طفل وقانون در افغانستان

نماینده یو نیسف درکابل حین گفت وشنود باخبر نگار ژوندون.

سید نجات الله حسینی رئیس ۰گروپ تعلیم وتر بیه سیمینار- طفل وقانون

سیمینا ر طفل و قانو ن که‌اخیرا به ابتکا ر وزار ت عد لیه ، بـــه همکار ی ادار ه یو نسیف در کابل وبا شر کت نمایند گا ن ار گا ن‌ها و ساز مان های دو لتی در تالا ر ریاست طب و قایو ی دایر گردید روزنه ها ی تاز ه یی را در زمینه بهبود زندگی کود ك در کشو رما نو ید میدهد خبرنگا ر هفتگی نا مه ژوندو ن آگا هی بیشتر خوانندگان در این ز مینه گفت و شنـــو د شنود های کو تا هی را با بر خی از روسا و اعضا ی گرو پ ها ی مختلف سیمینا ر به عمل آو رد ه‌که اینك از نظر تا ن میگذرد :

سید نجا ت الله حسینی رئیس گرو پ تعلیم و تر بیه سیمینا ر طفل و قانو ن نخستین کســـی است که با او به گفت و شنو دمی نشنم ، او دراین زمینه کـه چـــه انگیز ه یی مو جب تدویر سیمینار گردید ، میگو ید :

ـوزار ت عد لیه به منظـــو ر تا مین حقو ق کود ك در کشور و به وجود آور ی ز مینه های قانو نـی برای بهبود ز ندگی طفل پیشس از تدویر سیمینا ر مطالعا تی را بـه آغاز گرفته و مونو گرافـی رابـــه ترتیب آو رد ه بود که طر ح آ ن ایجا ب بر رسی بیشتر را بـــــه وسیله ار گا ن ها ووزار ت ها ی مختلف میکرد تا شرایط تطبیقـــی آن از دیدگا ه های مختلف بـــه ارزیا بی کشید ه شود، سیمینا ر کنو نی که زیر نا م طفل و قانو ن به ابتکا ر و زار ت عد لیه‌وهمکاری ادار ه یو نیسف در کابل به تدویر آمد ه است کار آ ن بررسی ایـن مونو گرا ف و خلا های احتما لی آن میباشد .

رئیس پلان و زار ت تعلیم‌وتربیه در پاسخ به این پرسشس کـــــه سیمینا ر بیشتر در چه موا رد ی‌به طرح مسایل مربو ط به طفل مـــی پر دازد و شکل کار آ ن چه گو نه است ، میگو ید :

ـمسایل تعلیم و تر بیه ، رفا ه اجتما عی ، صحت و کار موا رد ی است که در ارتبا ط با طفل‌و قانون مورد بحث است و شیو ه کارنیزبر این منوا ل است که تعدا د ی ا ز اعضا ی سی و هفت نفر ی‌سیمینار در گرو پ های جدا گا نه تعیین شده اند تا در بخشس ها ی خصو صی تر هریك از مسایل چهار گا نه را به بررسی و ارزیا بی گیر ند و نتایج کار خود را به جلسه‌عمو می به طر ح آورند .

حسینی در این مورد که‌سیمینار شرایط تعلیمی و تربیو ی‌کودکا ن راچگو نه به بررسی گر فته و چه سفار شاتی را در زمینه بـو جـود آمد ن شرایط تاز ه یی که بتواند بهبود کیـفی را در امـور آموزش وپرورش اطفا ل به میا ن آو رد ، به دولت دارد ، میگو ید :

ـنخستین سر شما ر ی نفو س نشان میدهد که در حدو د ششس ملیو ن نفوس کشور بین سن‌صفر تا چهار ده سا له قرار دارند که‌چار اعشاریه ششس فیصد مجموع‌نفوس را نشان میدهد واز آ ن جمله د ر حدو د سه و نیم میلیو ن آنراکسانی تشکیل میدهند که باید شا مـــل دروس مکتب ابتدا یی میبودند اما صر ف بیست و نه فیصد ازمجموع سه و نیم ملیو ن نفر شا مل‌مکتب بوده ومتباقی آن یا درخارج منـزل مصرو ف کار اند ، یا بیکار مـــی باشند و یا در حا ل ولگر دی‌زندگی میکنند که دوا م این و ضع فاج عه آمیز است ، گرو پ‌تعلیم و تر بیه نیز شرایط شمو ل تعداد بیشتـــر اطفا ل درسن مکتب را موردبررسی قرار داد ه و هم چنین پیرا مو ن مسایل دیگر ی در ارتبا طبه تعمیم تعلیم مطالعا تی انجا م داد ه که بعدا مورد بررسی عمیق تر قرا ر خواهد گر فت .

محمد صا د ق پیکـــــا ر رئیس قضا یا ی حکو مـــــت وزارت عدلیه که سمـت ر یـاست گرو پی کار را نیز در سیمینا رطفل و قانو ن دارد در جوا ب به ایـــن سوال که وزار ت عد لیه جهت‌قانونی و حقو قی این مو ضو ع را که در شرایط کنو نی به خاطر مو جودنبودن زمینه های وقا یه امرا ض سار ی در حدو د بیشس از چهل فیصـــد کود کان نار سیده به سن پنـــج ساله گی میمیر ند چگو نه به‌بررسی میگیرد و در این سیمینا ر برا ی کاستن از حجم این فا جعه چـــه مطا لعا تی را در دست دارد ، می گو ید :

ـحما یت طفل و مادر حا مله و شیر ده بعد از مر حله نوین وتکاملی انقلاب ثور جز قوانین کشور است بر اسا س ماده بیست و ششـــم اصول اساسی جمهور ی دموکراتیك افغا نستا ن «خانواد ه ، مادر و طفل تحت حما یه خاص دو لت قرار می گیرد ، دو لت در مورد صحت مادر و طفل تو جه خاصی مبذ و ل می

دارد ، ار گا نها ی دو لتی ،ساز مان های اجتما عی و مکا تب مو ظف اند در تربیه اطفال به خانواد ه ها کمك کنند.»

برهمین اساس رخصتی سه ما هه ولادی بعد از انفاذ این قانو ن به تصو یب حکو مت رسید ، هم چنین برای حما یت بیشتر مادرا ن فیصله گردید که در صور تضرورت مادرا ن بعد از سپر ی شدن سه ماه رخصتی با معا ش و لادی میتوانند شش ماه نیز رخصتی بدو ن معاش داشته باشند. در این سیمینا ر نیز ضرور ت های دیگر ی ا زاین مانند برای مادرا ن نیاز مند مورد بررسی قرار خواهد گر فت و به حکو مت توصیه خواهد شد .

صادق پیکار در این زمینه که عدم توازن خدما ت دو لتی درده و شهر از یکسو و مو جود بودن زمینه های خرا فی که به صور ت افرا طی در ده حاکم است از دیگر سو مو جب میگردد که تطبیق مقرره هاو قوانین که در مجموع حما یت طفل و مادررا تضمین‌میکند درروستا ها با مشکل روبرو گردد ، می گو ید :

ـدرست است اینها دشوار ی های اسا سی است اما، مابه آن پیروز میگر دیم و مشکلا ت را از میان بر میدار یم چرا که صادقا نه و صمیما نه برای مرد م کار می کنیم و هد ف ما فر یب توده ها نمیباشد در مورد ی که شما هم اشار ه کردید ما میکو شیم ساز مان ها ی رفا ه اجتما عی را گستر ش دهیم و هم چنین احصا ئیه دقیق در موار د گو ناگو ن تهیه بدار یم که وضع‌مارا در شرایط کنو نی مشخص کند و بعد علما خوا هیم کوشید دشواریها را از میان بر داریم .

رئیس قضایا ی حکو مت دراین مورد که سیمینا ر در زمینه از میان بردا شتن مشکل اطفا ل معیو ب به چه فیصله ها یی رسیده است میگو ید :

ـشما در ست میگو یید درشرایط کنو نی هیچ مو سسه یی در کشور ما وجود ندارد که مسوو ل نگهداری اطفا ل معیو ب باشد به همین دلیل ما ایجاد ساز مانی را که این مسوو لیت را به عهده گیرد به دولت تو صیه میدار یم و هم چنین در پی آنیم که برای معیو بین شرا یط کار فرا هم آید تا آنها خود را بار دوش جا معه تلقی نکنند .

به صادق پیکار میگو یم :

ـ من تاکنون شا هد تد ویر سیمینار ها ی فراوا نی در دروا ن پیش از انقلاب در همین سا لو ن بوده ام که بد بختا نه هیچ کدا م جز سخن پرا گنی و مقا له خوا نی کار ی از پیش نبرد ه و جهت تطبیقی کم داشته اند ، سر نوشت سیمینار کنو نی از نظر شما چگونه برر سی میگردد ؟

ـتاجا ییکه وزیر عد لیه و عده داده است نتایج این سیمینا ر به مقا ما ت صلا حیت دار گزار ش می‌گردد تا جهت تطبیقی آن مورد مطا لعه قرار گیرد .

دکتور ناجیه خرد از گروپ رفاه اجتما عی در پاسخ به یك پرسش در زمینه مسایلی که در جهت تامین رفاه اجتما عی اطفا ل به بر رسی آمده است کدام است ، میگو ید :

ـعمده ترین مسا یلی را که در زمینه رفاه اجتما عی اطفا ل به طرح آمد میتوا ن در این موارد تو جه به اطفال منحرف ، توجه به اطفال معیو ب فزیکی و روا نی و تو جه همه جانبه به‌حال آنان ، اطفال ناتوان از نگا ه اقتصاد فا میلی ،اطفالیکه مادرا ن آنها در بیرو ن از خا نه وظیفه دار ند ، اطفا ل یتیم واطفالی که با مادران خود در محبس قرار دارند ودر نها یت اطفال بی سر- پرست و اطفا لیکه نظر به ضرور ت باید کار کنند . و چگو نگی- استخدا م آنا ن که در هر یك از موارد گفته شده بررسی ها یی به- صورت گرفته و توصیه ها یی به- حکو مت داده خواهد شد . وی در یك مورد دیگر در پاسخ به این پر سشس که شرا یط کار برا ی اطفا ل نیاز مند چگو نه و با چه ضوا بطی تعیین خواهد شد می گو ید :

ـباید قیودا تی وضع گردد که کار ها ی خارج از توا ن کود کا ن به آنان سپرده نشود ،هم چنین سا عا ت کار کود کا ن باتو جه به توانای های فز یکی شان تعیین گردد و قیود ی برای کار ها ی‌شبانه وکار های مضر صحت برا ی اطفال وضع گردد و هم چنین یك مرجع مسوو ل وارسی از این مسا یل تعیین گردد .

دکتور عایشه امیر رئیس انجمن رهنما ی خانواد ه که در گرو پ صحت شا مل است در این زمینه که گرو پ وی چه موارد ی را زیر مطا لعه گرفته و چه تو صیه هایی را به حکو مت دارد ، میگو ید :

ـ گروپ صحت باتوجه به‌محتوی مواد بیست‌و چهارالی‌بیست وشش اصو ل اساسی جمهور ی دموکراتیك افغا نستا ن که طفل، مادر وخانواده را مورد حمایت جد ی دو لت قرا ر دا ده است در مجموع مطالعا تی را به انجا م آورد ه که بر اساس آن تو صیه حیا تی در زمینه ها ی مرا قبت مادرا ن در زما ن بار داری و ولادت و دور ه بعد از ولاد ت ، تهیه غذای متمم برای اطفا ل‌گسترده سا ختن سا حه تعلیمات صحی و تغذ ی ، تدو ین قانو ن عا مه ، اجرای واکسینا سیون علیه امراض ساری ، تکمیل معا ینات صحی اطفال قبل از شمو ل به مکتب جلو گیری از معتاد شدن اطفال به دخانیات و هم چنین و ضع قوانینی جدا گا نه در زمینه ها ی طفل غیر قانو نی ، اطفا ل یتیم ، به فرز ند ی گرفتن اطفا ل ، جلوگیری و تشخیص قبلی معیو بیت ، جلو گیر ی از شکنجه اطفا ل ، وتنظیم خانواد ه به حکو مت داده خواهد شد .

وی اضا فه کرد :

ـافغا نستا ن متعهد به هدف ساز مان صحی جها ن در جهت (صحت برای همه) تاسال دو هزار از طریق سترا تیژ ی کمك ها ی او لیه صحی میباشد و این مشتمل است به همکاری سکتوری ، سهم گیری اهالی ، واکسینا سیون ، تشخیص قبلی و معا لجه امرا ض تهیه آب آشا مید نی صحی ، و تامین حفظ الصحه منا سب ، ترویج ادو یه مورد نیاز ، تعلیم و تر بیا صحی و تربیه پر سو نل منا سب صحی ،تطبیق این‌استرا تیژی غرض بهبود صحت اطفال و مادران حتمی است .

راحله راسخ خر می مد یر مسوول ژوندون و نماینده وزارت اطلا عات و کلتور در سیمینار طفل و قانون در پاسخ به پرسشی در این زمینه که اوبا شناخت‌ودرگی که از خصو صیت ها و ویژگی های جامعه مادر مورد دشوار یهای طفل و ار تبا ط آن باقانو ن دارد

بقیه درصفحه ۳۸

عایشه امیر

راحله راسخ خرمی مد یر مجله ژوندو ن

دکتور ناجیه خرد عضو گروپ رفاه اجتماعی

مارتین لوتر کینگ

ترجمهٔ قاسم «سرمد»

قسمت سوم

من هم یك انسانم

...

مارتین لوتر کنگ رهبر سیاهان

چگونه بقتل رسید؟

نهم اپریل۱۹٦۸ روز تدفین داکتر کنگ آسمان نیو یارك صاف وآفتابی بود . وقتی سرویس شهر ی در جاده نمبر ٤۹ توقف نمود یك جوان سیاه که با خود یك پایه رادیو ترـ انزیستور داشت به سرویس سوار شد .

جمله «داکتر مارتین لوتر کنگ بعداز چاشت امروز به خاك سپرده خواهد شد» از رادیو پخش گردید. باشنیدن‌خبر را کبین‌سرو یس‌ساکت شدند .

صحنه های‌ادای‌احترام خا موشانه در سراسر اضلاع متحده امریکا به یك منوال بود . دکانها مسدود و بیرق ها به حالت نیمه افراشته در اهتزاز بود . انعکا س نا قوس‌کلیسا در جاده های خا لی تا ثر ملت امریکا را به گوش جها نیان میرسانید .

بر خی امریکا یی ها به آن عده کسا نیکه در کلیسا به دعاو نیایش پرداخته بودند روحا می پیوستند.

مراسم دعا در تمام شهر هـــای امریکا بر گزار گردید و سفید وسیاه پهلو به پهلوی هم بمارش مـــی پرداختند.

وقتی مرا سم دعا پایان یافـــت زنگ کلیسا ی بزرگ نرمك نرمك به صدا آمد جوانان به آهستگـــی آهنگ «ما پیروز خواهیم شد» را زمزمه می کردند . ما تمز ده گا ن ترانه مخصوص «آزادی مد نی» رابه یك صدا می خواندند، صدا در فضای کلیسای بزرگ سنگی مستو لی می شد .

روز شنبه آب ها ی سواحل‌شرقی وسواحل غربی آرام و خا لی بود. کار گران سواحل در مراسم یادوبود کنگ اشتراك کرده بودند .

بیرق های‌کشتی ها ییکه دربنادر لنگر انداخته بودند بـه‌حـال نیمه افراشته در اهتزازدرآمده بود.رئیس جمهور امریکا روز هفتم اپریل را روز عزای ملی اعلام نمود. در این روز در جاده نمبر (۷) نیو یـــارك (۲۵۰۰۰) نفر اجتما ع نمودند ودر شهر بمارش پر داختند .

اغلب مکاتب بسته بود متعلمین یکی از مکاتب به چوکی هـــــای شان سا کت نشسته بود ند . دفعتا یکـــی از آنها سوال نمود ما رتین لو تـــر کنگ‌کی بود ؟ معلم جواب وی‌را بروی تخته نو شت کنـــگ شخصیتی بود که برای احقاق حقوق مدنی در امریکا مبارزه می کرد. او برنده جایزه نوبل بود و فلسفه عدم تشدد را به مردم تو صیه می کرد. متعلم دیگری گفت داکتر مارتین برای حقوق مدنی سیاهان مبارزه می‌کرد معلم از آنها سوال کرد آیا کنگ صرف حقوق مدنی سیاه پوستان‌را خواستار بود ؟ شاگردان جواب‌دادند نه‌وی این حقوق را برای تمام ملت امریکا مطا لبه می داشت .

صدراعظم هند ، داکتر کینگ را «فرشته صلح‌خواند» اعضا ی پارلمان هند و همچنان پار لمان آلمان‌فدرال واسامبله ایالت جنیو نیز بخاطـر بزرگداشت داکتر یك دقیقه سکوت اختیار کردند .

وزیر خار جه دنما رك گفت داکتر هرگز فراموش نخواهد شدوقتلش مبارزات عدالت خوا هی اورا پایان نخواهد داد .

پاپ پال ششم گفت‌عدا لت‌خواهی وبشر دوستی که کینگ به دفاع آن پرداخته بودبرای همیش‌قابل‌احترام خواهد بود .

روز نامه های ارو پا یی از جمله یك روز نامه هسپا نوی از آدم کشی هادز امریکا که منجر به قتل جـــان کنیدی و داکتر کینگ دو دوست و همکار صمیمی شده بود وبه حزب گلوله های یك آدم کش پست فطرت ونادان از پای در آمده بودند ابراز نگرا نی کرد .

روز نامه پر تگا لی نو شت در امریکا او ضاع عادی نیست اول کنیدی و به تعقیب او مار تین بـــه قتل رسید .

یك روز نامه فرانسو ی در باره تاثیرات قتل‌رهبرسیا هان بر جنبش حقوق مدنی اظهار نگرا نی نـــموده نوشت اگر بلو او شورش مستو لی می گردد . اگر انقلاب سیا هـــان فلسفه عدم تشدد را کنار می‌گذارد درآنصورت چنین مفهوم خوا هد شد که واقعه ممفیس آغاز کـــار است.

روز نامه افریقای جنو بی اظهار عقیده نمود که‌روابط نژادی در امریکا انسان را بلر زه می اندازد این قتل ناآگاهانه آنچه را که تا حال صورت پذیر گردیده برای یك دهه دیگر به عقب می اندازد .

جسد کنگ در کلیسای کوچك کالج اسپل من در اتلا نتا قـــرار داشت . صفوف طویل مردم بر ای ادای احترام از مقابل آن می گذشت وقتی چشم مردم به چهره بیروح داکتر می افتاد آنها به حقیقت قتل رهبر سیا هان متو جه و باین نتیجه میرسید ند که بعداز این صدای‌متین وآرام وی‌که به مردم درس عدالت ومحبت میداد بگو ش کسی نخواهد رسید، بر خی گر یه می کردند و به سرعت خارج می شدند دیگران لب می‌گزیدند و دور می شدند .

دو شنبه شب تا بوت را بـــه کلیسای (ای‌بی‌نی‌زر) آورده ومقابل منبر کلیسا گذاشتند در ین کلیسا که‌کینگ و پدرش بوعظ میپرداختند مراسم تدفین صورت‌می‌گرفت. مردم به‌تابوت نزدیك می شدند و بار هبر محبوب خو یش خدا حا فظی مـــی کردند .

سیاه پو ستان لباس کار و زنان لباس عزا پوشیده بودند در تمام طول شب زیر نور خیره چراغها ی کلیسا صف بسته بودند . جوانان جاکت پو شیده بودند و برو ی سینه آنها عبارت «سیاه زیباست» به چشم می‌خورد . لباس های سفید پوستان در طول راه مسافرت چمبلك شده بود .

وقتی کنگ‌ازترك نمودن رستوران‌سپید پوستان خود داری‌نمودپولیس اورا دستگیر کرد .

حوالی ساعت پنج صبح هنگا میکه اولین اشعه‌ی زرین آفتاب بـــروی شگوفه ها بدر خشیدن آغاز کرد صد هانفر بحال سا کت د انتظار بودند ساعت ۳۰ر۱۰ در حدود ۵۰۰۰۰نفر در مقابل کلیسا جمع شد. منسوبین قوای بحری ملبس به یو نیفـــورم پسته‌رسان ها ، شا گردان سیـــاه پوست ، دختران سیاه پوست و روحانیون سفید پو ست در بـــین جمعیت به نظر میرسید. با کثر مردم اجازه داده نه شد به کلیسا دا خـل شوند کلیسا در حدود ۸۰۰ نفـــر گنجا یش داشت . برای‌فا میل‌کینگ ودوستان ، هیات روحانیون کلیسای (ای‌بی‌نی‌زر) و منورین شهر که در مراسم اشتراك می‌کردندجای قوروغ گردیده بود .

داخل کلیسا از عطر گلها انباشته بود. گروه سرود مذهبی در جا های معینه اخذ مو قع کرده بود، در بالای سر آنها از ورای شیشه کلکین‌زنگ زده که در آن مجسمه حضرت مسیح انعکا س یافته بود شعاع آفتاب بـه کلیسا داخل می شد .

بالای سر تا بوت مقابل منبر یك صلیب که از گلهای‌رنگارنگ ساخته شده بود قرارداشت. لنز تلویزیونی مراسم را در سرا سر امریکا برای بیشتر از ۱۲۰ میلیون نفر بیننده پخش می کرد .

در مدخل کلیسا دو قاطر که به یك واگون سبز رنگ زراعتی بسته شده بود دیده می شد واگون‌و قاطر ها سمبول های غربت اند کنگ در صدد آن بود آنها را بر چیند واگون تابوت را از کلیساتا کا لج مورهوس انتقال میداد . کنگ‌درین‌کا لج درس خوانده وازآن فارغ‌التحصیل گردیده بود.

تابوت را از کلیسا خارج کردند وبروی واگون گذاشتند . و قتـــی واگون به مسا فرت چهار مینی خود یادومین مر حله مراسم تدفین‌شروع کرد در حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر بدنبال آن روان شدند در بین این جمعیت سیا و سفید فرما ندار و دهقان‌دیده می شد . وا گون از جاده (اوبرن)که کنگ در همین جا چشم به جها ن کشوده بود گذشت .

واگون و جمعیت انبوه از کوچه میشل به طرف مور هو س براه‌افتاد وقتی از کوچه (هن نن) محله نگرو نشین عبور می کردندآهنگ «فانوس کوچك من» را می خواندند

وقتی قاطر ها از گولایی که بـه صحن کالج ختم می شود گذشت جمعیت مزدحم از هردوطرف به‌طرف جلو هجوم بردند . قاطر ها برای لحظه ایستاد ند را ست و چپ را نگاه و گوش‌های‌خود را پهن ساختند ولی اند کی بعد آرام گرفتند براه افتادند و به آرامـــی از در وازه گذشتند .

ساعت ۳ بجه بعداز ظهر فریادو گـریـه درمورهـوس شروع شـد جمعیت بسیار انبوه بود و بار هااز مردم‌خواسته‌شدازنزدیك شدن‌به‌تراس احتراز کنند، قسمت زیاد پرو گرام نسبت نبودن وقت کا فی حـــذف گردید.

کور تیا بیوه کنگ به آرامی و خاطر آسو ده تمام این تشریفات را پشت سر گذاشت . وی که یك‌زن ملیح و بردبار می باشد کنگ‌را در تمام فعالیت هایش یاری کرده بود ولی تعداد کم مردم از فعا لیت هاو همکاری ها یش بامار تین اطـــلاع داشتند . قتل شوهر ش اورا بیشتر به مردم شنا ساند . ثبات واعتماد به نفس او به همه قوت قلب داد.

کورتیا برای آماد گی باین مصیبت وقت زیاد داشت . از شروع فعالیت کنگ هردو میدا نستند که این بـلا بدون اخطار قبلی به سراغ آنهـــا خواهد آمد . وقتی حادثه بوقـــوع پیو ست اول پسر (۱۲) سا لـــه اش‌را در جریان گذاشت . باشنیدن خبر قتل پدر بمادر ش گفت تو یك زن شجاع هستی من ترا کمك می کنم هر گز فریاد و گریه سر نمی دهم. مادر پسر ش را در آغـــوش گرفت و هردو اشك ریختند . پسر ده ساله کنگ مار تین سوم گفت‌من ترسیده ام ما در طفلش را نوا زش نمود .

در روز تدفین یعنی پنج روز بعد از قتل شوهرش کورتیا آسوده‌خاطر به نظر میرسید . صبح همان روززن جان کنیدی رئیس جمهور مقتـــول امریکا بدیدن وی آمد آنها برای‌پنج دقیقه باهم صحبت کردند ، اند کی بعد هر دو برای سهم گرفتن در مراسم تدفین کنگ از خا نه خا رج شدند .

وقتی مرا سم تد فین پایان یافت مارش کنندگان برای آخرین بـــار آهنگ «ما پیروز خواهیم شد» را خواندند .

بقیه در صفحه ٤٤

پاپ پال ششم با کنگ وابرنتی(سال ۱۹٦٤) ملاقات کرد به تعقیب ملاقات و اتیکان داکتر کنگ بیانیه‌ها یی در برلین شرقی و غربی ایراد نمود .

گردهم آیی های اختصاصی ژوندون

مسایل: سیاسی، اجتماعی وخانوادگی وفرهنگ وهنر

دربوتهٔ نقد وانتقاد

راه‌های رشد در باروری تجارت ملی در کشور

آیا تجارت ما دچار رکود شده است؟

طرح وتنظیم : رووف راصع
حکم : راحله راسخ خرمی

دراین جدل :
۱ـ انجنیر محمد عزیز رئیس عمومی ارزاق
۲ـ مهر چند ورما رئیس عمومی اتاقهای تجارت
۳ـ انجنیر شاهین رئیس افغان کارت
٤ـ انجنیر امراحمد امر رئیس عمومی موادنفتی و شکر
٥ـ انجنیر مسکین‌مل رئیس انکشاف زراعت

راحله راسخ خرمی : تجارت به گونه‌رهبری شده وبر اساس پلانگذاری های علمی‌ومترقی که منافع توده های میلیونی در آن درنظرباشد در رشد زیر بنای اقتصادی کشور ودر جلب وجذب اسعار خارجی نقش عمده و والایی‌دارد، به همانگونه کـــه روابط وضوابط کمپرادوری وگسیل تجارت وارداتی و صادراتی در جهت انحصار طلبی بورژوازی ونه بورژوازی ملی، نقش تباه کن در رشد و انکشاف سرمایه‌های ملی داشته ورکود اقتصادی را بار میاورد.

هفتگی نامه ژوندون که از مدتی است بـا تقاضا های مکرر عده یی از سرمایه گذاران وتجار ملی انفرادی برای دایر کردن یك گردهم آیی و جدل پیرامون مسایل تجارتی کشور روبرو است ، به این جهت زمینه‌بحث و گفتگو را دراین مورد میگشاید که ازسوی شکایات ، انتقادات و پیشنهاد های دست اندر کار تجارت ملی‌وسرمایه گذاران انفرادی باارگان هاو مقام های مسوول وزارت‌تجارت به طرح آید وراه هایی برای رفع آن کاوش گردد واز سوی دیگر سیاست کنونی تجارتی کشور بیشتر به شناخت آید و آگاهی هایی در زمینه به شاکیان داده شود .

امیدوارم این جدل ژوندون‌نیزهمچون جدل های دیگر در گردهم آیی های این مجله‌مفید وبا ارزش تلقی گردد وسر آغازی باشدبرای گردهم آیی های‌وسیع‌تروهمه جانبه‌تر وبررسی کامل تر به‌منظور راه حل یابی هایی دررفع دشوار یهاو مشکلات تجارتی .

از جانب خود سپاس و تشکر ات عمیقم رابه وزارت تجارت و اعضای شرکت کننده جدل که دعوت ژوندون را برای این گفت و شنود پذیرا شدند هدیه میداریم .

رووف راصع : وسایل‌ارتباط جمعی ورسانه های گروهی که در واقع باید آئینه راستین نمای رویداد هاو مسایل‌موردعلاقه جامعه‌باشند وپل رابطه میان مردم وارگان های عهده دار توزیع خدمات اجتماعی ، زمانی میتوانندمورد اعتماد خواننده ، شنونده و بینندهواقع گردند که راستی ودرستی پیشه شان باشد ، هرگز به مسخ و رویگردانی رویداد ها نپردازند ، بابی پیرایه گی ودر نقش آگاهی‌دهنده به‌طرح مسایل بپردازند و هدف عمده شان از بررسی وارزیابی دشوار یهاو مشکلات همگانی رفع ویا کاهش حجم معایب اجتماعی وبر خورداری بیشتر مردم ازرفاه نسبی باشد، وگرنه‌رسانه‌یی کهرا هی جز این بپیمایدو دروغ بافی وشعار پراکنی را پیشه خود گرداند هرگز موردقبول وباور مردم قرار نمیگیرد وآنچه که میگوید ویا مینویسد چون یخ در آفتاب قرار دادن است.

ژوندون یگانه هفتگی نامه کشور وتنها مجله همه خانواده های کشور با چنین بینشی است که در گردهم آیی هاو گفت و شنود هـای اختصاصی خود به طرح دشواری های همگانی زندگی مردم میپردازد و مسایل سیاسی و اجتماعی و خانوادگی و فرهنگ و هنر رادر بوته ی نقدو انتقاد میگذارد .

هدف ما از تدویر این جـدل هااین است که بتوانیم با بررسی مشکلات زندگی گروه های مردم وطرح آن باارگان های مسوول ، رابطه میان سازمان های مسؤول عـرضه خـدمـات اجتماعی و مردم را استحکام بخشیم وبا به جریان قرار دادن مسوو لان امور از خواست ها وتقاضا هادر زمینه کار شان و علت یابی بروز مشکلات طـرق وشیوه های عملی رفـع آنرا نیز به کاوش گیریم که درهمین سلسله گردهم آیی های ما پیرامون مسایل مختلف در ارتباط با زندگی مردم ودشواریهای همگانی از نتایج سود مند بر خوردار بوده است.

مسایل مربوط به تجارت ورکود احتمالی آن که عده یی را براین باور داشته است از نظر مابه عنوان یك مساله دشواری همگانی نیست وآنچه مارا واداشت این جدل را در برنامه گردهم آیی های خود بپذیریم‌این است که نتیجه یك تجارت ناسالم و دچار رکود و بحران گشته به همان پیمانه در به وجود آوری ناهنجاری های اقتصادی و تاثیر در اقتصاد خانواده و جامعه دارد که باروزی وشکوفایی آن در رفاه اقتصادی همگانی .

گوشه از میز گرد ژوندون پیرامون‌چگونگی وضع تجارت در کشور

مسایلی را که دراین جدل به طرح میاید میتوان دراین موارد خلاصه ساخت :

یك اینکه : یکی از راه های جلب اسعار به پیمانه وسیع انکشاف توریزم در کشور است ، انکشاف توریزم نه تنها میتواند ده ها ملیون دالر را سالانه‌به عاید کشوربیفزاید وزیر بنای اقتصادی مارا تقویت کند، بلکه‌در به شناخت آوری فرهنگ پر غنا و بارور بومی کشور مانیز به مردمان‌کشور های دیگر نقش اساسی دارد ، از دیگر سو انکشاف توریزم در رشد صنایع دستی تاثیر عمده‌یی به جای گذاشته وسبب میگردد که هزاران خانواده‌بتواند این صنایع در اشکال بومی و محلی بتوانند بازار فروش دایمی برای تولید های خود بدست آورده و چرخ زندگی رااز این راه بگردانند وبه رفاه‌نسبی اقتصادی نایل گردند.

باتوجه به اینکه شرایط خاص انقلابی و اعمال خرابکارانه عمال ضدانقلاب موجب‌رکود در توریزم کشور شده است وزارت تجارت باید از طریق تنویر امپوریم هادر مارکیت های جهانی وبه کمك آتشه های تجارتی‌مادر کشور های خارجی برای کالا های افغانی صنایع دستی‌به حدی‌بازار یابی کند که جبران کمبود توریست ورکود توریزم را در کشور بتواند ، اما این گونه فعالیت ها اندك به‌نظر میاید وبه باور گروهی بیم آن‌میرود که بازار های فروش صنایع دستی کشور در خارج به مرور دچار ناهماهنگی گردد و از تعداد خرید اران کاهش به عمل آید .

دو دیگر آنکه :

عده یی بر این باورند که شیوه های کنونی مدد رسانی ارگان های رسمی وزارت تجارت به‌تجار انفرادی به گونه یی است که اغلب سرمایه ها راکد میماندو این بیشتر مشمول‌سرمایه هایی میگردد که‌در صادرات لباس های افغانی دوران داشتند به گفته برخی از دست اندر کاران خارجی حجم تجارت انفرادی تا بیش از پنجاه فیصدکاهش یافته در حالیکه طرق‌وشیوه هایی وجود دارد که ارگان های تجارتی با پیروی ازآن نه تنها میتوانند این کاهش حجم دورانی سرمایه‌های انفرادی را به مقایسه گذشته جبران کنند ، بلکه آنرا افزایش نیز بد هند .

سه اینکه :

خدمات بانکی و خدمات گمرکی وهم چنین شرایط ویزه‌دهی وپاسپورت تجارتی همراه با مشکلاتی است که هم وقت گیر است وهم‌درحجم دورانی سرمایه هاتاثیر مساعد میگذارد وباید در این زمینه تجاویزی بهتر گرفته شود .

چهار اینکه : عده یی دیگر براین باوراند که مقداری از سرمایه های ملی در حال فرار از کشور قرار دارد که باید عوامل آن بدرستی به مطالعه آید و با راه های عملی ازآن جلو گیری گردد.

وپنج آنکه : تاهنوز هم نوعی روابط استثمار گرانه میان مولدین صنایع دستی‌وتجاروموسسات صادر کننده آن وجود دارد با ین معنی‌که رنجبران وزحمتکشان تولید کننده صنایع دستی هم چنان درفقر میزیند ، قیمت کار شان افزا یش نیافته است و آنانی که برای موسسات شخصی کار می کنند از تمام مزایای‌که‌کارگران دو لتی دارند محروم می باشند در حا لیکه ثمره کار آنان است که سرمایه هارا بیشتر و افزون تر می سازد و به‌این دلایل و دلایل فراوان تر باید وزارت تجارت در به وجود آوری نوعی مناسبات عادلا نه میان کار گر وکار فرما ی تجار تی اقدام کند و به کمك وزارت عدلیه در این زمینه‌ها به وضع مقرره ما لی خاصی بپردازد .

اینك نو بت سخن را به شما می دهم.

رئیس عمومی اتاق های تجارت:

باامتنان از وزین نامه ژوندون که زمینه این گفت‌و شنود را فرا هم آورده است به پاسخ شمایادآورمی گردم که‌وزارت‌تجارت برای انکشاف امور تجارتی کشور به دوران‌اندازی مثبت هر چه بیشتر سکتور سرمایه گذاری های خصو صی ، افزا یش حجم صادرات کشور ،تورید اجناس ومواد مصرفی طرف ضرورت های او لی مردم ، ثابت نگهدا شتن قیم در مار کیت های داخلی و دیگر اهداف رشد و بار وری تجارت ملی اقدامات وسیع داشته و بعد از پیروزی مر حله نو ین و تکاملی انقلاب ثور ساحه این گونه فعالیت ها بسط و وسعت بیشتر یافته وبر اساس هدایات مواد هجده و بیست ویك اصول اساسی جمهوری‌دموکراتیك افغا نستان سر مایه گذاری های سکتور خصو صی را در جهت ملی مورد حمایت و پشتیبانی عمیق قرار داده است .

شما در صحبت خود به ضرورت انکشاف توریزم و تجارت توریستیك اشاره کردید ، با شما کاملا موافقم، ولی در نظر داشته باشیم که آنچه اکنون مو جب کا هش حجم تعداد ورود تور یست به افغا نستان می گردد از یکسو مربوط می گردد به شرایط انقلابی و در این شمار عدم مصو نیت ترانسپور تی و خرابکاری هایی که در همین زمینه برای آتش زدن موتر هاو حمله های مسلحا نه صورت می گیرد و از سوی دیگر تبلیغات و پروپا گند های روز افزون رسانه های گروهی امپر یا لیستی در باره افغا نستان .

اما رکود در امور توریستی هرگز موجب آن نشده است که بازار یابی برای کالا های توریستی افغا نستان متو قف گردد و یاد چار رکودگردد چنا نکه برای حفظ بازار های فروش وبالا روی حجم صدور کالا های تور یستی و بازار یابی تازه در مارکیت های جها نی فعا لیت های گسترده یی از ما نند گشا یش امپوریم هاو نما یشگاه ها در خارج برای جلب مشتری بیشتر و جود داشته و دارد و در این رده اگر بخواهید شوا هد مستند فراوا نی وجود داردکه‌می توانید آنرا درگرامی نامه خودبه‌نشر رسانید.

مورد دومی که شما اشاره کرآن شدید دراین زمینه است که گویا نحوه برخورد ارگان های رسمی تجارتی با تجار انفرادی به گو نه ایست که آنان سا حه محدودی برای فعالیت تجار تی دارند و سر مایه های شان را کد میماند و از دوران همیشگی باز میماند در حا لیکه واقعیت غیر از این است و شواهد برای تایید ادعا ی من فراوان.

تاپیش از پیروزی مر حله نوین‌و تکاملی انقلاب ثور تجار ملی‌و وطن‌پرست نیز ما نند همه‌اقشار و طبقات دیگر زیر فشار ها ی فراوان قرار داشتند تاجا ییکه حتی ملکیت و سر ما یه های شان نیز بر پایه اتهامات بی پا یه مورد تجاوز وضبط قرار می گرفت ولی باپیروزی مرحله نوین انقلاب و با پیروی از محتوای مواد هجده و بیست و یك اصول اساسی نه تنها اموالی که به صورت غیر قانونی ضبط شده بود وا پس‌به صاحبان آنها مسترد گردید بلکه برای حمایت از سر مایه گذاران‌ملی خصوصی اقدامات زیادی به تطبیق آمد که مواردی از آن را بر می شمارم :

لطفاً ورق بزنید

کسب معـا فیت ر سم ار ضیـه گمرکی ، معا فیت دیمر ج بنـادر، معافیت دیمرج سگرت ، تمد یـد میعاد جواز نامه و فرا هـم آوری تسهیلات بیشتر در امور جوازنامه اجازه‌تورید موتر های لاری مستعمل به‌سکتو ر خصو صی ، جلو گیری‌از اخذ اعا نه اجباری از تجار، تخفیف حق الثبت در تمام اقلام‌وبا لخصوص اموال مورد ضرورت او لیه مردم، اجازه تورید تلویزیون برای تجار، تخفیف اخذ حق الانحصار از پشم، فراهم آوری تسهیلات فراوان در زمینه انتقالات اموال ، تاد یه بیست فیصد از ما حصل فروش صادراتی که قبلا صورت گرفته باشد گوشه‌یی ازاین گو نه اقدامات است در جهت حما یت و پشتیبانی از تجار ملی.

هم چنان پیش از مرحله نویـن وتکاملی انقلاب ثور طرز العمل اخذ محصول اموال‌تور یدی و بار تری چنان بود که محصول برو یت و ملاحظه اصل اسناد سنجش و اجرا می گردید و اغلب چنان میشد کـه اسناد اصلی نظر به ورود اموال در بنادر مد تی معطل می ماند ودر آن صورت تاجر در صورتی میتوا نست اموال خو یشی را بر و یت کا پـی اسناد از گمرك محصول و خـارج نماید که علاوه بر تادیه محصو ل حقیقی مال وارده مبلغی را نیز بـه طور تضمین نزد گمرك به اما نت گذارد ، در این شکل اجرا علاوه از آنکه تجارت دچار رکود می گردیدو سر مایه های هنگفتـی از دوران تجار تی باز می ماند ، مشکلات‌عمده یی نیز برای تجار کم سر مایه‌بار می آورد که چون توان تحمل آنرا از نظر کمی سر مایه دورانی خـود نداشتند موجب میگردید که نسبت به امور تجار تی بد بین گشته و حتی پیشه تجارت را ترك گو یند ، بـه این دلایل و بادرك این مشکلات برای حمایت تاجران کم سرمایه و تشویق آنان به فعالیت‌بیشتردرامور تجارتی چنین تجویز گرفته شد که اجراآت محصو لی در این زمینه به استناد کاپی اسناد و بدون گذاشتن اما نت صورت گیرد .

این همه اقدامات که‌همه درمجموع به‌منظور حمایت از تجار ملی بـه تطبیق آمد سا حه فعا لیت سکتور خصو صی را افزایش بسیار داده و تجار ملی توانستند با استفاده ازاین زمینه‌ساز ی هابه دوران‌پیش‌از پیش سرمایه های خود در امور تجار تی موفق گردند چنا نکه ارقام مقایسوی حجم تجارت به‌وسیله سرمایه‌گذاری خصوصی در سال های ۵۸و ۵۹ خود گواه این ادعا ست و من نظر شمارا به آن معطوف می دارم .

مجموع مبلغ پرو فورمه هادرسال ۱۳۵۸ به موجب اسناد عبارت است (۱۸۶۰۲۷۸۵۶) دالر که این رقم‌در سال ۱۳۵۹ به (۳۳۲۰۸۶۴۶۴) دالر بالارفته‌ورقم‌افزا یشی(۱۴۶۰۵۸۰۶۸) دالر یعنی تزیید (۷۸) فیصد را در سال ۱۳۵۹ نشان میدهد .

رئیس انکشاف‌صادرات : به‌تایید گفته های رئیس عمومی اتاق های تجارت و برای اینکه نشان دهیم که نه تنها تجارت در کشور ما د چار رکود نگردیده بلکه بعداز پیروزی مرحله نو ین و تکاملی انقلاب ثـور به فیصد ی قابل ملاحظه یی رو به تزاید بوده است که طبیعی است‌با تو جه به اینکه بیش از نود فیصد امور تجارتی در صادرات و واردات به وسیله تجار ملی صورت می گیرد وصرف کمتر از ده در صد میزان کل در دست دو لت است میتوان میزان افزایش دورانی سرمایه های سکتور خصو صی را نیز دریافت، میپردازیم به یك مقا یسه فشرده از واردات و صادرات سه ماه اول سال ۱۳۵۹ با ۱۳۶۰ تا بر اساس اسناد وارقام واعداد واقعیت هابه بیـان آید .

مجموع صادرات ربع او ل سال ۵۹(۱۲۹۵۵۶) هزار د ا لر ومجموع صادرات در همین مدت سال ۱۳۶۰ (۱۷۹۵۱۴) دالر است که افزا یش ۳۸ فیصد را نشان میدهد .

به ارقام و اعدادبه‌صورت مشخص ترنگا هی میا ندازیم :

ارزش صادرات میوه تازه در سال ۵۹ معادل (۳۳۹۰۰۰) دالرو درهمین مدت سال ۱۳۶۰ (۸۶۰۰۰۰) دالر است میوه خشك در سه ماه اول سال ۵۹ بیش از ۳۵ هزار دالروهم زمان باآن در سال شصت به بیش‌از شصت و شش هزار دالر افزایش یافته‌است همچنین صادرات پشم‌به صورت مجموع در ربع اول سال۵۹ معادل(۱۱۱) هزار دالر و در همین مدت سال شصت بیش از یکهزارو هفتصد هزار دالر است .

صادرات پخته در ربع اول سال شصت به مقا یسه سال ۵۹ یك تنقیص مقداری‌پنجاه و شش فیصدی وتنقیص ارزشی پنجاه و یك فیصد رانشان میدهد که این تنقیص بـه خاطر عدم کشت پخته‌وعواملی دیگر است.. .

به همین تر تیب در صادر ات نباتات طبی، مقا یسه سه ماه اول سال ۱۳۶۰ با سال ۱۳۵۹ تز یید مقداری سیـزده فیصد و ارزشی شانزده فیصد را نشان میدهد.

برای ثابت‌نگهداری‌قیم درمارکیت های داخلی توجه فراوانی به عمل آمده که اجنا س و مواد او لیه مورد نیاز همگا نی بیش از گذشته و به اندازه یی تورید گردد که عـرضه فراوان روی تقا ضا اثر نیك گذاردو ازصعود قیمت ها جلوگیری گرددبه عنوان مثال مجموع واردات شکر در ربع اول سال ۵۹ شش اعشاریـه هفت میلیون دالرو در همین مدت سال شصت یازده اعشاریه چـار میلیون دالر است که افزایش هفتاد فیصد را نشان می دهد.

گوشه‌یی ازمیز گرد ژوندون کـه‌پیرامون مسایل تجارتی کشور دایرگردیده بود.

این افزایش درمورد چای سبزو سیاه در همین مدت شامل هشتادو چار فیصد افزایش ، از روغن نباتی دو صدو شصت و شش فیـصد افزایش از صابون باب یکصدوهفتاد وسه فیصد از مواد نفتی هجـده اعشاریه هفتاد و پنج فیصد و از مواد کیمیاوی یکصد و چهل‌ونـه فیصد را نشان میدهد ،نگـر شی دیگر در صادرات سال ۱۳۵۹ بـه مقایسه سال پنجاه و هشت باز هم موید انکشاف تجار ت است چنا نکه مجموع صادرات سال ۵۸ چار صدو

بقیه در صفحه ۳۸

مترجم : سراج الدین صنعتیار

زردوزی بخارایی

چند نمونه یی ازکلاه‌زردوزی

در یکی از افسا نه های قدیم شرقی آمد ه است که پاد شا هی از طر ف دشمن دستگیر و اسیر شد . پادشا ه با اجاز ت دشمن سوزنی * را با دست خود دو خته به کشورش به شاه خانم ارسا ل نمود . چند ی بعد عساکر به‌شهر رسیدند و پادشا ه را از کشتن نجا ت دادند . معلو م گردید که‌شاه خانم ازلای گلهای سوزنی نوشته را خواند ه بود که شو هر ش اسیر است .

آنچه را قصه کردیم همه تخیلی نیست . قبلا نقاشا ن و دوزندگا ن اجاز ه ندا شتند که در آثار شا ن زنده جا ن هارا رسم نمایندوبدوزند همینکه در کشور های شر قی صنعت میده کار ی رونق گر فت واشا عه یا فت ، اسرار نقش هاو سمبو ل ها دربخیه های دو خت مر مو ز با قی ماند .

صنعت و هنر تز ئینا تی‌خصوصا زیبا یی خیر ه کنند ه لباس ها ی ملی آسیا ی میا نه و بیشتر ازهمه پیرا هن های گلا باتو ن دوز ی و ابریشم دوز ی ، کمز و ل* های مخملی ، چشم بیننده‌را خیره می نماید . تز ئین اطا قها توسط حریر و تکه های مخملی سوز نی‌تا حا ل در حیا ت عنعنو ی مرد م حفظ شد ه . در زما ن های قدیم روجا یی ها ، سفر ه ها. دستما ل ها و امثا ل آنرا با دست میدو ختند که یك سا ل و قت را در بر می گرفت. ضمنا قسمتی از سوزنی‌را نا دو خته میگذ اشتند ، بدین معنی که خو شی و خو شبختی‌همان فا میل تما م نه شود . گو یا این هم‌جزء رسم و روا ج مرد م به‌شمار می رفت ، اما اکنو ن چنین نیست .

اگر در خانهٔ کدا م او زبك سوزنی و جود نداشته باشد ، در آن صور ت کلاه پر نقش و نگا ر زر دوز ی مردا نه ویا ز نانه حتمی در آن منز ل دیده می شود . د ر قدیم این کلا ه ها را زر دوز ها می دو ختند ، و بهتر از همه کلا ه‌های نوع دو خت بخارا به شمار می‌رفت برا ی یاد گر فتن این نو ع دوخت حتی مرد م از دیگر کشور ها می آمدند .

میگو یند ، در بخارا ی قدیم اگر راجع به شخصی گپ ز ده می شد ، که او از کو چه « میردوستم» است ، در آ ن صور ت همه می دانستند که او چه کار ه است واز کدا م طریق نانش را پیدا میکند. در کو چه متذکر ه زردوز ها ی‌نسل به‌نسل ، یعنی استا دا ن ما هرمی زیستند . تا چندین قر ن زر دوزی پیشه مردانه به شمار میر فت .

در سا ل ها ی قدیم اگر قافلهٔ از شهر ی میگذ شت ، اها لی شهر عابرین را از کلاه ها ی شا ن می

بقیه در صفحه ۵۱

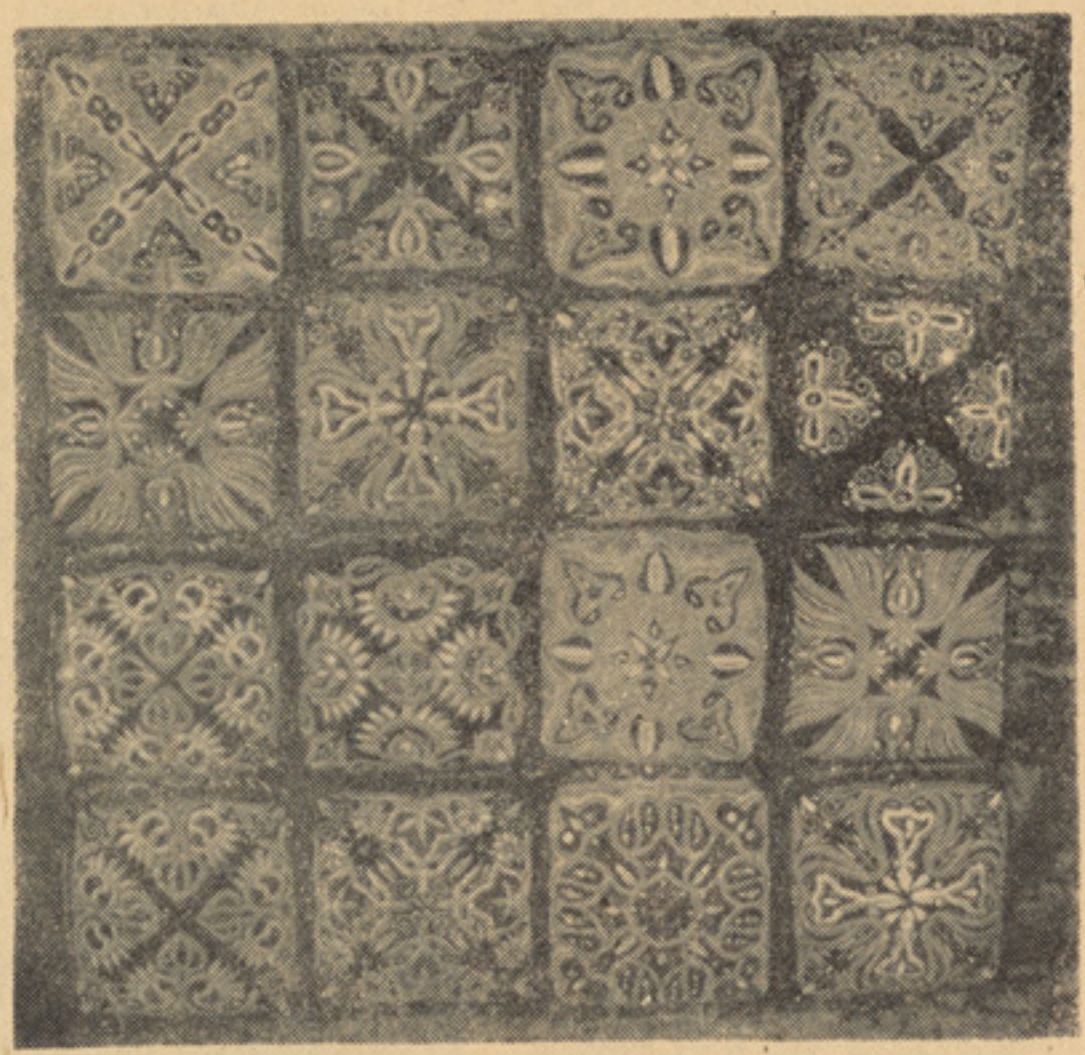

کسانیکه به این دوخت‌ها وارداندبایك نگاه میدانند که بکدام روش دوخته شده وسبك آن بکجا مربوطاست به تاشکند ، به‌فرغانه،به‌بخارا ویابه خیوه.

*سوزنی ـتکه های حر یر و یامخمل که زر دوز ی و یا ابر یشم دوز ی می شد ،و از آ ن برای‌تزیین مناز ل استفاده میکودند .

**کمزو ل ـچینیست که ز نانهٔآن بدو ن آ ستین بود ه و رو ی سینه آ ن گلدوز ی میبا شد ،خانم ها آنرا بالا ی دیگر لبا س های شا ن میپو شند. ونو ع مردانه‌آن آ ستین دار و بی آستین، بدون گلدو ز ی میباشد .

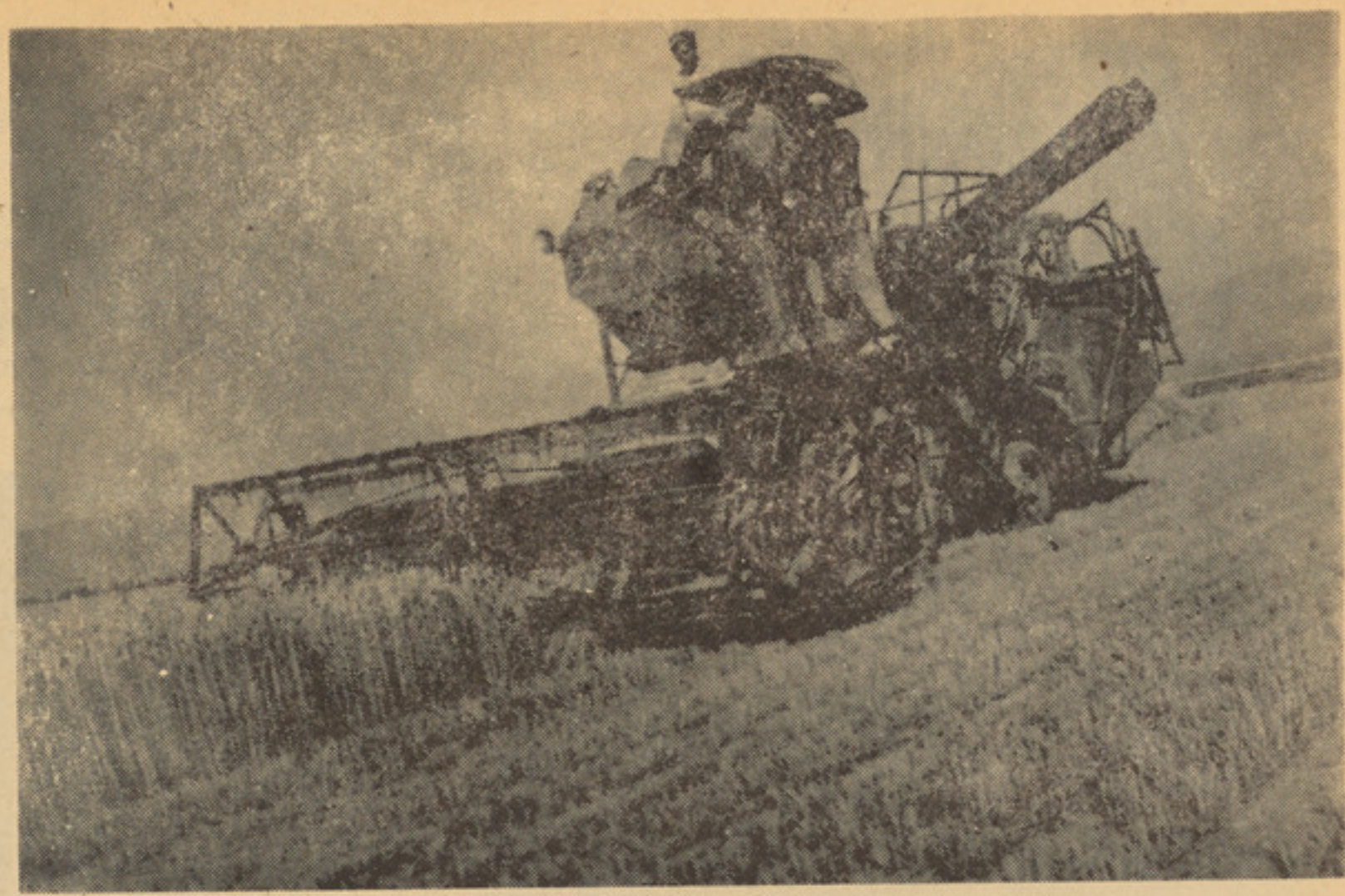

یك ماشین کمپا ین درحال دروگندم

گزار ش از :جرمی

دولت زمینه کار وفعالیت های زراعتی را در کشور مساعد می سازد

از آن جاییکه سکتور زراعت اساس انکشاف اقتصادی و پایه های بزرگ تجارت خارجی کشور ما را تشکیل می دهد ، حزب و دولت انقلابی ما برای بهتر ساختن کارو فعالیت های زراعتی و شیوه های تولید پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و به خصوص مرحله نوین و تکاملی آن توجه جدی مبذول می دارد ودر زمینه تصاویب وفیصله های انقلابی ای را به عمل می آورد. چنانچه اخیرامصوبه شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان در مورد تطبیق موثر پلان کشت تیر ـ ماهی در کشور صادر گردیده است که یقینا در امر بهبود کار و فعالیت های کشاورزی درکشور اثرات مهمی بجامی گذارد .درارتباط به‌این مصوبه و کمپاین کشت تیر ماهی در کشور راپور تر مجله با محترم داکتر ببرك (ارغند) رئیس‌تبلیغ‌و آموزش زراعتی وزارت زراعت و اصلاحات ارضی مصاحبه ای به عمل آورده است که اینك تقدیم شما خوانندگان می گردد :

رئیس تبلیغ و آموزش زراعتی وزارت زراعت و اصلاحات ارضی بپاسخ این سوال که هدف از تطبیق کمپاین کشت تیر ماهی در کشور چیست ؟ چنین بیان می دارد :

ـ طوریکه دهقانان گرامی اطلاع دارند چندی قبل مصوبه شورای وزیران جمهوری دموکراتیك افغانستان مبنی بر تطبیق موثر پلان کشت تیرماهی در کشور صادر گردید ، هدف از تطبیق این مصوبه عبارت از مساعد ساختن زمینه کار وفعالیت های زراعتی در دهات‌و قصبات کشور تشویق و رهنمایی زارعین در انجام فعالیت های کشت تیر ماهی ،استفاده موثر دهقانان فارم های دولتی و کوپراتیف های زراعتی از ماشین آلات عصری‌زراعتی ، آشنایی دهقانان به طرق بهتر آماده ساختن زمین برای بذر ، دریافت وقت مناسب برای کشت ـآبیاری ، استعمال مقدار مناسب کودکیمیاوی و تخم اصلاح شده تطبیق درست وموثر ادویه جات ضد آفات و امراض نباتی در مزارع ،تغییر ذهنیت دهقانان از زراعت عنعنوی و قدیمی به زراعت مدرن و میکانیزه به خاطر تامین رفاه و آسایش زندگی اجتماعی و اقتصادی دهقانان و در نتیجه با لابردن سطح تولیدات زراعتی در فی واحد جریب زمین می باشد .

ـ کدام موسسات موظف اند تا در کمپاین کشت تیر ماهی امسال با زارعین کشور کمك و همکاری نمایند ؟

ـ موسساتیکه عمدتا در تطبیق کپاین کشت تیر ماهی جهت کمك بیشتر به زارعین ذیدخل هستند عبارت اند از :

۱ـ ریاست عمومی ترویج و تولیدات زراعتی که مسوولیت تامین ارتباط بین پلان ها و پروگرام های شعبات ذیدخل را در کمپاین کشت تیرماهی (۶۰ ـ ۶۱) تفکیك پلان مطروحه‌مرکزی‌به‌سویه ولایات‌درمرکز وبه سویه‌یونت هاو محلات از طریق مدیریت های ترویج ولایات و آمریت های یونت های ترویجی و تشویق زارعین را درمورد تطبیق پلان‌کشت تیر ماهی و استفاده از تسهیلاتی‌که از طرف دولت فراهم میگردد به عهده دارد .

۲ـ ریاست فارم‌های دولتی وظیفه دارد تا اراضی بیشتر را تحت بذر قرار داده و به منظور تطبیق پلان کشت تیر ماهی تعهداتی را در مقابل قرار داد هایی که با شرکت تخم‌های اصلاح شده و شرکت کود کیمیاوی انجام داده است تکمیل نماید . ودر صورت امکان تدابیر موثر استفاده از ماشین آلات زراعتی در جریان کمپاین کشت تیر ماهی در خدمت کوپراتیف ها و دهاقین انفرادی قرار دهد .

۳ـ ریاست انکشاف کوپراتیف های زراعتی وظیفه دارد تا به منظور تقویه کار دسته جمعی و رضا کارانه به نفع اکثریت دهقانان آن ها را متشکل ساخته مواد و تجهیزات و

مرجع اخذ کود کیمیاوی وگندم‌اصلاح شده .

مزرعه حاصل ایستاده گندم

سایر ماشین آلات مورد ضـــرورت کوپرا تیف ها و اعضای آن را بـه صورت نقده و قرضه از طریق بانك انکشاف زراعتی،شرکت کودکیمیاوی شرکت تخم های اصلاح شده ،ریاسـت میکانیزه‌و بانك انکشاف‌صنایع وسایر شعبات ذیدخل تهیه و تکمیل نماید .

٤ـ شرکت کود کیمیاوی افغـان وظیفه داردتا مقادرکافی‌کود کیمیاوی ادویه و تخم های اصلاح شده مـورد ضرورت کمپا ین کشت تیر ماهی را طبق پرواگرم مطرو حه ودر او قات معین به سویه ولسوالی ها و عـلاقه داری ها مطابق سهمیه تعیین شده برای زارعین انفرادی ، کوپرا تیـف ها و فارم های دولتی انتقال و توزیع نماید .

٥ـ شرکت تخم های اصلاح شده وظیفه دارد تا تخم های اصلاح شـده مناسب را با در نظر گـــر فتـــن نواقص محیطی آن‌طبق سهمیه بندی پلان شده در وقت معینه و منا سب به‌اختیار شرکت کود کیمیاوی‌افغان قرار دهد .

٦ـ ریاست بانك انکشاف زراعتی وظیفه دارد تا خدمات کرید تی‌زراعتی را به زارعین و اعضای کوپرا تیـف های زراعتی جهت خر یداری تـخم های اصلاح شده ـ کو د کیمیاوی‌و ماشین آلات زراعتی تهیه نماید .

ـ ٧ریاست تنظیم و مراقبت آب وزارت محترم آب و برق وظیفه دارد تا در صورت امکان موضو عات‌مربوط به پاك کاری جوی ها ، ترمیم‌دهانه جات ، حل مناز عات حـق آبه‌وغیره را در جریان کشت تیر ماهی حل و فصل نماید .

٨ـ ریاسبت میکانیزه‌زراعتی وظیفه دارد تا جهت همکاری و رفع مشکلات دهقا نان انفرادی و کوپرا تیف های زراعتی در کمپاین تیرماهی ســال (٦٠ ـ ٦١) استیشن های خود را درمناطق مهم زراعتی کشورمنکشف و فعال نگهدا شته و تعداد کافـــی ماشین آلات زراعتی را آماده و به کرایه مناسب در اثنای کمپا ین طبق یك پرو گرام منظم در اختیاردهقانان بگذارد .

٩ـ ریاست حفاظه نباتات وزارت زراعت و اصـ لاحات ارضی وظیفـه دارد تا در مورد تداوی تخم هـــای بذری گندم سهم فعال گرفته ومامورین مربوط خویش را برای رفـــع و مجادله علیه بروز حمله هر گونه آفات و امراض نباتی در مـــزارع دهقانان در جریان کمپاین کشـــت تیرماهی بگمارد .

ـ در کمپاین کشت خزانی امسال چه اندازه زمین تحت بذر غله جات قرار خواهد گرفت و به کدام پیمانه گندم اصلاح شده کود کیمیـاوی و ادویه ضد آفات و امراض نباتی در نظر است به زارعین توزیع گردد .؟

ـ ساحات عمومی تحت بـذر در افغا نستان در سال ١٣٦١) بـــه (٣٨٢٧) هزار هکتار پیش بینی شده که از آن جمله برای کمپا ین گندم سال (٦٠ ـ ٦١) ساحه مجمو عی‌دو هزار و سه صد و چارده هزار هکتار تخصیص داده شده است که منجمله یك هزار و دو صد و شصت هزار هکتار آن آبی و یك هزار و پنجاه و چار هزار هکتار آن للمی می باشد.

به صورت مشخص در کمپا یـن خزانی گندم سال (٦٠ـ٦١) سا حه موازی یك هزار و پنج صد وشصت و هفت هزار هکتار برای گندم آبی‌و للمی اختصا ص داده شده‌که منجمله این عدد ساحه هشت صد و هشتاد و دو هزار هکتار برای کشت گندم آبی خزانی و شش صد و هشتاد و پنج هزار هکتار آن برای کشت گندم خزانی للمی پیش بینی شده است .

همچنان ساحه کشت جودر کمپا ین سال (٦٠ـ٦١) سه صـد و شش هزار هکتار پیش بینی گردیده که‌از آن جمله نود و دو هزار هکتار آن در بذر خزان سال ١٣٦٠ در نـظر گرفته شده و ساحه مجموعی جو وگندم خزانی این کمپا ین به یك هزار و شش صد و پنجاه و نه هزار هکتار می رسد . برای کشت کمپا یـــن خزانی گندم وجو مجمو عا مقـــدار شصت و یك هزار تن کود کیمیاوی کـه منجمله چهل اعشاریه‌شصت‌و‌هفت هزار تن آن یوریا ، بیســـت اعشاریه سی و سه هزار تن آن‌کود های فاسفیت دار و مقادیر دو صدو یازده اعشاریه پنج هزار تن تخـــم بذری که از آن جمله مقدار یکصد و پنجاه و چار اعشاریه سی و پنج‌هزار تن برای کشت گندم آبی و مقـــدار چهل وهفت اعشاریه نود وپنج هزار تن برای کشت گندم للمی و نـــه اعشاریه دو هزار تن برای کشت جو پیش بینی گردیده است از جملـــه هفتاد اعشاریه پنج هزار تن تخـــم بذری گندم اصلاح شده مـــو رد ضرورت که مقدار نه هزار تن آن از طریق پرو گرام دولت و بقیه شصت وچهار اعشاریه پنج هزار تن آن‌بین زارعین تبادله میگردد .

همچنان فرو شات معادل مبلـغ بیست ملیون افغا نی برای ادویه‌جات لازمه نباتی کمپا ین کشت خزا نی مدنظر گرفته شده است .

ماشین تخم پاشی درحال‌فعالیت

نوائی وحافظ

مؤلف : اکادمیسین عبدالغنی‌میرزایف
گزارش وتهیه: ع.غ بیاتی

-۲-

در صورتیکه وضعیت غزلسرایی چنان بوده است که در مبحث گذشته مطالعه شد پس علیشیرنوایی همچون یکی ا ز شاعران بزرگ وقت‌که ایجادیات خودرانظربه اکثرهمعصرانش بیشتر به تعریف مساله های مهم زندگی‌وادبیات اختصاص داده بود .

در ساحهٔ غزلسرایی دری وتاجیکی به غزلهای کدام استاد سخن میبایست دقت‌و پیروی نماید ؟ - البته به غزلهای خواجه- حافظ .

روی دادن این حادثه، سری دیگر هم داشت . علیشیر نوایی در برابر به زبان مادری خود ایجاد نمودن نمونه های بهترین شکلهای موجودهٔ نظم ، چه نوعی که معلوم است . نقش سر فرمانده ادبیات اوزبیکو دیگر خلقهای ترکی زبان را به دست خود گرفته بود ، او با سرودن اشعار جوابیه - نظیره ، البته میخواست موقع ادبی خودرادر زمینهٔ غز لسرایی دری‌و تاجیکی نیز تعیین نماید .

ازاین نقطهٔ نظروی موافق خواست نظیره سرایی میبایست . غزلهای بهترین ومشهور بزرگترین غزلسرا را گرفته ، در وزن،قافیه‌و موضوع همان ها جواب نویسد . این گونه غزلسرای بزرگ ،چه‌طرزی که‌در بالا مشاهده نمودیم ، حتما خواجهٔ شیراز بود .

علیشیر نوایی در غزلهای جوابیه خود ، در چه موقعها معانی غزلهای حافظ را تکمیل میدهد ، در تصویر کدام مساله ها جوابهای نوایی با غزلهای حافظ همسنگ افتاده اند، درشرح وبیان نمودن کدام ساحه های اجتماعی اخلاقی وادبی او از حافظ پیش گذشته ویا عقب مانده است. همان طرزی‌که در مقدمهٔمقاله اشار ه‌نمودیم موضوعیست که باید در آیندهٔ نزدیك مورد تدقیقات وسیعی قرار گیرد .

ازین جهت حالا مابنابر نبودن وقت فقط دو غزل جوابیه نوایی رابادو غزل مورد جواب قرار گرفتهٔ حافظ از نظر میگذرانیم . زیرا همین دو مثال نیز میتواند از مقام تاریخی وادبی که علیشیر نوایی در تاریخ نظم دری‌و تاجیکی اشغال نموده ، تصورات روشنی‌بدهد

مثال یکم از حافظ :

«واعظان کاین جلوه‌در محراب و منبرمیکنند
چون به خلوت میروند ، آنکار دیگر میکنند
مشکلی دارم ، زدانشمند مجلس باز پرس
توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر میکنند ؟!
گوییا باور نمیدارند ر و ز داوری
کاین همه قلب و دغل درکار داور میکنند
یارب این نو دولتان را باخر خودشان‌نشان
کاین همه ناز از غلام ترك و استر میکنند
ای گدای خانقه برجه که در دیر مغان
میدهند آبی و دلها را توانگر میکنند
حسن بی‌پایان او چندان‌که عاشق میکشد
زمرهٔ دیگربه عشق‌ازغیب سر بر میکنند
بردر میخانهٔ عشق ، ای ملك تسبیح‌گوی
کاندر آنجا طینت آدم مخمر میکنند
صحبتم‌ازعرش می‌آمدخروشی ، عقل‌گفت:
قدسیان گویی که شعر حافظ ازبرمیکنند.»

نوایی :

«واعظان تا چند منع جام وساغر می‌کنند،
چون دفاع خویشرا هم‌گه گهی ترمی کنند .
از قدح آنان که گاهی نشه می‌یابند فیض،
زین شرف چون منع محرومان دیگر میکنند
چون صفا از توبه اهل زهد را زاهدنشد.
چون بدین تکلیف رندان را مکدر می کنند ؟
می فروشان باده را روز یکه میسازندصاف،
مجمر رو حانیان زان بو معطر می‌کنند .
از پی نظارهٔ بلبل خوشست اوراق گل،
باد وباران آن صحایف از چه ابترمی کنند .
جرعهٔ پیر مغانم ده بدست . ای مغبچه !
رغم آنا نیکه وصف حورو کوثر می‌کنند
ساده دل واعظ ، که گویدهرچه آیدبرزباش
ساده‌تر آنانکه این افسانه باور می‌کنند
آن چه چشمانندکه ازمژگان دوصف‌آراسته
عالمی در طرفة العینی مسخر می کنند
خازنان روضه از اشعار فانی لعل و در
برد بر رخساروگوش‌حور زیور می‌کنند»(۱)

معانی تازه درین غزل جوابیهٔ علیشیرنوایی کم نیست . شاعر در برابر به خوبی رعایت نمودن تمام خواسته های نظیره سرایی‌کوشش نموده است ، که معانی از تازه داخل نمودهٔ او نسبت به معانی غزل حافظ به طریق یك نوع‌شرح وعلاوه قرارگیرد . برای مثال اگر بیت اول غزل حافظ را بابیت اول غزل جوابیه مقایسه کنیم ، این حالت را بخوبی مشاهده کرده میتوانیم . حافظ دربیت اول واعظان را انتقاد نموده ، در محراب و منبر ایستاده چه گفتن ودر خلوت بر عکس آن به چه کار ها مشغول شدن آنها را ، موافق خواست وقت باید باشد ، روشن نمی گوید از مطالعهٔ بیت شاعر ما بخوبی میفهمیم که انتقاد حافظ درین بیت ضدیت گفتار واعظان باکردار آنها میباشد . علیشیر نوایی اشارهٔ «جلوه در محراب و منبر» کردن واعظان را قسما شرح میدهد ، یعنی واعظان از جمله گر چه مردم را از می‌و ساغر منع میکنند ، اما خودشان به آن عمل نمینمایند .

مثال دوم حافظ :

«بیاتاگل بر افشانیم ومی‌در ساغر اندازیم
فلك را سقف بشکافیم وطرح نودر اندازیم
اگرغم لشکر انگیزد،که خون عاشقان ریزد
من وساقی‌بهم سازیم‌وبنیادش بر اندازیم
شراب ارغوانی را گلاب اندرقدح‌ریزیم
نسیم عطر گردان را شکر در مجمر اندازیم
چودردست است رودی خوش ،بزن‌مطرب‌سرودی خوش
که‌دست‌افشان‌غزل‌خوانیم وپاکوبان‌سراندازیم
صبا ،خاکی وجودما بدان عالیجناب انداز
بودکان شاه خوبان رانظر بر منظراندازیم
یکی‌از عقل می‌لافد، یکی تامات می‌بافد
بیا کاین داوری هارا به پیش داوراندازیم
بهشت عدن اگر خواهی ، بیا باما به‌میخانه
که از پای خمت روزی‌به‌حوض کوثراندازیم
سخندانی و خوشخوانی نمیورزند در شیراز

بقیه در صفحه ٤٤

(۱) دیوان فانی ، ص ۹۷ .

نگارش از احمد عارف (غفار یار)

زندگینامه و آثار رومن پولانسکی

رومن پولانسکی سینماگر با استعداد و درخشندهٔ جهان سینما .

رومن پولانسکی درسال۱۹۳۳ ازپدر و مادر لهستانی در پاریس ، چشم بجهان‌گشود و خانواده اش به سال ۱۹۳۶ به لهستان باز گشتند .

وقتی لهستان از طرف سر بازان هتلری اشتغال شد. در گرما گرم جنگ جهانی دوم پدرو مادر پولانسکی را به باز داشتگا هیای نازیها فرستادندکه درین‌زمان پولانسکی هشت سال داشت . بعدازاین حادثه او تنها ماند امابا عزم وارادهٔ دستحکم‌وبا یاری چندخانواده لهستانی توانست سالهای دشوار زندگی را بگذراند و بر تمام مشکلات غالب اید .

مادری پولانسکی نتوانست با ظلم و فشار شکنجه هتلری مقاومت کند ودر باز داشتگاه در گذشت .اما پدرش توانست جان بسلامت برد .

پولانسکی باز یگری تیاتر رادر چهارده سالگی آغاز کرد و در نمایشنامه های بسیاری شرکت جست . سپس درمدرسه‌فلم‌نام نویسی کردوهمزمان باآن به بازی درفلمها پرداخت . در همین دوره وپس ازآنکه در ساختن چندفلم باکار گردانان دیگر دستیار شد . خودش نیز کار گردانی‌فلمهای کوتاهش را آغازکرد.

رومن پولانسکی یکی از برگزیده ترین و برجسته ترین فلمسازان است‌که ، با استعداد سر شار در دهٔ شصت ،در سینمای جهان ظهور کرد . وتا این زمان در اروپا کسی باوی برابری کرده نمیتواند واز شهرت خوبی برخوردار است .

ویژگی کار پولانسکی دراین است که او میکوشد تا عواطف انسانی را بواسطه تصاویر انتقال دهد نه به واسطهٔ دیا لوگ فلم .

ساخته های پولانسکی ، دورنمای بسیار غریب واستثنایی دارد وهمین دور نمای غریب در قالبهای زیبای شناسی است که ازوی هنر مندی یگانه ساخته است .

پولانسکی ، همچون نویسندگان محبوبش فرانتس کافکا وژان ژنه رفتار انسانها را ، آن گونه که می‌بیند ، ضبط میکند . او همیشه متوجه این است که شخصیتهای فلمهایش‌در برابر رویداد های زندگی خود بطور غریزی چه واکنشهای نشان می‌دهند .

پولانسکی نخستین فلمش یعنی دو چرخه را نتوانست به پایان برساند ولی در فلم بعدی خود استعدادش را بخوبی نشان داد . این فلم (بهم زدن مهمانی رقص) نام داشت که مطالعه ی درروحیه وحالتهای بیمار گونه ای جوانان بود وپولانسکی برای بازی در آن‌چند جوان مجرم واقعی را به کار گرفت .

سال بعد ، پولانسکی با ساختن یك فلم کوتاهی پانزده‌دقیقه ای،توجه سینما دوستان، لهستانی را به خود جلب کرد. این فلم (دومرد یك الماری) نام داشت وتوانست در جشنواره های بروکسل، سان فرانسیسکو واوبرهاوزن، جایزه های کسب کند .

طرح داستان این فلم کوتاه که از طنزی تلخ وگزنده برخوردار است،در باره دو مردی میباشد که‌همراه بایك‌الماری از دریا سر برمی می‌آورند . وبه ساحل‌می‌آیند وبعدا به شهری ساحلی وارد می‌شوند . این دو مرد برای‌پیدا کردن جایی، همه جارا میگردند . ولی جای‌را نمی یابند وبه تمام نمایندگان اقشار مختلف مردم خواست خود رادرمیان می‌گذارند اما باز هم به‌جای نمی‌رسند و حتی از دست چندجوان شهری اذیت هم می‌بینند وآئینه الماری شان می‌شکند . دو مرد سرانجام با اندوه به دریا باز می‌گردند واز چشم ناپدید می‌شوند اشارهٔ پولانسکی در این فلم آشکارا به مقاومت واکراه جامعه است. به سال ۱۹۶۰پولانسکی سفرهژده ماه به فرانسه کرد و در همین سفر فلم چاق ولاغر را ساخت این فلم شانزده دقیقه‌ای که اکنون یکی ازفلمهای کوتاه کلاسیك سینمابه حساب می‌آید ، در واقع فشرده اندیشه های پولانسکی را در بارهٔ زندگی و جامعه در بردارد چاق ولاغر به تحلیل طنز آمیز ی‌رابطه قدیمی ارباب ونو کر می‌پردازد در بیرون کلبه‌ای دور افتاده . مردی تنومند وچاق ، آسوده و بیخیال ، روی تخت لمیده است وجوانی لاغر اندام‌که مستخدم‌است (نقش مستخدم‌راپولانسکی خودبازی می‌کند) سر گرم پذیرای‌از اوست نوکر به انجام دادن هر کاری برای اربابش دست می‌زند ، آشپزی می کند ، پاهایش را می‌شوید ، کفشهایش را تمیز میکند وحتی به آهنگ گوشخراش طبل او می رقصد . نو کر گاهی ارزو مندانه به شهر پاریس، که دردوردست افق دیده میشود نگاه میکند و آرزوی آزادی و رهایی را دارد . وسوسهٔ آزادی سرا نجام اورا به اعتراض علیه اربابش برمی انگیزد اما اعتراض اوبه جای نمی‌رسد ارباب به قصد گوشمالی ، نو کر رابه زنجیر می‌بندد و موقعیت نو کر تیره تر میشود وسبب میگردد که او حسرت زمانی را بخورد که دست کم به زنجیر بسته شده بود . درپس این استعاره لال بازی گونهٔ طنز کوبنده و خشونتی بیر حمانه نهفته است و آخرین نمای این فلم درٔ واقع باز تاب راستینی از اخلاق حاکم بر رابطهٔ ارباب ـ نوکر وراز بقای ضعیفان در برابر قویدستان است .

پولانسکی در بازگشت‌به لهستان فلم کوتاه دیگری بنام پستانداران ساخت که در همان سال برندهٔ جایزه‌بزرگ‌جشنوارهٔ (تور) فرانسه شد .

پولانسکی با تنها فلم بلندش چاقو درآب به سال (۱۹۶۲) به گفتهٔ خودش یکشنبه از خواب گمنامی به بیداری شهرت رسید.

برخورد میان آدمها و فضای آگنده از تحقیر چاقو در آب ، به آنها ی که فلمهای کوتاه پولانسکی را دیده بودند فضای بیگانه نبود .

در فلم رودی از الماس پولانسکی ، دختری را می‌بینیم که دو مرد را علیه هم می‌شوراند تاخود بتواند با آسودگی گرد نبند الماسی را برباید .

پولانسکی به‌سال۱۹۶۷به‌دعوت یك شرکت فلمبرداری به امریکا رفت . و رقص خون آشامان را ساخت . این فلم بنام (ببوس ، ولی گازم نگیر) نمایش داده شد .و کمدی طنز آمیز است‌پولانسکی درین فلم ،نقش‌اول‌را داشت او بازیگر نقش دستیاری پروفیسوری باهوش است که همهٔ عمرش رابه پژوهشهای علمی در بارهٔ خون آشامان گذارنده است. پروفیسور نه تنها نسل خون آشامان را ریشه کن نمی‌کند ، بلکه سبب میشود تادستیارش نیز به صورت خون آشام درآید . بدین ترتیب او خود سبب گسترش عارضهٔ خون آشامی میشود .

داستان بچهٔ رزمری . مسلهٔ باور نکردنی شیطانپر ستی رادر نیویورك سال ۱۹۶۸ مطرح می‌کند .

میا فارو زن جوانی‌آبستنی است‌که شیطان‌پرستان از هر سو محاصره اش می‌کنند زیرا به گمان آنها او قرار است که پسری‌برای شیطان به دنیا بیاورد. آنها نوزاد را می‌ربایند وحتی اجازه نمی دهند مادرش اورا ببیند . قهرمان فلم میافارو ، نمادی از معصومیت در دنیای فاسد و تباه شده است .

مرگ فجیع همسر رومن پولانسکی یعنی شارون تیت به دست اعضای یك فرقه ،سبب شدکه او از چند سالی از کار فلمسازی غافل بماند . تاآنکه نمایشنامه مکبث شکسپیر رابرای ساختن یك فلم بر گزید .

شگفت انگیز نیست که پولانسکی درسالهای اندو هبار زندگیش‌که‌خاطره‌قتل‌درد ناك‌همسر جوان و حامله اش بر ذهنش سنگینی می‌کرد برمتنی انگشت می‌گذارد که اساسادربارهٔ پلیدی روح آدمها و شیطان صفتی آنهاست و اندیشه ای بدبینانه دارد .

پولانسکی درین فلم نه فقط فضای خفقانرا می آفریند بلکه‌می‌کوشد تانمایشنامه شکسپیررا از استعاره ها و نماد های پیچیدهٔ پیرامونش جدا کند و بعد های ملموس و امروزی به آنها ببخشد .

اطفال به حقوق اساسی شان نایل می شوند

چون اطفال فیصدی قابل ملاحظه نفوس‌را تشکیل داده و سرمایه و ثروت بشری کشور میباشد و مطابق احکام قوانین و فرامین نافذ ازمراقبت وپرورش سالم آنهامسوولیت داریم پروگرام انکشاف ورشد اقتصادی و اجتماعی اطفال رویهمرفته بصورت همه جانبه در پلان هاو پروگرام های انکشاف منابع انسانی گنجانیده شده‌است در پروگرام های انکشاف اطفال در پلان های انکشافی رشد سالم فزیکی ودماغی و انکشاف حیات اقتصادی واجتماعی اطفال در نظر بوده تااین گروه بیش ازین‌رنج فقر وبیچاره گی‌وبی‌دانشی را نکشیده اشخاص واتباع تنومندو صحتمند ، هوشیار و مجهز بامهارت ودانش لازم بارآیند. علاوتاً از طریق طرح وتطبیق پلان های انکشافی واتخاذ سایر تجاویز و تدابیر ، دولت در نظر دارد تا عدم مساوات و استثمار در فامیل های اطفال کشور کاملا از بین رفته عدالت اجتماعی تامین گردد.

در حال حاضر که پالیسی واحد و منسجم اطفال در کشور موجود نیست به ملاحظه احکام اصول اساسی ، قوانین و مقررات و فرامین مختلفه دولت و رهنمود های پلان‌های انکشافی فعالیت‌های‌مربوط به انکشاف‌اجتماعی اطفال که عمدتا شامل تامین خدمات تعلیم وتربیه، صحت ، تهیه منزل ، حفظ الصحه محیطی ، تهیه آب اشامیدنی ودیگر ضروریات واحتیاجات اولیه‌اطفال‌میباشد انسجام بخشیده شده واز طرح وتطبیق پلان هاو پروگرام های مربوطه آن مراقبت ، نظارت وکنترول بعمل می آید .

در ساحه صحت‌عامه‌درپلان ها توجه‌خاصی درزمینه تامین صحت اطفال و مادران معطوف شده وبه ضرورت اتخاذ تدابیر و قایوی و معالجوی لازم برای تامین صحت اطفال و مادران چه‌قبل‌ازولادت وچه بعدازولادت ازطریق مراکز حمایه طفل و مادر، پولی کلنیك هاو مرارز اساسی تاکید شده است .

علاوتا در پروگرام های صحی توجه جدی در زمینه ایفای خدمات تغذی و آموزش مادران حامله واطفال ایشان معطوف گردیده است. همچنان تامین خدمات‌و تسهیلات صحی‌ابتدائی برای خانم هاو اطفال، حمایه و حفاظت‌مادران واطفال در مقابل امراض ساری از طریق واکسیناسیون و کنترول اسهال از جمله اولویت های پلان صحی تلقی میگردد .

مادران کشور مابه طور روز افزونی مانند سایر ممالك شیر خشك‌و مواد خوراکه تجارتی، را با شیر مادر تعویض نموده و اطفال شانرا تغذیه میکنند . استعمال وترو یج این نوع غذا های طفل که توسط کمپنی های تولیدی وتجاریکه صرف منفعت خودرا میخواهند اگر قبلا چك وکنترول لازم نشده باشد. صحت طفل را متلاشی ساخته باعث افزایش مرگ ومیرو وفیات زیاد اطفال میگردد .

دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان‌که توجه خاصی به صحت وسلامت اطفال دارد وبادر نظر داشت شرایط عینی اقتصادی واجتماعی کشور پشتیبانی جدی خودرا از اعلامیه بین المللی‌که به مناسبت به‌بازارگذاری واستعمال روز افزون غذا های تعویض شیر مادر و ضرر های مربوط به آن نشر رسیده ابراز داشته خواهان تطبیق مندرجات این اعلامیه میباشد . علاوتا حکومت توقع دارد درین زمینه مبارزه بیشتر ولازم شود تااین خطر وپرابلم صحت و سلامت اطفال تقلیل یافته ازبین برود . همچنان توقع میرود این سیمینار درین مورد سفارشات و پیشنهادات مشخص و مستند بنماید تا موقف و اقدامات دولت در قبال این موضوع نزد مادران و مردم روشنتر شده و متکی بر چنین سفارشات و پیشنهادات قانون ویا مقررات لازم در زمینه طرح ونافذ شده بتواند .

علاوه برآنچه پیرامون‌پروگرام های‌انکشافی دربخش صحت عامه تذکار یافته موضوع مهم وحیاتی دیگر صحی تهیه آب اشامیدنی صحی برای کلیه نفوس و منجمله اطفال کشور است که در محدوده امکانات در پلان ها بان توجه که در محدوده امکانات در پلان ها بان توجه خاصی مبذول شده است .

ازینکه آب غیر صحی یکی از علل عمده انتقال وسرایت امراض بوده وباعث مرگ ومیر اطفال میگردد حکومت به صورت خیلی جدی میخواهد تااین احتیاج اولیه مرتفع گردد وگذشته از آن حفظ الصحه محیطی طور شایدو باید تامین شود . روی این ملحوظ است که حکومت بصورت فعالانه در پروگرام دهه بین المللی ا بو حفظ الصحه محیطی سهیم گردیدهٔ و اقداماتی چند در جهت تامین اهداف این پروگرام حیاتی در محدوده‌امکانات بعمل آمده است .

در بخش تعلیم وتربیه اطفال درپلان های انکشافی کشور به فراهم نمودن تعلیمات همگانی واجباری دوره ابتدائی برای نفوس سنین ۷تا ۱٤ ساله و محو بیسوادی وتهیه وتوسعه کود کستان هاو فراهم نمودن‌تسهیلات جهت حمایه و نگهبانی اطفال بخصوص‌اطفالیکه مادران شان یا کار میکنند ویا دارای عاید کم ونا چیز میباشندتاکید شده است ،همچنان در پلان هابه پروگرام هائی توجه شده تااز طریق آن برای اطفال معیوب تسهیلات بهترو بیشتر فراهم شده و معیوبیت های شان در وقت وزمان آن تشخیص وتداوی گردد تادر حدود ممکنه در فعالیت های نور مال تعلیم و تربیه اشتراك ورزیده بتوانند .

باد رك‌اهمیت آموزش و تعلیم وتربیه‌مادران که این آموزش هم برای خود شان مفید واقع شده بهبودی در زندگی شان رونما خواهد نمود وهم ازین طریق اطفال بهتری را برای جامعه پرورش و آموزش خواهند داد، در پلان های بخش تعلیم و تربیه کشور آ موزش و تربیت خانم ها در پروگرام ها و پروژه های انکشاف دهات واز طریق تدویر وترویج کورسهای سواد آموزی تشویق وتر غیب گردیده است .

قسمت اعظم‌تجاویزمتذکره انکشاف اجتماعی اطفال که در پلان ها وپروگرام های انکشافی کشور منعکس شده ناشی از سفارشات و پیشنهادات سال بین المللی طفل میباشد که افغانستان طور فعالانه در برنامه آن اشتراك ورزیده بود . این سال اساس ارزشمندی‌را برای دفاع وپشتیبانی از حقوق طفل و تطبیق آن برای بهبود زندگی اطفال فراهم نموده است . کمیته ملی سال بین المللی طفل‌درین زمینه سفارشات و پیشنهادات عملی و تطبیقی نموده که حکومت نیز طورمجدانه و فعالانه فعالیت های تعقیبی این سال را تشویق نموده به منصهٔ اجراء گزارده‌است .یکی ازین‌اقدامات تعقیبی سال بین المللی طفل ایجاد وتشکیل واحد احصائیوی دررشته احصائیه های‌اجتماعی

در اداره مرکزی احصائیه کمیته دولتی پلان گذاری است از طریق این واحد که عجالتاً به همکاری مالی وتخنیکی یونیسف فعالیت می‌نماید کوشش بعمل‌می‌اید تا ارقام و احصائیه های مورد نیاز پیرامون حیات اقتصادی و اجتماعی و نیاز مندیهای اطفال جمع آوری تجزیه وتحلیل ونشر شود تا بااستفاده از ارقام مذکور پالیسی وپروگرام های لازم جهت حمایه وبلند بردن سطح زندگی اطفال طور علمی وسیستماتیک طرح و تطبیق شده بتواند ، همچنان سروی وارزیابی قوانین اطفال وتهیه مونو گرافی در زمینه که ازطریق این سیمینار صورت میگیرد و طرح پالیسی اطفال را سهولت خواهد بخشید نشانه بارز دیگری از فعالیت های‌تعقیبی سال بین المللی طفل در کشور مابه شمار میرود •

همچنان وضع قوانین ، ضمایم قوانین و تطبیق قوانین و تنظیم وترتیب قواعدومقررات وفرامین وغیره اطفال وقتی قوی ترو عملی‌تر بوده میتواند که باهم‌ارتباط لازم داشته وازیك پالیسی عمومی طفل منشاء گرفته باشد . چون اجزا و فکتور های مورد نیاز پالیسی فعلی بصورت پراگنده در قوانین ، فرامین و مقررات والوایح وپالیسی‌انکشاف کشورموجود است بایست اینهمه اجراء متذکره دریك مجموعه پالیسی ملی طفل توحید ومنسجم‌شود تابه واسطه آن از حقوق اساسی اطفال رنج کشیده این مرز وبوم حراست بهترو همه جانبه تر بعمل آمده بتواند •

بناء ازین سیمینار انتظار برده میشود تا پیشنهادات مشخص و علمی در زمینه تهیه وترتیب پالیستی اطفال کشور ارائه نماید • پیشنهادات متذکره باید طوری باشد که دولت را قادر سازد تاکلیه جوانب موضوع و قوانین مربوط به انکشاف طفل را در مجموعه مقررات و اقدامات و فعالیت های اجرائیوی خود مدنظر گیرد .

همچنان برای‌تنظیم وتطبیق وارزیابی‌پالیسی ملی طفل ایجاب می‌نمایدتاارگان ملی‌و مسوول تشخیص و تعیین شود واین‌ارگان مکلف‌ساخته شود تامندرجات واحکام پالیسی وقوانین طفل رابه همکاری ارگان های ذیعلاقه در عمل پیاده کرده وبه شکل اجرائیوی در آورد و هم وقتاوقتاًتطبیق وتاثیرات آنرا مورد مطالعه و بررسی وارزیابی لازم قرار دهد ، یکی از سفارشات فعالیت های سال بین المللی طفل درین زمینه عبارت از ایجاد شورای مشورتی ملی برای طفل میباشد•بناء توقع برده‌میشود که این سیمینار توجه خاصی رادر مورد جنبه های تشکیلاتی و موسساتی پالیسی و قانون طفل در کشور مبذول‌نموده‌درزمینه پیشنهادات مشخصی را ارائه نماید •

تمامی فعالیت هاو اقدامات در باره تنظیم پالیسی و تطبیق قوانین وپروگرام هاپیرامون اطفال بی نتیجه وبی تاثیر خواهد ماند اگر کارمندان ومسوولان مربوط از آموزش لازم وتخصص کافی برخوردار نباشند . از اینکه قلت کادر در کشور ما کاملا محسوس است درموردتوسعه‌وانکشاف‌اجتماعی طفل وفعالیتهای مربوط به‌آن به‌آموزش وتعلیم وتربیه و ریسرچ در زمینه نیاز مبرم میباشد . زیرا از این طریق است که مسایل وموضوعات مربوطه به انکشاف طفل بادر نظر داشت تغییرات‌وتحولات جهانی‌عیارشده تنظیم‌میگردد. موضوعات مربوط به آموزش ور سرچ طفل در افغانستان یك ساحه دست نا خورده میباشد حالا تکه اینگونه موضوعات حتی در برخی از ممالك روبه انکشاف تا حدود زیادی انکشاف کرده که مااز تجارب‌آنها از طریق مساعدتهای یونیسف وسایر سازمان های بین المللی مستفید شده میتوانیم ، بنا ازاین سیمینار توقع برده میشود تادر زمینه تبادله معلومات و نتایج تحقیقات پیرامون انکشاف اطفال وتربیه کادر های کشور درین رشته نظریات و مشوره های مشخص ارائه نماید•

تحلیل نهایی تربیه و انکشاف سالم طفل مسوولیت تامیل و جامعه است• مداخله دولت تنها تا حدودی که شامل حمایه حقوق وعلاقه مندی و دلچسپی های طفل باشد مفید واقع میشود • ولی‌در هر پالیسی یاقانون طفل باید ارزومندی واشتیاق وعلاقه مندی مردم‌نیز در نظر گرفته شود • زیرا ازاین‌طریق است که دولت از سهمگیری کافی و مثبت جامعه و مردم مطمئن شده وطرح قوانین و پالیسی وتطبیق آن جنبه عملی پیدا میکند• از اینکه در کشور ما بنابر شرایط عینی آگاهی مردم نسبت به حقوق اطفال محدود تر است بنا ایجاب مینماید تا توجه خاصی در زمینه ایجاد آگاهی و تنویر اذهان عامه از طریق آموزش جامعه و تبلیغ مثبت و سراسری موضوع مبذول شود •

سیمینار دراین زمینه‌نیزمیتواند پیشنهادات ونظریات لازم و مشخص را ارائه نماید •

از جانب کمیته دولتی پلانگذاری منحیث مرجع مسوول طرح‌وتنظیم فعالیت هاپروگرام هاو پلانهای انکشافی در کلیه شئون‌اقتصادی و اجتماعی کشور در زمینه حمایه و پشتیبانی از حقوق ودلچسپی های اطفال ، تهیه خدمات اساسی و مورد نیاز برای رشدو انکشاف همه جانبه اطفال و طرح پالیسی جامع اطفال بادر نظر داشت مشی دولت و حزب مجددا ابراز وفاداری و تعهد میشود • برای تطبیق و تامین چنین اهدافی پیشنهادات و سفارشات سیمینار در زمینه خیلی مفید واقع خواهد شد •

بنا انتظار میرود سیمینار بعداز بررسی‌همه جانبه موضوع طفل و قوانین موجوده مربوط به آن پیشنهادات و مشورت های سودمندی رادر باره تهیه و تنظیم پالیسی‌طفل، ارگان مسوول نظارت برامور طفل وپلان هاوپروگرام های انکشافی پیرامون طفل ارائه نماید •

دایر نمودن نمایشگاه های رسامی ونقاشی،درپرورش استعدادکودکان نقش سازنده دارد .

شهر حماسه

سراینده ، بارق شفیعی
به اهتمام ، س . ن . رستا خیز
از سلسله‌ی انتشا رات موسسه‌طبع وتوریدکتب‌بیهقی در۲۴۲صفحه
چاپ شده در مطبعه تعلیم و تربیه .

کاکتوس

مروری بر کتاب «شهر حماسه»

شهر حماسه مجموعه ای است از شعر های شاعر مبارز بارق شفیعی که اخیرا به دسترس علاقمنـــدان و دوستداران شعر قرار گرفته است. پس از فهرست واره‌ی مجمو عه ، چشم خواننده به بخشی از یك قطعه که با خطی خوش نوشته آمده است می افتد :

شعر من، ای خدای هنر راپیامبر.
بر پیروان اهرمن ذوق دوز خی.
پیغام من ببر
تاثیر شعله پرور فریاد مـــــن ببیـــن
اعجاز ناله های شرر زاد مـــن نـــگر

در همین بخش کوتاه از شعـــری بلند موقعیت و پایگاه اجتماعی شاعر روشن و مشخص میگردد خواننده‌در می یابد که شاعر و یا به گفته‌ی دگر سراینده‌ی مجموعه‌ی شهر حما سه در موضع توده ها ایستاده است .از سنگر گرسنگان دفاع می کند . پاسدار نده‌ی حق و آزادی و عدالت اجتماعی است .

شاعر به این باور است که اگـــر برار گان جامعه‌ای کـــــه او در آن زیست می کند بیداد . تفرعن، یکه تازی و خود را یی حکم مـــی راند ، جوانه هایی‌هم درحال شگفتن وقامت افرا ختن است . جوانه هایی بالنده مقاوم و ناپژمرد نی ، او به این باور است که صدای اورا بالاخره کسی می شنود . اگر امروز نشنود ، فردا می شنود . او فریادی بر می آورد. مانند عقاب او جها ، شاهین چکاد های همیشه سر بلند و ستوار .

مجموعی شهر حماسه که بازتاب دهنده‌ی پیکار جویی های نسلـــــی مبارز است ، به شخصی یا کســـی اهدا نمی شود چنانکه این مرسوم ترین و ناستوده ترین قاعده است‌در زمان ما ، شاعرا نی سطحی اندیش و برای آنکه خاطر همسر ، دوست‌و یا شخص با نفوذی را راضی کرده باشند در سر آغاز کتاب های خود با خطی درشت می نویسند که ،اهدا به فلانی عزیزم .

باری ، به تصریح نظامی عروضی شعر رابرای مردم گویند نه‌برای دل خویش مخاطب شاعر توده هاســـت آنهایی که کار می کنند ، عرق مـــی فشانند و زحمات توان شکـــــن را پذیرا می شوند .

گوینده‌ی مجموعه شهر حما سه به مردم نظر دارد ، آنها که همیشه شکو همندی ، سر بلندی ،افتخـــار و عظمت می افرینند . قوانین طبیعت را به سود خویش دگر گون می‌کنند. در میهن غرور آفرین ما وقتی انقلاب رهـــا یبخش نـــور به بیروزی‌رسید دست آلوده‌ی امپریالیسم خون خوار از استین بیرون آمده تا مگر بتواند کودك انقـــلاب را در گاهواره خفه نماید . امپر یالیسم جهانخوار گماشتگان و دست نشا ندگان خود را در استانه‌ی انقلاب که مردم تازه به آزادی رسیده بودند ، به سر زمین ماگسیل داشت ، تا همه‌ی بنیاد های اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی وفرهنگی ما را ویران نمایند .

انقلاب را به بیراهه و انحـــراف بکشانند ، از هدف های انسا نی‌اش تهی سازند . امپر یالیسم تاجایی‌به مرام سیاه خویش نایل آمد. خـــود فروخته‌ی را به نام حفیظ الله امین‌به جان و مال و ناموس مردم ما دلیـــر ساخت ، امین و یاران اجیرو بـــی فرهنگ او همه‌ی ثروت های انسانی طبیعی و فرهنگی ما را تاراج کردند. دوره‌ی سیاهی در تاریخ افغا نستان آغاز یافت ، دوره‌ی ترس ، وحشـــت دلهره ، خون و جنـــون ، آرامش از کشور ما رخت بربست ، مردم دیگر آسایش را نمی شنا ختند . اماعمریاو گان ودرو غگو یـــان‌همیشه‌کوتاه باشد ، مرحله نوین انقلاب به عمـــر تبا هکاران پایان داد .در زندگی‌توده ها روز هایی دیگر آغاز یافت ، روز هایی گرم ، پر درخشش ویا قوتی رنگ ، مردم آرامش از دست رفته‌را باز یافتند .

باری در بخش اهدای کتاب آمده است :

... شهر حماسه که در سال های سیاه بیداد دعوتی صمیمانه بـــــه رزمندگی و انقلاب بوده است چـــه خوب است که به شهدای بیـــگناه دوران ستمبار گی طاغوت سیا کـــه خون سرخ شان نهال انقـــلاب را جاوید انه آبیاری کرده است اهـــدا گردد .

دراین مجموعه جمعا ۷۵ قطعه‌شعر از جمله اشعارش در ۲۴۲ صفحـــه گرد آوری شده است بـــه استناد اشاره کتاب شعر های میهنـــی و حماسی را در بر میگیرد . تاریـــخ سرایش شعر ها در نظر گرفته شده است که اینکار در یك مجمو عـــه‌ی شعری اهمیتی خارق العاده دارد .در گذشته این شیوه در سر زمین مـــا رواجی چندانی نداشته اســـت . در حالیکه ضرورت آن را نمی توان از نظر دور داشت . تاریـــخ سرایش شعر ها به خواننده این کمك را می نماید که خط تکا ملی اندیشه وشعر شاعر را دنبال نماید . نخستیـــن قطعه‌ای که در مجموعه‌ی شهر حماسه آمده است زنده مردگان نام یافته که در سال ۱۳۳۱ سروده شده است . شاعر در این قطعه اوضاع و احوال مشخص جامعه‌ای را که‌در آن زیست می کند نشان میدهد . در آن سال‌ها نظام سلطنتی بیداد می کند ، مردم یارای نفس کشیدن ندارد . کارد به استخوان های شان رسیده است . تضاد طبقاتی بیداد می کند . فضایی است دود آلوده و مسموم ، خاموشی و فراموشی بر ارگان جامعه بیدادمی کند . سر ها در گویبان اســـت ، زمستان رویش هاو شگفتن ها، شاعـــر از وضعی چنا ن نا هنجار رنج فراوان می برد .

وقتی می نگرد که نظام فرسوده و بیداد گرانه‌ی اجتماعی مو جبات فقر بدبختی وسیاه روزی گروه‌انبوهی از زحمتکشان و اسباب آسایش وراحت مشتی از مفتخوران و بیکارگان جامعه‌را فراهم آورده است،با حربه‌ای قلم به جنگ آن ناهنجاری‌بر میخیزد ،واقعیت های‌درد ناك‌جامعه‌ی خویش را با زبان صریح بیان میکند گوینده «شهر حماسه» برای بـــیان کاستی هـــا و نا ر ا ستی هـــای اجتـــما عـــی از زنـــان صریح شعر استفاده می کند تا جایی که شهرها رنگ شعار می یابند و از جوهنری فاصله می گیرند ، اما هر شعاری را نمی توان نفی کرد . شعاری که بازتاب دهنده‌ی رنج توده ها ، خواست ها، نیاز ها و آرزو مندی های‌شان باشد خود به مرز شعر نزدیك شده است ، ازقدیم ترین روز گار تاکنون آن شعری اقبال پایداری یافته است که به نوعی آرمان توده ها را درخود بازتاب داده است .

شعر مردم گریز و شاعر خلـــوت نشین و گوشه گزین در حاشیه‌زندگی توده ها در حرکت اند که بـــدرد نمی خورند ، مردم را برای همیشه هرگز نمی توان فریب داد . بـــاری شاعر در روز های سیاه سلطنت با وجود وحشت آفرینی‌های پاسد اران تاریکی و بیداد سخن از فرد ایـــی روشن می گوید فردا یی که در راه است ، کاروانی به راه افتاده است. گوینده‌ی مجموعه شهر حماسه تضاد های کشنده طبقاتی را چنین تصویر می کند .

یك عده مست عشرت و اقبال وعزت اند
جمعی اسیرپنجه‌ی اد بار و ذلت انـــــد
یك دسته غرق عیش و نشاط ومسرت اند
خلقـــی‌اسیر غصه و درد و مصیبت اند
در این دوانتها به‌کجا ، شکوه‌سر کنیم
یکســـونغان و اه اسیران رسد به گوش
یکسو صدای قلقل و فریاد نوش، نوش
اینجـــازبی لبا سی خود خلق در خروش
آنجا سگان حضرت عالی خزینـــه‌پوش
زین بی‌عدالتی چقدر دیـــده تر کنـــیم

شاعر نمی تواند تایید گر نظامی باشد که پایه های خونین آن بـــر گرده‌ی زحمتکشان سنگینی می کند. اوکاستی ها، نا هنجاری ها وزشتی های جامعه را بدون پرده بیان میکند به این باور است که وظیفه‌ای ادبیات نشان دادن است . اگر زشتـــی ، ناروایی و بیداد در جامعه وجوددارد باید بدون دخل و تصرف از جانب شاعر ، نویسنده نقاش و در مجموع هنرمند نشان داده شود . اگر چـــه گروهی این نظر را نمی پذیرنـــد و آثاری که واقعیت های زشت‌اجتماعی را بیان می کند نمی پذیرند اما هنر- مند این تعهد را دارد که واقعیت‌را اگر چه تلخ ، زشت و درد ناك‌باشد نشان دهد .

شاعر به این باور است که توده ها اگر متحد شوند ، همبستگی‌یابند به عمر بیداد گران می توانند پایان دهند . باری شاعر خرده گیر محض نیست ، انتقاد خشك نمی کند ،راه درمان درد ها را نیز نشان می‌دهد.

از خفتگان اگر چه بود دورکاروان
بر مردگان اثر نکند ناله و فغان
لیکن برای خاطر این خلق ناتوان
باما بیابه معرکه‌ی جنگ دشمنان
تا آتش مبارزه را گرمتر کنیـــم
پا سداران نظام طاغو تی سلطنت
دم افیو نی و تباه کننده خویش را
در جامعه دمیده اند خواب آلود گی،
بیکاری و نا امیدی و دلزد گی‌حکومت
می کند . او وقتی می نگرد که یاران
رفته اند و عزیزان خواب اند ویـــا
دستگاه جهنمی آنان را به خواب وا- داشته است ، هـــزاران پرسش در ذهن اوشکل می گیرد . در جایـــی که همه افراد انرابه خواب واداشته باشند پیر، جوان زن ، مرد طبیـــب، روحانی ، شاعر، نویسنده و پیشه‌ور و روشنفکر ، مرد اداری و نظامی ،در حقیقت فاتحه‌ی آن جامعه را خوانده اند از همه‌ی درخشش و شکو فانی اش تهی کرده‌اند. گوینده‌یی مجموعه شهر حماسه پیشر فت اجتماعی رادر بیداری ، آگاهی و برخا ستن توده های داند ، همچنان در وحـــدت ، همبستگی و اتحاد شان تا جایی که می گوید .

.بارق .نکن هیچ تمنای تـــرقـــی
تاخلق ستمدیده :افغان همه خوابند

شعر حکایتی درتاریخ ادبیـــات دری پیشینه‌یی کهن دارد درگذشته‌بسیاری ازشاعران وسخن ارایان درقـــالـــب تمثیلات وحکایت اشارات و سمبول هاواقیعت های اجتماعی رابیان داشته اند .

گوینده شهر حماسه به پیروی از این سنت در قطعه‌ی بلارد بـــلا نشان می‌دهد ستم کاران اگربرزیـــر دست بیداد روا می‌دارند .

زود باشد که‌طومار زندگی شان به دست مستعفان درهم پیچیده شود. خانه‌ی ظلم همیشه ویران است.

درقطعه ناله زولانه نیز شاعرازعمق فاجعه سخن می‌گوید ازروز هـــایـــی دشوار .

تیره وغم‌الود ،اومی بیند که‌مشتی‌از لاشخوران زندگی ارام‌انبوهی ازتوده ها راتاراج می‌نمایند اشیان واشیانـــه هارا برباد می‌دهند ،پرندگان پیـــام آورسوگو ارند ،پنجه ی بیدادبسیاری ازقامت های استوار رابه خاك‌می‌افکند

شاعر این وضع رادرقطعه‌ی،«ناله‌ی زولانه» بازتاب میدهد.

اواگر دربند اسیر، به‌گرد اوحصـــار هایی سیاه‌وبلند ساخته اندامامهمچنان از ازادی ازپرواز وازرهایی سخن‌می گوید درز ندان هست امـــابـــه کلید می‌اند یشد، درباره‌ی پایان دردهـــاو سر انجام قصه هاست .

درقطعه ی‌عایین گردون ،هم همان‌خط فکری دنبال میشود تاریخ سرایش، «ناله‌ی‌زولانه» و«آیین‌گردون»نیزباهم نزدیك‌اندااولی‌درسنبله ۱۳۳۳ودومی اند اولی درسنبله ی ۱۳۳۳ ودومی درماه عقرب ۱۳۳۳ سروده شده است شاعر درقطعه‌ی«آیین‌گردون» ازخران طبیعت سخن می گوید ، اما نـــظربه وضع جامعه دارد به‌این اشاره میکند اگرد راثر بیداد زور مندان ،افزون طلبان زندگی زحمتکشان رنگ باخته است، توده ها در عذاب و سیـــاه روزی و بدبختی بسر می برند . این تلخ‌کامی و سیاه روزی را پایانـــی است دولت خود خواهان و افـــزون طلبان جاودانه نیست . شاعـــر در قطعه‌ی آیین گردون به این نتیجه‌ی اجتماعی میرسد که دولت زور مندان را هم زوالی در پی است . در سر انجام زندگی به گام تهی دستان ، زحمتکشان ، انهایی که عرق مـــی فشانند و کار می کنند می چرخد .

شعر های بارق شفیعی همیشه بازگو کننده‌ی پیامی است. شاعرمی خواهد باز تاب دهنده‌ی رنج و اندوه بیکران توده ها باشد و همین احسا ســـات صادقانه است که شاعر به دنبـــال جوهری در شعر نمی رود می خواهد سخن خود را به صراحت بیان‌نماید.

سراینده‌ی مجموعه «شهرحماسه» چنانکه در آغاز گفته شد موقعیتـــی روشن و مشخص دارد شاعری است پیکار جو و پر خاش‌گر ، در عمـــق فاجعه در لحظه های ابستن هزاران داغ و درد ، اشك و خون ، سخنی از نهار و فردا ،سپیده و روشنی‌می زند توده ها را به پیکار مبـــارزه و و مقاومت دعوت می کند .

دلم نظام کهن را خراب می خواهد
ببین مبارزه جو، انقلاب‌می‌خواهد
خمو ش وسرد نیفتد چو سنگ در بر کوه
چو موج در دل بحر اضطراب می خواهد
همیشه صاحب سرمایه بهر دزدی کار
به راه کارگران پیچ و تاب مـــی خواهد
برای خرمی گشت از خود ملاك
مدام دیده‌ی دهقان پر آب مـــی خواهد
چو انقلاب شود ،پای دارداد گهی است
که رنج بر زتوانگر حساب مـــی خواهد
بیا مبارزه بهر مرام خلق کنیم
که حق زندگی بی عذاب‌میخواهد

ازهرچه بگذریم سراینده‌ی «شهر حماسه » که‌درواقعیت مساله‌شاعری شهر نشین است از درد روستازاد- گان و ده زیستان بی خبر نیست .او از جفای دهخذ ایان گشت دهقانا ن را خراب می بیند در دل او انـــدوه هزاران کودك‌پا برهنه‌ی روستاست. او غصه های چو پانان را می شناسد درد آن‌بیوه زن روستایی را می‌شنا- سد که همه هستی‌در خانه‌ای چوبین با کوزه ای آب ، فرشی از بوریـــا خـــلا صه میشود و با دوغ خانـــه‌ی ارباب فرزندان خود را بزرگ مـــی کند . او اگر شاعر شهر نشین‌است هرگز و هیچگاه از ده روی بر نمی تابد ، صفای دهاتی ها را که سلام شان صاد قانه است و کلام شان‌بی ریا دوست می دارد. شاعر «شهر- حماسه» تضاد هایی‌که درشهرجاری است باز می نماید می نگرد که‌دیگر در شهر خا موشی بر خـــلاف تلاش های پاسداران بیداد رنگ می بازد، ذهن کارگران درپشت ماشین‌شکل میگیرد . از دیواره های کار خانها صدای خودرا برون میکنند ماننـــد موجی توفنده وسر کش سپاهـــی‌از کارگران درخیابان‌ها ی شهر بـــراه می‌افتد صدای پای کارگران‌لرزه بر کاخ نیشینان میـــانـــدازد ، د یـــگر شهر موجی از مبارزه و موجـــی از مبا رزان پدید آمده است . شا عر از نظاره‌ی این موج این فوج شاد مانه میشود . بلند تر فریاد میکند . بـــا براه افتاد گان و راه پیمایان هـــم صدایی ، سرود پیروزی رامی سراید سراینده‌ی« شهرحماسه» از شهری می گوید که در زیر چکمه های‌خونین نظام طاغوتی‌بیدار شده‌است .شهری که در آن خون زندگی ، مبارزه و ایمان جاری شده شهری که دیگـــر نمی تواند آرام باشد ، پنجره های شهر در اثر کار ، کوشش ، مبارزه و پیکار همه‌ی ساکنان آن به ســـوی روشنایی به سوی رهایی و آزادی‌باز می شود . مردم پیروز می شوند . حقیقت پیروزمی‌شود .صبحی‌راستین آغاز می یابد ،بنیاد شب و پاسداران آن فرومی ریزد .

باری ، گوینده‌ی شهر حماسه - پیروزی را می بینند ، آفتاب را می نگرد که سخا وت مندانه و بی دریغ از هر دریچه می تابد و خانه ها را گرم می کند ، او ازین دیدار سخت شادمانه می‌شود. شعر های نخستین این مجموعه در قالب های کـــهـــن و شناخته شده‌ی زبان دری ســـروده شده است که آشنایی و شناخـــت شاعر از گذشته‌ی فرهنگ پر بار دری را می رساند ، باری ، شعـــر

بقیه درصفحه ۳۸

مشکلات اجتماعی زنان

زنان دراجتماع حقوق ،وجایب و مسوولیت های بس مهمی رادارا هستند که با ایفای آن نقش موثر و مطلوب ایشان تحقق می یابد درواقع این حقوق ووجایب آنها خانه ، اجتماع جامعه ملی و بین المللی را احتوا می‌کند.

واضح است که در جهان امروز نمی‌توان از نقش فعال و مثمر زنان در امر رشد و انکشاف جامعه انکار ورزید مگر تجهیز نیروی زنان برای سهم گیری در فعالیت های عمرانی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، مستلزم اقدامات وسیع وگسترده است‌که می‌بایست خصوصیات خاصی ، طرز تلقی خانواده ها و برداشت محیطی ، اجتماعی و عرفی جامعه را مورد مطالعه وبررسی‌قرار داد وزمینه مساعدی رابرای این نیمه بدنه اجتماع فراهم ساخت.

تا آن زمانی که زن در خانواده واجتماع از قسمتی از حقوق انسانی وطبیعی محروم است نمی‌تواند در فعالیت های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی جامعه نقش مثبت و سازنده ای را ایفا کندو تا آن زمان که عرف ، رسم ورواج های منفی فرصتی برای رشد استعداد ها و توانایی زن باقی نمی گذارد جامعه نمی‌تواند از نیمی از جمعیت خود انتظار داشته باشدکه همدوش بابرادران خود پیش برود .

مبارزه برای آزادی وبرابری زن موضوعی است دارای اهمیت بس بزرگ که نه تنها از نگاه حقوقی وسیاسی مساوات را در بین زن و مرد مورد مطالعه قرار میدهدبلکه بیشتر ازهمه دارای جهات اقتصادی ، اجتماعی وسیاسی نیز می باشد .

در کشور عزیز ما افغانستان در برخی از قسمت های این مرزوبوم هنوز هم بنابر موجودیت رسم ورواج‌های‌منفی‌ویک سلسله موانع دیگر زنان عملا از حقوق سیاسی ، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش‌نمی‌توانند استفاده کنند ،یک تعداد پروبلم بخصوص در زندگی زن جامعه ماوجود دارد که از هرلحاظ قابل تعمق واندیشه است .

در امر ازدواج‌توافق‌هردو طرف «زن‌ومرد» شرط حتمی است یعنی زن حق دارد در انتخاب شوهر توافق خودرا آشکار سازد ویا اورا رد کند مگر متاسفانه هستند بعضی خانواده ها که دختران خودرا بدون آگاهی قبلی یابا آگاهی قبلی در بدل طویانه و شیربها بهشوهر می دهند یادر آوان طفولیت نامزد میسازند یا دختری رادر بدل جرایمی که یکی از اعضای فامیل مرتکب شده بود «بد» می‌دادند همچنان زن بیوه را اجازه ازدواج خارج از فامیل شوهر متوفی اش نمیدادند در غیر آن موضوع به وخامت کشانیده شده ویا حداقل مجازات‌برای زن بیوه داده میشد اطفالش را ازاوجدا ساخته همچنان یکی از پروبلم های حیاتی که دامنگیر یک تعداد فامیل ها می‌گردید عبارت بوداز طلاق و نتایج آن بعد از تعمق و مطالعه همه پروبلم ها آنچه قابل توجه و دقت شایان ودر نهایت خود پروبلم‌بزرگی را تشکیل داده موضوع بی سوادی اکثریت زنان ودختران جامعه ماست که‌به‌ویژه‌این‌چنین زنان و دختران بیشتر در قرا وروستا هااز نعمت سواد محروم بوده و ساحه زندگانی آنها محدود به چار - چوکات منازل شان میباشد که این موضوع خود باعث عدم آگاهی آنها از قوانین ومقررات نافذ جامعه میگردد .

بناء یکی از اقدامات موثر درین جهت‌تامین حقوق انسانی زن در خانواده و جامعه است همچنان شرط اساسی آگاهی ودرک صحیح‌زنان از قوانین و مقررات جامعه حقوق ووجایبی است که در قبال خانواده واجتماع به عهده دارند .

درواقع عدم آگاهی زنان به موضوعات فوق موجب بروز یک تعداد کثیر ، پروبلم ها شده‌و درنتیجه زنان از امکانات حقوقی ایکه‌دراختیار دارند استفاده کرده نمی‌توانند .

در رفع این پروبلم ها هر گاه مطالعات‌و رهنمایی هایی صورت‌بگیردبه یقین گره‌گشایی در مورد خواهد بود .

۱- برای جلو گیری از گسیختن پیوند ازدواج وویران شدن کاشانه های خانوادگی وجلو گیری از بدبختی اطفال لازم است جلو مبند وباری آن عده از مردان که پابندخانه و فامیل خود . نیستند قانوناً گرفته شود و هنگام عقدنکاح وجایب طرفین‌به همدیگر شان تفهیم گردد وحتی در پروگرام های مکاتب در مضامین اختصاصی طرز زندگی و برخورد فامیل ها در ممالک پیشرفته و مترقی و آشنایی به طرز کار آنها مورد توجه قرار داده شود .

۲- تورید فلم های آموزنده وانتباهی نیز مورد مطالعه قرار داده شود .

۳- نشر مجله خانواده بدون شک‌زنان رابه حقوق ، وجایب و مسوولیت های که در قبال فامیل واجتماع دارند بیشتر آگاه میسازد .

٤- دایر شدن کنفرانس ها برای تنویر زنان و آگاه ساختن آنها به حقوق ووجایب شان از طرف قضات، محاکم ودیگر موسسات ذیعلاقه .

٥- موجودیت موسسات که بتواند خانم هارا مورد حمایت قرار داده و آنها رااز نگاه مادی ومعنوی حمایه نماید .

٦- رژیم مالی زو جین باید هنگام ازدواج مدنظر گرفته شود .

۷- موجودیت مشاورین رهنمایان فامیلی‌یکی از موضوعات مهم و قابل توجه است زیرااکثر مناقشات ناشی از غلط فهمی ها حسادت هاو طرز غلط نتیجه گیری ها تبارز کرده که البته باتوجه و رهنمایی درست رهنمایان فامیلی شاید بسیاری فامیل هااز تباهی نجات یابند.

۸- موجودیت عقده هاو محرومیت ها عدم رضایت شوهر از زن ویاعکس آن اکثرا منشا اختلافات ومنازعات فامیلی میگردد .

لذا موجودیت دوکتوران روانی را درین قسمت نباید فراموش کرد .

بهر صورت باید متذکر شد که سوال زن یک جز از مجموع سوالاتی است که بااز میان رفتن رسم ورواج های‌منفی‌وبر قراری مساوات حقوقی بین زن ومرد در مجرای انسانی و ارزشمند خود قرار میگرد .

اما لازم است که، زن جامعه مااز در گیری های فرساینده خانوادگی ورسم ورواج ها ی خرافی نجات یابد تابتو اندنیروی خودرا در جهت فعالیت های سیاسی، اجتماعی ،اقتصادی وفرهنگی کشور تجهیز بخشد حقوق ووظایف خودو سایراعضای خانواده خود را بر پایه قانون که پایه مستحکم زندگانی در اجتماعات بشری است اساس بگذارد درآن می تواند واقعا نقش بزرگ و مطلوب خودرا نه تنهادر پرورش جسمی وتربیه فکری فرزندان خود مطابق به معیارهاو فرهنگ جامعه مثبت فهم وارزنده جلوه دهد بلکه موثریت اوبه حیث مادر ، خواهر و همسر درراه استقرار صلح ودیانت و آزادی های انسانی خیلی پر ثمرو باتاثیر خواهد بود .

به‌امید پیروزی های چشمگیر زنان

بورژوازی تحت شعار آزادی ، برادری وبرابری زحمتکشان را بر علیه نظام فیودالی بسیج نمود ، هنگامیکه بورژوازی بر قدرت تکیه زدو حق آزادی عمل را پیدا نمود آزادی برادری و برابری‌راملعمه‌سیاست های آزمندانه خود قرار داد آزادی در واقعیت عمل برای بورژوازی عبارت از آزادی چور وچپاول وبهره‌کشی ظالمانه از کارگران ودیگر زحمتکشان گردید. جای برادری‌وبرابری را رقابت حیوانی و عدم تساوی بین ضعیف و قوی گرفت زحمتکشان بتدریج دریافتند که آنچه در اثر تحکیم سلطه بورژوازی نصیب آنان‌گردیده‌است جاگزینی زنجیر ستم است‌که عوض‌زنجیربردگی وفیودالی زنجیربرده‌گی ای سرمایه‌داری بدست وپای آنان بسته شده‌است وتحت این شعار جامعه سرمایه داری‌زندگی میکنند «انسان‌گرگ انسان است»نظام‌سرمایه‌داری هزاران‌مالك‌خرده پارا ورشکست نمود و جزارتش کار گران‌مزد بگیر که‌به جز از نیروی کارمالك چیزدیگری نیستند گردانید کار انسان حیثیت متاع بازار را پیدا نمود که مانند دیگر کارهاخرید و فروش میگردد وتابع عرضه شد برای بهره کشی هرچه ظالمانه‌ترسرمایه‌داراز کار کودکان وزنان که نرخ آن از کار مردان‌ارزان تر بود استفاده نمود . زنان و اطفال که سر نوشت مشترك دارنددرمعرض تاراج‌ظالمانه صاحبان زرقرار گرفتند عدم تساوی مزددربرابر کارمساوی بین زنان ومردان واطفال‌قانون عمومی جامعه سرمایه داری گردید . وضع رقتبار زن مقام انسانی وی را شدیداً لطمه زداونه تنها تحت ستم وبی رحمانه سرمایه داری بحیث کار گر قرار گرفت بلکه سلطه مرددر جامعه بطور عموم ویرا اسیر پنجه ظلم وبیداد گری ساخت.هنگامیکه بحرانات سرمایه داری کارگر را از فابریکات بیرون میریخت این ضربه به پیکر زن کاری تربود و سریعاً ویرا وادار بخود فروشی و فحشاساخت‌که‌اهریمن جامعه سرمایه داری زن را بدان محکوم ساخته است درگیرو دار جامعه سرمایه داری موضوع زن آنقدر فزونی گرفت که در پهلوی مسایل بیشمار زاده تضادهای آشتی ناپذیر براین جامعه موضوع زن نیز به حیث یك مساله عرض اندام نمود که تاکنون مدعیان نتوانستند راه حل به آن بیابند چنانچه بطور مثال میتوان گفت که دراوایل سال ۱۹۷۸ از جمله یك میلیون و هفتصد هزار بیکار در فرانسه صد هزار آن زن بود بمقایسه بامردان تعدادی زنان بیکار د راضلاع متحده امریکا پنجاه فیصد ودر بلجیم ده فیصدبیشتر گردید .

ایدیولوژی دوران ساز طبقه کار ابتکار ارائه جواب علمی و عملی به‌مسئله زنان را که‌در تاریخ جوامع طبقاتی بدان توجه شدبودبدست گرفت کانگره اولی اتحادیه بین المللی کارگران در جنیوا در سپتامبر ۱۸٦٦ که بوسیله پایه گذار پر نبوغ ایدیولوژی طبقه کار تاسیس گردید قطعنامه دربارهٔحمایه از کارزن رابه تصویب رسانید رهبران پرنبوغ طبقه‌کارگر جهانی این نظریه خرده بوژوازی را که زنان نباید درتولید اجتماعی شرکت جویند رد نمودند وطر فداری خود را ازاین اصل اعلان کردند که‌به جای منع کار زنان باید از آن حمایه صورت گیرد این موضع گیری علمی جنبش کار گری رادرین جهتی رهنمون گردیدکه باید زنان رابه منزله‌متحدین‌کارگران ودارای حقوق ووظایف همانند با مردان به مبارزه علیه استثمار سرمایه داری بکشانند «اگست بیل» این حقیقت را آشکارا بیان کرد که‌برای طبقه کارگر و حزب پیش تاز آن خیلی مهم است که نقش ومقام واقعی زن رادر جامعه بدرستی درك کند وبه عدم تساوی اجتماعی آن خاتمه بخشد این چهره درخشان جنبش کارگری می‌نویسد «رسالت تاریخی پرولتاریا اینست که نه تنها رهایی خویش را تحقیق بخشد بلکه همچنان همه خلقها را واز آن جمله‌زنان رااز ستم وار هاند .

تنها نظام های مترقی گام های بلندی درین جهت برداشته است باساس همین درك علمی بود که حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان بعداز پیروزی انقلاب ثور وبخصوص‌بعداز مرحله نوین وتکاملی توجه جدی به‌مسئله زنان کشور نمود ومقام انسانی زن را احترام گذاشت وزن افغان را در پهلوی برادران زحمتکش وی باحق مساوی قرار داد تازنان بتوانند باافتخار وسر بلندی نه‌تنها فرزندان قهرمان ودلیر بوطن تقدیم کنند بلکه خودبه به حیث معیاران و در ساختمان میهن انقلابی حیات اجتماعی شریك شوند . یکی ازقدم های مثبت دیگری که دولت و حزب انقلابی مادر جهت بهبود زندگی زنان برداشت تعدیل قانون مامورین بود که به اساس آن زنان‌در هنگام ولادت مستحق سه ماه رخصتی باماش میگردند و همچنان میتوانند مدت یکسال‌برای تربیه طفل خود از رخصتی بدون معاش‌باحفظ موقعیت ورتبه استفاده کنند .

بقیه در صفحه ٥٤

نقش سازندگی زن

زنان از باستان زمان تا اکنون مانند مرد عنصر اساسی دینامیزم تاریخ است زن ومرد به‌خاطر موجودیت و ادامه نسل ، دوام زندگی وتامین وسایل معیشت ، لازم وملزوم یکدیگر اند . همچنان تاریخ جوامع بشری گواه است که در تشکیل خانواده‌نقش سازندگی زن ومرد مساوی است همانطور یکه ادامه وتنظیم امور خانه و مسکن به زن تعلق دارد مرد نیز به نوبه خویش در رفع‌حوایج اولیه همت‌می‌گمارد سعی وتلاش هر چه بیشتر بر آن است‌تا لانه وکاشانه اش آرامگاه خوبی برای اعضای‌فامیل وساکنان منزل باشد . اکنون نیز بایك نگاه ژرف و عمیق دیده میشود، همانطوریکه مردان مسوول امور آسایش و آرامی اعضای فامیل است وجاییب ومسو لیتهای مهمی رابدوش دارد ، زنان نیز رسالتی بزرگی رابه عهده دارند اینها اند که چه در خانه ویا هم بیرون از منزل در شهر وده در موسسات عرفانی علمی ، فرهنگی و هنری‌وبالاخره درهمه شئون وشقوق با شکوفان‌ساختن‌وتبارزدادن استعدادی های شان با تبارز قدرت فعال و احساسات وطن پرستانه و تفکر علمی و ژرف اندیشی شان توانسته اند بازوبه بازو بامردان کارمؤثر راانجام‌دهندورفع نیازمندی های جامعه را نمایند کار های مفیدو مثمری را انجام دهند وبرای توصل به اهداف مشخص وپیروزی های‌نهایی خودرا با معیار های فکری علمی و تجربوی مجهز گردانند و بااستفاده ازاین اصول و میتود ها وظایفی به عهده ایشان گذاشته میشود که اگر بتوانند آنرا بدرستی به انجام برسانند آنگاه است که به حیث یك مادربا احساس وبه حیث‌یك زن‌مترقی و جیبهٔ خودرا ادا کرده‌اند .

مثلا وقتی زنی با استفاده از اصول‌مثبت به نظام اقتصاد فامیل بادر نظر داشت عاید و مصرف معقول موفق‌می‌گردد در حقیقت‌فضای سالمی را ایجاد کرده و نشاط همیشگی افراد خانواده کوچك خودیعنی فامیل را تامین‌نموده است تجربه و عمل‌درجوامع به اثبات رسانیده که دیگر زن عنصر عاطل ، ضعیف وبیکارنبوده وتفاوت های فزیکی مانع انجام وظایف او شده نمی تواند جای بس افتخار ومباهات است که با آمدن نظام مردمی‌دروطن عزیز راه‌خدمت واستفاده از نیرو وانرژی‌زن راه تعلیم‌وسایر مزایای انسانی برای همه چه زن وچه‌مرد مهیا شده‌و زمینه هر گونه فعالیت ثمر بخش‌مساعد گردیده اینجاست که مسئولیت زنان سنگین وسنگینتر شده وانجام این مسوولیت ها وایفای این کار های بزرگ موقف و موقعیت درخشانی رادر تاریخ‌ملی‌عصر ما ثبت‌میگردد.

نامه‌یی از نویسندهٔ «بخاطر پیروزی»

به ادارهٔ محترم مجلهٔ وزین ژوندون !

در شمارهٔ (۲۱ ـ ۲۲) مورخ ۷ سنبله ۱۳۶۰ در صفحهٔ(۱۸) برداستان«بخاطر پیروزی» نوشتهٔ اینجانب مقدمه گونه یی در بین یك چوکات از طرف اداره به نشر رسیده است که مرا واداشت تا برای تذکر توضیحاتی‌ارائه بدارم •

شما نوشته اید : (این نبشته نه داستان کوتاه استونه داستان دراز (؟) نه مقاله‌تحقیقی ونه‌نوشته یی تاریخی)•

باید گفت : بر خلاف نظر شما این نوشته «داستان‌کوتاه» است • برای شناخت داستان کوتاه شمارا به دهها کتاب و مقاله که درین باره نوشته شده حواله میدهم واگر کتب مذکور در دسترس شما قرار ندارد میتوانید از کمیسیون محترم قصه نویسی اتحادیهٔ نویسند گان معلومات بدست آورید • فقط میخواهم یادآوری‌کنم که بیشتر اجزاء وویژه‌گی های داستان کوتاه چون گره اندازی ، اوج، گره گشایی تیپ سازی وپیوند منطقی بین پدیده هاوو اقعیت هادرین‌داستان موجود است بشرط آنکه یکبار دیگر با توجهٔ بیشتر و معلومات عمیقتر آنرا بخوانید ولی اگر بخاطر ساده نویسی بمفهوم سهل و ممتنع بودن،شما آنرا یك گزارش غیر هنری فکر کرده اید پس لطفا چند تا مثل آن بنویسید تادر مقایسهٔ حقیقت موضوع دریافت گردد •

درمورد کلمهٔ داستان دراز حرفی ندارم که بگویم، جزاینکه بگویم شماچه خیال‌کرده اید ؟ مگر کسی درینمورد چیزی به شما گفته است ؟ واما در مورد تحقیقی بودن ، بایدگفت هر چند این، یك مقالهٔ تحقیقی باذکر ماخذ و منافع وغیره نیست وادعای هم درین‌باره بعمل نیامده ، برای نوشتن چنین داستان حماسی وتاریخی معلومات زیادی علمی جمع آوری و تنظیم شده است • تحقیقات در بارهٔ نهضت روشنفکری دورهٔ امانی و فعالیت مکتب

پاسخ اداره مجله به شمس الدین ظریف‌صدیقی

داستان بی‌سرودم‌واشکم

اگرذوق و حالی دارید، نوشتهٔ بخاطرپیروزی را بخوانید . آن داستان (!) در شماره۲۱و۲۲ مجله بنشر رسیده است .

دوست عزیز ما ، ظریف صدیقی، نوشته‌یی‌زیرنام «بخاطر پیروزی» جهت چاپ فرستادند که به‌اصرار و پا فشاری شان از نشرش دریغ نورزیدیم، اماافزودیم که « آن نبشته نه‌داستان کوتاه است ونه داستان دراز ، نه مقاله تحقیقی ونه نوشته تاریخی ....» همان حکایت قز و ینی است که رفت پیش کبودزن که کبودم بزن . از زبان مولوی میشنویم :

سوی‌دلاکی بشد قزوینیی
گفت چه صورت زنم ای پهلوان
گفت بر چه مو ضعت صورت زنم
تاشود پشتم قوی در رزم و بزم
چونکه او سوزن فرو بردن گرفت
پهلوان در ناله آمد کای سنی
گفت آخر شیر فر مودی مرا
گفت از دمگاه آغاز یدمام
شیر بی دم باش گو، ای شیرساز
جانب دیگر گرفت آن شخص زخم
بانگ زد او کاین چه اندام است ازو
گفت تاگوشش نباشد ای حمام
جانب دیگر خلش آغاز کرد
کاین سوم جانب چه اندام است نیز
گفت تااشکم نباشد شیر را
درد افزون گشت ، کم زن ز خمها

که کبودم زن بکن شیرینیی
گفت برزن صورت شیر ژیان...
گفت برشانه گهم زن این رقم
باچنین شیر ژیان در عزم جزم
درد آن در شانه که مسکن گرفت
مرمرا کشتی ، چه صورت می زنی
گفت از چه عضو کردی ابتدا
گفت دم بگذار ا ی‌دو دیده‌ام
که دلم سستی گرفت از زخم گاز
بی محابابی مواسابی زرحم
گفت این گوش است ای مردنکو
گوش را بگذار و کوته کن کلام
باز قزوینی فغانی ساز کرد
گفت این است اشکم شیر ای عزیز
چه شکم باید نگار سیر را
اشکم چه شیر را بهر خدا

خیره شد دلاك اوبس حیران بماند
برزمین زد سوزن آن دم او ستاد
شیربی‌دم و سر واشکم که دید
چون نداری طاقت سوزن ز دن

تابه دیر انگشت بر دندان بماند
گفت در عالم کسی را این فتاد
این چنین شیری خدا کی آ فرید
از چنین شیر ژیان پس دم مزن

• • •

وگفتیم که آن نوشته ، داستان کوتاه نیست حالا می افزاییم که داستان بی‌دم و سرواشکم است . چنین داستانی ، جز شما ، داستان نویسی کی آ فرید ؟ « نخست باید بگوییم که منظور از آ ثار هنری وادبی‌که بر اساس‌وقایع تاریخی چند قرن پیش نگاشته میشود، بررسی مکانیکی تاریخ گذشته نیست . اساس‌کارمسایل قرن ماست و قصهٔ تاریخی بهانه‌یی است‌برای طرح مطالب دو ران معاصر : ای برادر قصه‌چون پیمانه‌یی است ....»

نویسندهٔ « بخاطر پیروزی » می نویسد : « فقط می‌خواهم یاد آوری کنم که بیشتراجزاء وویژه‌گی های داستان کوتاه چون گره اندازی، اوج ، گره گشایی تیپ سازی وپیوند منطقی بین پدیده ها وواقعیت ها درین داستا ن موجود است ....»

وقتیکه چنین می گویید ، چرا د لیلش را نمی آورید ، چه جای بحث وفحص که مارا به کمیسیون محترم قصه نویسی اتحادیه نویسند گان حوالت د هید ، مگر ، غیر آنجا ، کتاب قصه و داستان ، در جای دیگر ، یافت نمی‌شود . مگر کتابخانه هارا بستند ؟

آندره ژید میگوید : « هر گز عقیده‌یی را مگو ، جز از طریق کرکتر» و ر ضا برا هنی می افزاید : این همان سر دلبران در قا لب حدیث دیگران است که اساس هنر است . چرا که سر دلبران و عقیدهٔ آ دمها ، اگر در قالب حدیث و چار چوب شخصیت های قصه گفته نشوند ، از حمایت واقعیت بر خوردار نخواهند شد ودرنتیجه وجود خواننده را تسخیرنخواهند کرد .

در نوشتهٔ شما، بدبختانه و سو کمندانه ، اگر کرکتری هست در حین تولد مرده است ،

و معارف و فرهنگ در زمینه ، جستجوی پیوند منطقی بین نهضت هاو قیام های ملی دربرابر استعمار از دورهٔ فوشنجی هاتا آخرین جنگ افغان و انگلیس ، تحقیق در مورد زندگی مردم منطقهٔ توتکی ، نقش روحانیت و دیـــن در حصول استقلال وسهم همکاری مردم درین محاربه ۰درباره نوشته یی تاریخی بایدبگویم

که اعتراض شما کاملا مردود است زیرا که این داستان برماجراهای مختلف تاریخی استوار است. تاریخ وقوع و جریان حـرب حصـــول استقلال ، تاریخ مبارزات ملی مردم افغا نستان باستانی در دورهٔ خراسان چون جانبازی هاو

تلاش های ابومسلم و طاهر فوشنجی که هر حادثه یی این داستان بر روند واقعات تاریخی تنظیم شده است ۰ در بارهٔ هنری بودن داستان باید بگویم که کرکتر های داستان هر کدام نماینده تیپ خود انتخاب شده اند ، مثـــلا عبدالرحمن نمایندهٔ تیپ جوان روشنفکر کـــه نهضت امانی را پشتیبان اصلی به شمار میرفتند ، او با تمام احساسات و عملکرد هایش نماینده گرو هیست که در به پیروزی رساندن آن نهضت سهم فعال داشتند . پدر عبدالرحمن از یـك تیپ محافظه کارمتمول وبی-

تفاوت زمان خود بر گزیده شده است ،ملاامام مسجد یك مذهبی خوب و فهمیده عامل موثر در نزدیکی مردم و دولت بوده وظیفهٔ خود را

در قبال حوادث مربوط جنگ انجام میدهد۰ دختر (جنته) هم نمایندهٔ دختران پشتون عمزاد خود است، واما عشق ، دانش روانشناسی نشان داده که در بحران های عاطفی ناشی

از وحشت های عمومی ، ترس های همگانی و بیقراری های روانی ، جوانان که در محرومیت نفسی وعندی قرار میگیرند ، نیاز شدیدی

به تسکین ناراحتی های خود دارند وبا تمام خود داری ها در برابر چنین امکاناتی ضعیف میشوند ۰ نیاز به محبت جویی ، نیاز بـــه مسکن های چـــون مـــواد مخدره ، مشروب ویافتن همدرد وامثال آن قوی تروموثر تراز هر وقت دیگر میتواند اثر خودرا تبارز دهد ازینرو وجود عشق بین عبدالرحمان وجنته در چنان شرایط غیر ممکن نیست چه زنان نسبت به مردان در مواقع خطر بیشتراحساس پناه گاه می نمایند ، این عشق سرانجام با همکاری ملای مسجد ونا گزیری مردم سبب هانیکه خواننده ازیك نیم رخ داستان میتواند توجیه آنرا دریابد به یك وصلت وپیوند فرخنـــده ی منتهی میگردد وواقعا هم چنین وصلت های در همان زمان بین منسوبین اردوو مردم صورت گرفته است ۰ چون اصلا سوژه ای داستان مایهٔ واقعی دارد ، واما از لحاظ ضرورت زمان: عبدالر حمان میتواند نمایندهٔ قشر روشنفکری باشد که اینك در خدمت دفاع از وطن داوطلبانه به آغوش قوای مسلح جای میگیرند۰در عین حال متوجه ساختن وتشویق جوانان آگاه بدین منظور در نظر گرفته شده است ۰

همچنین ملا امام هاو روحانیون خردمند در حال حاضرمیتوانند در امر ارتباط مردم بادولت همان نقش را ایفا کنند که درحین مبارزات ملی برضد انگریز ها انجام داده بود نـــد سهمگیری مردم در همکاری با قوای مسلح در کشف ذخایر اسلحه و مهمات دشمن امروز

مشهود است و همچنین این داستان تبلیغ مثبتی است در جهت خواست ونیاز مندی زمان کنونی ما، در آخر خواهشمندم غلطی های مهمی را که درین داستان بچاپ رسیده چنین اصلاح فرمائید ۰

دقیق بجای رفیق ، دغدغه بجـای دغه دغه مامون بجای ماهون،جزء لایتجزای بجای جزلایتجزی سپاسگزاری بجای سپاسگذاری، و خبیه(وظیفه) بجای وجیبه، صف بجای صفت وبالاخره بی رمقی بجای بی رقمی . ازلطف شما تشکر .

ظریف صدیقی

کاپی به اتحادیهٔ محترم نویسندگان

وفقط دانای کل داد سخن میدهد و عقیده یی لح و بر هنه را آشکار ا و پیهم ، شعار می- دهد . در حالیکه نویسنده نشان مید هدوبانشان دادن وقوف میدهد وبانشان دادن شعور میدهد.

آیا داستان (!) شما چنین است ؟ آ یا در داستان کوتاه (!) شما آدم زنده یی هم پـــیدا میشود ؟

آنتونی ترو لوپ نویسندهٔ ا نگلیسی می - نگارد : « داستان نویس باید خوا نند گان خود را چنان باآدمهای خود آ شنا کندکه مخلوقات فکر او برای آنان آدمیانی گـــویا، متحرك و زنده باشند . این کار را هرگز نخـــوا هـــد توانست مگر آنکه آن شخصیت های متخیل رابشناسد وهرگز نخواهد توانست آنهارا بشناسد مگر آنکه بتواند باواقعیت کامل انس و آشنایی، با آنها زندگی کند . آدمهـــایش باید موقعی کـــه او دراز میکشد تابخوابد و مو قعی که ازرویاهایش بیدار میشود باید با او باشند . باید یاد بگیرد که ا آنها نفرت داشته باشد و آنها را دو ست بدارد. باید باآنها مباحثه و مجا دله کند، با آنها نزاع کند، آ نهارا ببخشد ... باید بداند

که خونسرد هستند یا پرشور .... عـــمق و وسعت، کوچکی وکم عمقی هر کدام باید بـــراو روشن باشد ... اگر کسی می‌خواهد دا ستان نویس شود واستعدادی داشته باشد همهٔ ایـــن چیز ها بدون تلاش و تقلا در او پیدا خوا هـــد شد، ولی اگر چنین نشود به نظر من چـــنین شخصی فقط میتواند داستانهای در باره آدمهای چوبی بنویسد ... » واز شما نویسندهٔ محترم می پرسیم که آیا خودرا صاحب چنین استعدادی می دانید و آدمهای قصه یی تانرا می شناسید ؟ آیا پدر عبدالرحمن ، ملاامام ، گلاب، ا فـــراد مسعود و .... را می شناسید ؟

ترلوپ چنین نتیجه میگیرد: «...من بدینگونه باآدمهای خود ز یسته ام و هر توفیقی که یافته ام از همین راه بوده است . نمایشگاهی از ایـــن آدمها هست ، ودر باره همهٔ آنها که در ایـــن تالار هستند می توانم بگویم که آهنگ صداو رنگ مو ونگاه و لباس همهٔ آنهـــا را می - شناسم ....» وشما چطور آقای داستان نویس؟ آیا عبدالرحمن « روشنفکـــر» را به درستـــی می شناسید ؟ « جنته را ازکجا یافته اید؟ مـــا همانقدر با پرسو ناز داستان کوتاه(!) شمـــا بیگانه هستیم واورا نمی شناسیم که شما، اما چرا شما ؟ زیرا اگرشما قهرمان قصهٔ خود را می شنا ختید ، الزاما خوانندگان قصهٔ تان نیز، اورا می شناختند . زمانیکه آدمهای قصه را نتوان شناخت ، بصورت عینی و د قیق و جزء به جزء نمی توان توصیف نمود ، وانگهی که توصیف نتوان نمود ، ترسیم و تجسم نمیتوان نمود . و قتیکه ترسیم و تجسم نتوان نمود ، آنگاه نمی توان از هنر سخن گفت .

فورستر نویسندهٔ معـــروف در باب طر ح وتوطئه چنین ا ظهار میدارد : « طرح ، نقـــل حوادث است ، اما نقل که در آن حفـظ سببیت باوجود رابطه علی مو جود باشد » میگویـــد: «پادشاهی مرد و بعد ملکه مرد ، طرح نیست، ولی پادشاهی مرد و بعد ملکه از غصه مرد ، طرح و توطئه است. » به همین جهت یاد آور میشویم که داستان کوتاه «!» «بخاطر پیروزی» درونمایه منطقی ندارد . در داستانی کوتاه (!) شما سر نوشت بر اساس علت و معلول مبتنی نیست . قصه نویسان حرفه یی میگویند هرگاه عنصر علت و معلول در قصه یی وجود نداشته باشد ، ا صولا قصه سا خته نمی شود . شما چه می فرمائید ؟

شما دست عبدالرحمن ، قهرمان چوبیـــن قصه (!) را میگیرید به توتکی می بریدتاحادثه بیافرینید وبه زعم خویش گره می اندازید و آنگاه باقتل پدر «جنته» گره گشایی می کنید، بی خبر از اینکه نه گره یی افگنده شده است ونه بحرانی نه اوج و فرو دی .

آیا دلبا ختگی عبدالرحمن ، قهرمان بی گوشت وپوست وخون ، به جنته خود نمودی از گفتهٔ فورستر نیست ، « پادشا هی مرد وبعد ملکه مرد.» چرا این دو به هم می رسند ، با آ نکـــه عبدالرحمن به نحوی عامل و مسوول قتل پدر وبرادر جنته است ؟ آیا عبدالرحمن طا لـب ، بقول شما و خبیه گیر ، میتواند نمونهٔ از یك تیپ آزادیخواه باشد ؟

گفتیم این قصه (!) طرح و تو طئه ندارد ، ببینیم دیگر چه کمبود دارد ؟ حادثه هم ندارد، جدال هم ندارد و... واگرهم چیزی به نام حادثه وجدال داشته باشدآنقدرگنگ وغیرروشن است که بوضاحت قابل رویت نیست و یا اصلا حادثه خود سا خته به داستان (!) نمی چسپد، زیرا قهرمانان(!) دینا میك و متحرك نیستند و درقصه زندگی نمی کنند . « و میدانیم که هیچ قصه یی بدون جدال نمی تواند باشد واگر قصه یی بدون جدال باشد .

دیگر قصه نیست و یکی از بر جسته تر یـن عوامل اصلی جدال دو طرف جدال هستند که همیشه می خواهند در یکدیگر تاثیر کنند. در قصهٔ داشی آکل طرفین جدل همیشه در برابر یکدیگر سنگر بندی می کنند ....» ودر قصه یی بخاطر پیروزی ، اگر عنوان فرعی « حا شیـــه جنگ سوم افغان انگلیس » نادیده گرفته شود ودرجای هم کلمه فرنگی، اصلا دیگر ازقصه(!) جنگ واستعمار استخراج نمی شود و دیگـر خوانندهٔ قصه (!) در نمی یابد که جنگ برسر چیست ؟ و جنگ باکیست ؟ و دشمن کجاست؟ از اینرو بعید نیست که بایستی جدالی رونما نشود و حادثه یی تشکل نیابد الا به د ست تقدیر و تصادف و باز میدانیم که حـــادثه ، تصادف نیست . حادثه از نظر « گود مـــن» نتیجهٔ جدال ودر گیری کرکتر ها با یکدیگر است ودر واقع اساس طرح و توطئـــه یـــی هر داستان و آیا همین عنوان فرعی « در حا شیه جنگ سوم افغان وانگلیس » قصه (!) را از شکل و هیات قصه خارج نمی سازد ...

نویسندهٔ « بخاطر پیروزی» میگوید:«... هر چند این ، یك مقالهٔ تحقیقی باذکر مأخذومنابع وغیره نیست و ادعای هم درین باره بعمـــل نیامده ، برای نوشتن چنین داستان حما سی وتاریخی معلومات زیادی علمی جمع آ و ری و تنظیم شده است .

تحقیقات در بـارهٔ نهضت روشنفکـری دورهٔ امانی وفعالیت مکتب و معارف و فر هنگ در زمینه ....» و عیب کار در همینجاست، سرور ما . این مواد گرد آورده شده ، تنها شکل و هیات قصه را نمی سازد و باید هم نسازد ، زیرا مواد قصه از نو ، در کورهٔ ذهـــن قصه نویس جوانه میزند واز صافی هنر می گذرد . مواد ، صیقل می‌خورد ، شسته می گردد ، کم و زیاد میشود و بقولی قصه ترکیب مجدد حقایق است بطور دلخواه واضافه کردن چیـز هایی دیگر است از تخیل برآن حوادث ودر حقیقت آفـرینش مجدد حـوادث است .

در جای دیگر ، نویسندهٔ « بخاطر پیروزی» مهر نوشته تاریخی را ، خود بر داستان کوتاه «بخاطر پیروزی» می زند و میگوید: در باره نوشته یی تاریخی باید بگویم که اعتراض شما

بقیه در صفحه ٥٤

پیام زندگی نو

زمرد پیر خسته دل ، زپرشکسته نو جوان
زبیوه گشته نو عروس ، ز اشک‌وخون ما دران
زکودکان در بدر ، ز دختران نا مراد
ز خوا هران خشمگین ، ز توده‌های قهرمان
زگوشه گوشه وطن ، کنون بگوش می رسد
پیام ز ندگی نو ، سرود صلح‌جاویدان
پیام زندگی نو ، ز شهر و ده ودره ها
سرود صلح و دوستی ، رسدبما ز هر دهان
پس ای برادر و رفیق، نشستنت‌بخانه چیست ؟
بجز نهادن وطن ، به چنگ ظلم‌دشمنان
خوش آن بود اگر د هیم، نجات‌مادر و طن
زکشور عزیز خود ، بیرون‌کنیم‌ستمگران
بیابیا توکارگر، تو قدرت زمانه ساز
شکن طلسم کهنه را ، بیاز وان‌بر توان
بیا بیا تو بزرگر ، زگوشه ها ز بیشه ها
برای عسکر جوان ، سرودمردمی‌بخوان
بیابیا تو بذرگر، ز گوشه ها ز بیشه ها
برو به جبهه نبرد ، به سنگرستمکشان
چو موج مست حمله کن، به چاکران زوروزر
وخلق خود رها نما، ز قید وبندبای و خان

دستگیر پنجشیری

۲۱ سنبله ۱۳۶۰ کابل-افغانستان

پیام ما

ما خواستار صلح
ما رهروان راه شکوهمند کار
ما همقطار مردم ز حمتکش و طن
مادر تلاش راه نوین برادری
یك آ رزو بدل
وآن اتحاد بی خلل جمله کارگر
با جمله بزرگر
و آنکه همه یکی
در جبهه ملی
یکجا رویم بسوی جهان برابری

* * *

کبوتر صلح

جنگ است به نزدهمه جومات
آنگونه که نزد نور، ظلمات
در راه نجات نسل انسان
بر فرق تمام صلح جویان
پرواز کن ای کبوتر صلح
بامژدهٔ روح پرور صلح
چون بال وپرت ، رهت سفید است
هردل برهٔ تو با امید است

میهن سربازان

من فرزند کوه های سر به فلك کشیده‌ام،
با همه تهی دستی ها ، همتم بلند است ،
من زادهٔ دشت های سوزانم با آتش خوگرده‌ام
سالها چون پدر خویش برخار مغیلان ره‌سپرده ایم .
از تیر و تیغ و خنجر نمی هراسم
زاده کوه را تندر دایگی کرده
چه صدایی دلم را از جا بر خواهد کند ؟
من سربازم و پدرم سرباز بود
همچون پدر خویش،
ومیهنم میهن سر بازان است
این را سکندر دید و چنگیز وآز هندان‌فرهنگ ،
وای بر من اگر بر بستر جان سپارم
بگذار خاك میهن با خون من
سیراب گردد
تاگل های آزادی شگو فا تر و ر نگین ترسرکشند .

سرباز

نیروی تان ـ باروی تان
توفنده است ، کوبنده است
بر ارتجاع
بر دشمنان خاك مان
بردشمنان مر دمان

• • •

سرباز ها ـ سر باز ها
دایم سلاح بر دوش تان
هرروز سرخ آفتاب
گاهی میان دشت ها
گاهی درون سنگزار
افتیده اید بر عزم این
از بهر امن مملکت
از بهر صلح اندر جهان

• • •

سرباز ها ـ سرباز ها
جنگ شما
جنگ نو است باکهنه ها
تاکهنه ها مغلوب شود
تانو ها غالب شود
جنگ شماست ضد جنگ
از بهر صلح جاویدان

• • •

سرباز ها ـ سرباز ها
عزم شما ، رزم شما
پاینده باد ، تابنده باد
عشق شما آمان تان

مغرور حسن

بسکه کار تیشه فرهاد رنگین آمده
هرکه بیندنقش‌اوگوید که شیرین‌آمده
سنگ برسرمیزنه‌خسروزشرم کوهکن
نقش این‌استاد کارازبسکه سنگین‌آمده
گر ندارد زلف برسر شوق پابوس‌ترا
ازچه رواز عالم بالا به پائین آمده
شوخ من‌تاریختی خون شهیدان رابخاك
حرف تیغت هرکجادیدم‌که رنگین آمده
گرنگشته مرغ دل در دام زلف اواسیر
همچوگنجشك ازچه‌روآخربه‌چینچین‌آمده
کار فرهاد محبت پیشه راخسر وچودید
گفت این تصویر زیبا سخت شیرین‌آمده
«شایق»آن مغرور حسن‌ازبسکه بدبیندمرا
قاصدی ازکوی اوپیوسته غمگین آمده

«شایق جمال»

ای هیواده

ای هیواده خما روحه ، خما تنـــه
زمازوند یی، راته گران یی‌له‌هرڅه نه !
ته سبب مـی دژوندون او دبقایی

ای هیواده!، ته خما دبـــدن‌ساه‌یی

خکه ، ستامینه به تل زړه کښی‌ساتمه
خما ژوند یی راته گران یی‌له‌هرڅه‌نه
ته میرات مونږ ته راپاتی له نیکویی

ته خما نگو دار نیانا دنیهستو یی

اوس کوو مونږ ستا دتیر عظمت پالنه
خما ژوند یی راته گران یی له‌هرڅه‌نه
افغانان دی ستا خدمت ساتی ملاتړلی

ستا په قدر ،او قیمت ښه یو هیدای

دغه خاوره به دی ساتی لـه دښمنه
خما ژوند یی راته گران یی له‌هرڅه نه

همراز

راز سر بسته

گر بود عمر بمیخانه روم بار دگر
بجز از خدمت رندان نکنم کار دگر
معرفت نیست درین قوم ، خدایاسببی
تابرم گوهر خودرا بخریدارد گـــر
خرم آن روز که بادیدهٔ گریان بروم
تازنم آب ، در میکده یکبار دگـــر
یار اگر رفت وحق صحبت دیرین نشناخت
حاشا لله که روم ازپی دلدار دگـر
راز سر بسته مابین که‌بدستان گفتند
هر زمان بادف ونی بر سر بازار دگر
هردم از درد بنالم که فلك هرساعت
کندم قصد دل ریش بـازار دگـر

باز گویم‌نه‌درین‌واقعه ، حافظ‌تنهاست
غرقه گشتند درین بادیه بسیار دگر

حافظ شیرازی

برای شما برگزیده‌ایم :

این هفته از ادبیات لهستان

ولادیسلاو ایستانیسلاو ریمونت
برندهٔ جایزهٔ نوبل

آنت‌کوا در حالیکه اشکهایی را که از شدت خشم از چشمانش فرو می ریخت ، پـاك می کرد ، روی پا های کشیش افتاد و آب مقدس را در ظرف لب پریده‌یی ر یـخت ، ظرف آب مقدس را به گوشه یی گذاشت و وارد راهرو شد .

چند نفری که همراه کشیش آمده بودند در راهرو به انتظار ایستاده بودند ،

ـ حمد بر مسیح .

ـ تا ابد الاباد .

ـ چی شده ؟

ـ هیچی جز اینکه آ مده که اینجا بمیره، پیش ما ، مالی که در حق ما تا توانسته ظلم کرده ، بیچاره من ، بد بخت من .

ـ حق اینه ، پیر مرد باید بمیره و تـــو باید زندگی کنی .

آنت کوا دو باره به گریه افتاد .

ـ مگر من و « آنتك از او نگهداری‌نکردیم، مگر برای او کار نمی کردیم ، حالا د لـــم به زحمت هایم میسوزه ، هیـچ وقت نه حتی یکدانه تخم مرغ و نه هم یك خورد مسکه را نفروختم ، یك ذره شیر را هم از بچه‌ام دریغ کردم و گزاشتم که همه را او بخورد ، برای اینکه پیر بود و پدر من بود اما او همه مالش را به دیگران بخشید. پانزده جریب ز مین ، خانه ، گاو ها و خو کها ، گو ساله هـــا و گاریها وآن همه اسباب و لوازم را ، وای بیچاره من ، هیچ عدالتی در این د نیانیست، هیچ ، آه ، آه ... بدیوار تکیه کرد وباصدای بلند شروع به گریه کرد، یکی از همسایگان گفت :

ـ گریه نکن همسایه گریه نکن، خـــدا مهـربـان است ، بـرای فقرا ، یك روز اجر ترا خودش میده ...

شوهر زن سخن او را قطع کرد و گفت :

ـ احمق ، این حرف ها چه فایده‌یی داره ، ناحق ، نا حقه ، پیر مرد می میرد و تنگدستی میمانه .

مرد دیگر متفکرانه گفت :

ـ و قتی گاو نخواهد تکان بخورد ، از جا تکان داده نمیشود .

سومی غرید واز میان دندانهایش تف‌کرد:

ـ آدم به موقعش به همه چیزعادت میکنه، حتی به جهنم .

دوباره همه ساکت شدند ، باد در را بـه صدا آورد و از میان شکاف ها برف را بکف راهرو راند ، د هقانها با سر های بر هـــنه متفکرانه ایستاده بودند و پا هایشان را بـه زمین می زدند که گرم شوند ، زنها در حالیکه دست های خودرا ز یر پیش بند های شان فرو کرده بودند ، بهم فشرده می شدند و با قیافه های صبور ، به در اتاق نشیمن چشم دوخته بودند .

عاقبت صدای زنگ آنهارا بهدرون اتـاق خواند ، همدیگر را با فشار کنارزدند و یکی یکی داخل شدند ، مـــرد محتضر به پشت خوابیده بود ، سرش کا ملا در با لشت فرو رفته و سینه زردش که پو شیده از مو های سپیدبود از زیر پیراهن بازش بخوبی معلوم میشد کشیش روی او خم شد و آبرا روی زبان بیرون آ مده اش پاشید ، همه زانوزدند، در حالیکه چشمها یشان به سقف دو خته‌شده بود و سینه هایشان بالا و پا ئین می رفت ، باسر و صدا آه می کشیدند ، زنها بطرف‌زمین خمیده بودند وصدا می دادند :

ـ ای عزیز خدا که گنا هان مردم د نیا را میشویی !

در گوشه‌یی سگ پریشان از صدای یك نواخت زنگ با بدخویی خرخر می کرد .

کشیش کار تد فین را تمام کرد و به دختر مرد محتضر اشاره کرد :

ـ شو هرت کجاست آنت کوا ؟

ـ کجـا میتانـه بـا شه عا لیجنا ب سرکار هر روزی اش .

برای لحظه یی کشیش ایستاد ، مرد نگاهی به جمع انداخت ، لباس پوست گرانبهایش را اطراف شانه اش محکمتر کرد ، اما چیزمناسبی برای گفتن به فکرش نرسید ، آ نو قت‌سرش را به طرف آنها تکان داد و در حالیکه د ست سفیـد خـود را میـداد کـه ببوسند و آنهـا جلوپای او خم شده بودند ، از اتاق بـیرون رفت .

وقتی کشیش رفت آنها بلافاصله پرا گنده شدند ، روز کوتاه ز مستانی به پایان خـود می‌رسید ، باد آ رام شده بود ، امابرف بادانه های درشت و بزرگ همچنان می بارید، تاریکی شب بداخل اتاق می خزید ، آنت‌کوا جلـــو آتش نشسته بود ، شاخه هارا می شکست و سرسری روی آ تش می ریخت .

هوا به سرعت تاریك میشد ، داخل اتاق تقریبا تاریك شده بود ، آ تش با نورسرخی سوسو میزد و زانوی زن و قسمتی از کـــف اتاق را روشن کرده بود . آنت کوا یکدفعه از جا جست واز پنجره به بیرون نگریست وبه بازار د هکده نگاه کرد ، بازار خلوت‌بود، برف انبو هی می بارید ، از فا صله‌چندقدمی

همه چیز در برف محو شده بود ، جلو بستر برای مدتی با تر دید ایستاد ، آ نو قت یکدفعه لحاف را مصمم و با خشونت از روی بـــدن پدرش بر داشت و آنرا روی تخت خـــواب دیگری پر تاب کرد ، زیر بغل های پیر مردرا گرفت واو را روی هوا بلند کرد وبلندفریاد کشید :

ـ ماگدا ، در را باز کن !

ماگدا و حشتزده از جا بر خوا ست و در را باز کرد .

ـ بیا اینجا پا هایش را بگیر !

ماگدا با دستهای کو چکش پا های پـــدر بزرگش را گرفت و منتظر ببالاتگاه گرد، مادرش

دوباره مصمم تر فر مان داد :

ـ خب بیا کمك کن که ببریمش ، این‌طرف وآنطرف را نگاه نکن ، هر چه که میگویم‌فورا انجام بده .

پیر مرد سنگین بود واز هوش ر فته ، بنظر نمی آمد چیزی از آنچه بر او میگذشت بفهمد، زن محکم او را گرفته بود و می برد ، نمی‌برد بلکه او را بدنبال خود می کشید ، چون‌دخترك در آستانه در پایش لغزیده بود و پا های پیر مرد ازدستان کو چکش ر ها شده بود ، پا ها روی برف کشیده میشد و دو شیار عمیق‌بوجود می آورد .

شدت سر ما پیر مرد بیهوش و محتضر را به هوش آورده بود ، چون در حو یلی شروع به ناله کرد و بریده بریده گفت :

ـ جو لیشا ، وای خدایا ، جو ...

ـ حق داری جیغ بزن ، هر چقدر دلت می‌خواهدجیغ‌بزن، اگر حنجرهات راهم پاره کنی کسی صدای ترا نمی شنود .

او را به آنطرف حویلی کشید و باپا در خوکدانی را باز کرد ، پیر مرد را به دا خـــل کشید وکنار دیوار انداخت .

خوك ماده خرخر کنان جلو آمد و بچـــه خوکها هم به دنبالش .

ـ مالوشا ، مالو ، مالو ، مالو !

زن در را با سر و صدا بست ، امابلافاصله برگشت ، پیرا هن پیر مرد را پاره کرد ، تسبیح دورگردن او را کشید و کندوبرداشت:

ـ حالا بمیر پیر سگ !

لگدی با کفش تلی چوبی خود به پای‌برهنه پیر مرد که از هم بازشده بود، زد و بیرون رفـت .

خو کها د نبال هم در حویلی می هویدند ، زن بهرا هرو بر گشت و به آنها نگاه کرد .

ـ مالو شا ، مالو ، مالو ، مالو !

آنتا کوا چراغ کوچك سر بخاری را روشن کرد وپشت به پنجره گردن بند تسبیح را ازهم شگافت ، و قتی چند نوت کا غذی و چندسکه روبل بیرون افتاد ، چشمهایش برق زد :

ـ پس و قتی که گفت پولی برای کفـــن و دفنش جداکرده ، دروغ نمی گفت :

پول هارا در پارچه یی پیچید و در یخن پیراهنش پنهان سا خت .

ـ ای یهود ، ای خاین انشاء الله که برای همیشه کور شوی .

نیم ساعت گذشت و آنو قت برف زیر پای کسی آهسته آ هسته راه می رفت غژغژ صدا کرد وسایه اش از جلو پنجره رد شد .

آنتا کوا کنده چوبی را برداشت وکنار در که باز مانده بود ، ایستاد ، پسری هشت ، نه ساله وارد اتاق آ مد .

ـ پسربیکاره ، در ده ساعت تیری میکنی ویك قطره آب در خانه یافت نمی شود !

در حالیکه بایکدست او را گرفته بـــود بادست دیگر پسرك را که داد و فریاد می ـ کشید، میزد .

ـ نه غلط کردم ، ننه ملایم کن ، ننه ..

زن محکمتر او را زد :

ـ چوچهٔ سگ ، نه هیزم داریم و نه آ ب وتو ایلا ، ایلا میگردی ..

عاقبت پسرك توانست خودرا از دست او برهاند، از پنجره بیرون پرید از بیرون‌بـــا صدای گرفته فر یاد زد :

ـ انشاء الله د ستت بشکند ، انشاء الله بمیری ، آ نقدر منتظر بمان تا بپوسی ، امامن آب ، نمـی آورم و بـه طـرف ده دوید .

اتاق به طورعجیبی ناگهان بی سروصداشد، چراغ سر بخاری به پت پت افتاد ، د خترك هق‌هق میکرد .

ـ تو دیگه چرا گریه میکنی ؟

ـ ننه ، اره .. اوه .. بابه کلان .

دخترك گریه‌کنان روی زانوی‌مادرش خم‌شد.

ـ « بس کن دخترك ا حمق . »

طفل را روی دا منش گرفت و به خو دش فشرد و شروع کرد به نوازش او ، د خترك هذیان میگفت ، به نظر می آمد که تب دا رد، چشمهایش را با دست های کو چکش ما لید وبه خواب رفت ، باز هم گاه گاه هق‌هق‌میکرد ومی لرزید .

لطفا ورق بزنید

طولی نکشید که شوهر آنتا کوا به خانه برگشت ، مرد تنو مندی بود و پو ستین بتن داشت و شالی به دور کلا هش بسته بـــود ، چهره اش از سر ما کبود شده بود ، بروتش از قشری یخ پوشیده بود ، مثل یك جارو .

آنتا کوا ظرف پر از کلم را از روی آ تش برداشت و جلو شو هرش گذاشت تکه نانی برید و با قاشق به او داد .

مرد مدتی به دور و بر اتاق نگاه کرد و بعد پرسید :

ـ پیر مرد کجا ست ؟

ـ کجا باید باشه ، در خو کدانی ..

مرد نگاه پرسنده‌یی به او انداخت .

ـ فکر کردم اینطور بهتره ، چرا بستر ها وملافه هایمان را چتل سازیم ، مگر او چیزی برایم گذاشته ؟ اگر قراره همه چیز هـــا نصیب جو لینا شوه موا ظبتش را هم او بکنه، پدر من نیست ، پیر مرد حقه باز .

شوهر دود سگرتش را بلعید و به وسـط اتاق تف اندا خت .

ـ اگر همه چیزش را به جو لینا نمی‌بخشید حالا می توانستیم یك اسپ داشته با شیم و سه گاو شیری ، تف ، چوچه سگ .

زن از جا برخواست و بچه را روی بسترش گذاشت ، بسته کهنه یی را از یخنش بیرون آورد و در دست شو هرش گذاشت .

مرد بسته را باز کرد ، چهره اش حا لت آزمندانه‌یی یافت ، برای پنهان کردن پـــول تمام قا متش را به جلو خم کرد و دو بارآنرا شمرد .

ـ چقدر است ؟ « زن حساب را نمی‌دانست»

ـ پنجاه و چهار روبل .

چشمهای زن درخشید ، د ستش را جلـــو آورد و پول ها را نوازش کرد ، مردپرسید:

ـ از کجا گیر آوردی ؟

ـ از کجا ؟ یادت می آید پار سال پیر مرد می گفت که پول کفن و د فنش را جدا کرده

ـ بلی همین طور گفت .

ـ به تسبیحش دو خته بود و من آنرا از گردنش کندم ، نباید چیز های مقدس را در خوکدانی میگذاشتم .

شوهر با خو نسردی جواب داد :

ـ پول از خود ماست ، از آن همه حداقل این یك ذره اش بما میرسه ، بگذار روی‌پول های دیگر ، به آن ا حتیاج داریم ، همین‌دیروز بود که « آسمو لتز » بمن گفت اگر هزارروبل به او قرض بد هم در عوض پنج جریب ز مین شخم زده نزدیك جنگلش را به گرو من می ـ گذاره .

ـ این همه پول داری ؟

ـ فکر میکنم در همین حدود داشته باشم .

ـ و حالا که بهار آمد تو خودت ز مین را میکاری ؟

ـ بلی ، اگر پولم هم کافی نباشد ، ماده خوکرا میفروشم و زمین را گرو می گیرم ، چون دیگرهیچ وقت او نمیتانه زمین را از گرو من خارج سازه و اضافه کرد :

ـ با او قرار داد می بندم که اگر در مدت پنج سال ز مین را از گرو بیرون نیاره، زمین ملك شخصی خودم شوه .

ایگناتس با احتیاط به درون اتاق خـــزید، کسی خشمی به او نگرفت ، همه ساکت بودند ودر اندیشه های دور و دراز خـــود غوطه ور بودند ، چند لحظه بعد و قتی که زن ازگذاشتن پول ها در جای مخصو صی آرام شد همه به خواب ر فتند و در همانحال پیر مرد مرده بود، خوکدانی ا تا فکی بی حفاظ بود ، کسی صدای لرزان تا ا مید او را که طلب رحم می کرد ، نشنید ، کسی خزیدنش را به طرف در بسته ندید و ندید که با چه تلاش فوق بشری ازجا برخواست و کو شید در را باز کند، ا مـــا نتوانست و در همانجا پشت در بسته‌خوکدانی بانا امیدی افتاد و مرد .

روز بعد پیش از بر آمدن آ فتاب زن‌وشوهر از خواب بیدار شدند ، او لین فکر شان ایـن بود که چه بر سر پیر مرد آ مده است ، مرد رفت که‌نگا هی بکند ا ما نتوانست درخوکدانی را باز کند ، جسد پشت در افتاده بود ، بـــا زحمت ز یاد مو فق به گشودن در گشت ، اما بلا فاصلـه باترس فراوان بیرون آمد، باشتاب خودش را به اتاق نشیمن ر ساند و در حالیکه رنگش پریده بود و تمام بدنش می لرزید.

در آن لحظه ز نش به دختر کوچك خـــود نماز یاد میداد:

ـ « ارادهٔ تو کرده شود . »

بادیدن شو هرش با عجله پرسید :

ـ خوب مرد ، روی زمین در خوکدانی ؟

مرد جوابداد :

ـ به طور حتم مرده ، پشت در ، شایدبهتر باشد بیاریمش اینجا .

زن غرید .

ـ چه حرفها میزنی ، بگـذار همانجا بگنده ، مگر ما مجبوریم خرج کفن و د فنش‌رابدهیم‌و...

شوهر سخنش را قطع کرد : .

ـ احمق او باید دفن بشوه باید از آنجـا بیرونش بیاوریم .

ـ خوب ، برو بیرو نش بیار !

ـ خیلی خوب ، ا ماتاریکیست ، هـــن می تر سم .

ـ اما اگر صبر کنی‌هوا روشن شوه‌همه‌مردم می بینن ، می فهمن .

ـ مرد فریاد کشید : این کثافت‌پدرتوست، نه‌پدر من .

باخشم از اتاق خارج گردید ، زن نیـــز بی‌آنکه چیزی بگوید بدنبال او ر فت . وقتی به خوکدانی داخل شدند ، وزشی از و حشت مانند بویی که از مرده بر خیزد در فضا موج زد، پیر مرد در آنجا افتاده بود، سر مانند یخ ، نیمی از بدنش به زمین یخ‌زده‌بود ، آنتاکوا بادیدن این منظره به شدت ترسید ، چشمهای باز مانده ، در نور تیره صبحگا هی، باپوشش سفیدی از برف و صورت درد زده، بازبان بیرون افتاده و دندانهای قفل شده‌قیافه هول انگیزی پیدا کرده بود ، لکه‌های کبودی روی پوست بدنش دیده میشد و سر تا پا از کثافت پرشده بود ، مرد در حالیکه روی‌جسد خم شده بود ، آهسته گفت : بگیرش !

آنت کوا چشمهایش را بست و پیش از آنکه پای پیر مرد را بگیرد ، د ستهایش را باپیشبندش پو شاند ، او را به زور از زمین بلند کردند و روی یك چوکی شکسته گذاشتند وبعد به کمك هم به اتاق نشیمن بر دند، زن نفس ز نان گفت :

ـ باید کسی را پیدا کنیم که او رابشویه!

ـ درست است ، میروم « کرو گنگی » را میارم .

همینکه هوا روشن شد ، انتك را عقـــب کروگنگی فرستادند ، یکساعت بعد مرده‌شست وشوی گردید و لباس پوشانده شد ، شمعدان مقدسی را نیز بالای سرش گذاشتند ، آنوقت انتك رفت که مرگ پدر بزرگ را به اطلاع کشیش ر ساند و ضمنا بگوید که آنها قدرت پرداخت مصارف کفن و دفن را ندارند، هنوز غروب نشده بود که « تو ماك » داماد دیگر زیر تاثیر گپهای مردم اعلام کرد حاضر است خرج‌کفن و دفن خسرش را بپر دازد .

روز سوم کمی پیش از مراسم کفن و دفن، زن تو ماك نیز آمد و در را هرو سینه‌به‌سینه باخواهرش برخورد کرد ، آنتا کوا که درحال بردن یك سطل آب به گاو دانی بود ، سطـل را به زمین گذاشت و گفت :

ـ بالاخره پیدا شدی ، شاگرد شیطان، تو که خودرا ازشر پیر مرد رهاندی ، چطـــور جرئت میکنی پای در این خانه بگذاری ، مگر آمده‌یی لباس های کهنه اش را ببری ، مرده خوار !

ـ «تومه کوا » به آرا می جواب داد :

ـ عقب پو ستینش آمده ام ، من آ نراباپول خودم خریده بودم .

آنتا کوا با خشمی دیوانه وار فریادکشید :

ـ پوستین را می‌خواهی ؟ حالا بـرا یـت نشان می د هم .

وبعد باو ضعی تهدید کننده عقب چیز ی گشت تا او را لت وکوب کند به گپ هـایش ادامه داد :

ـ میخوا هی که ببری راستی که پر روی ، چقدر بوت پاکی کردی و تملق گفتی تا همه چیزش را بتو بخشید و به حق من ظلم کرد و آنو قت ...

ـ همه می دانند که ما ز مین از او خریدیم، تمام مردم ده شا هدند .

ـ از خدا شرم نداری که این همه د ر وغ میگویی ، تو دزد ، توسگ بیشرف ، تـــوو شوهرت پو لهایش را دزدیدید و بعد هم‌آنقدر چاپلوسی کردید که او پانزده جریب ز میـن وتمام ثروت خود را به شما بخشید .

ـ پوزه ات را ببند و گرنه من برایت‌میبندم پست احمق !

ـ تو پوزه ات را ببند ، چوچه سگ .

وبعد به جان هم افتادند ، از موی‌هم‌کشیدند ودشنام گویان همدیگر را تاسر حد مرگ لت وکوب‌کردند تااینکه مرد ها به زور آ نها را از هم جدا سا ختند ، با چهره های کبود ، پراز خراش و شبیه به عفریت های‌جادو گر .

آنتا کوا از خشم و درماندگی بـه گـریـه افتاد ، موهایش را میکند و شیون می کرد :

ـ خدایا ، خدایا ، مریم مقدس ، به ایـن زن‌نفرین شده نگاه کن ، لعنت به این کافرها، وای ... وای ...

در همان لحظه تومه کوا در بیرون خانـــه فریاد میزد ، نفرین می کرد و مشت به د ر می کوبید تماشاگر ها می کوشیدند آنها ر ا آرام سازند و پند د هند .

عاقبت کشیش وارد شد ، تابوت را ازاتاق بیرون آوردند و درگادی گـذاشتند ، و قتـی جمعیت به سوی گو رستان روانه گردید، زنان به‌نوحه سرایی پر داختند بچه های‌خرد بانگاه مشتاق از عقب پنجره های بسته به بیرو ن نگاه می کردند ، در کنار آ نها پیر مرد هـای بی دندان که چهره هایشان مانند مزرعه‌درپائیز پرشیار بود ، دیده میشدند .

جمعیت کمی از اطفال باتنبان های کر باسی ونیم تنه هایی آ بی که دگمه های برنجی‌داشت باپا های بر هنه‌یی که در کفش های چو بی قرار داشت ، دنبال کشیش می‌دویدند، بـــه تصویر بهشت و دوزخ چشم دوختـه بـودند وبر گر دانهای سرود را با صدای نازك‌ولرزانی می خواندند .

دو خواهر نزدیك بهم ، عقب تابوت راه می‌ـ رفتند ، دعا را زیر لب ز مزمه می کردند ، و بانگاه های پر از خشم به همد یگر میدیدند.

سرود لا تینی به آخر ر سیده بود، ز نهابا صدای لرزان به خواندن این سرود قـــد یمی پردا ختند :

ـ آ نکه قرین ر حمت پر ورد گار است.»

صدا قدرتـی نداشت ، باران بـرخـاسـتـه بود، نمی گذاشت صدا ها به اوج خودبرسد، هوا آ رام آرام تاریك میشد ، باد توده هـای برف را از دشت های بی آب و علف می آورد وتنه عریان درختان را می پوشا ند، سرود ادامه داشت:

« و کلام او را دوست دارد و در قلبی پاك نگه میدارد . »

وقتی مردم بانگرانی به فضای سفید خا لی نگاه می کردند و آواز شان پیاپی قطع میشد، وقتی با هوهوی گرفته یی در فضا می پیچید، انگار فضا به حرکت می آمد ، مثل حصارهای عظیم بالا میرفت و گا هی مثل آواری فـــرو می ریخت ، هزاران سوزن تیز را به چهره عـزادار ها پر تا ب میکرد ، بیشتر آنها از ترس زیاد شدن سوز سر ما و برف از میان راه برگشتند ، بقیه باشتاب بسیارتقریبابسوی

بقیه در صفحه ۳۸

از رووف راصع :

بررسی مجلات تازه کشور

«صحت» تولدی تازه در مطبوعات ما

یکی از خصوصیت های عمده وویژگی‌های خاص کشور های عقب نگهداشته شده کهسده های فراوانی رادر زیر ضوابط استثمار گرانه خان سالاری زیسته وزیر فشار های گونه‌گون اقتصادی واختناق سیاسی ، از باروری و شکوفایی در روندزندگی اجتماعی بدور مانده اند ، این است کـــه سلطه ها ی جابرانـــه وظالمانه توده های وسیع انسانی را در بیداد فقر غوطه ورساخته وامکان هر گونه فعالیت جمعی سازنده را به منظور تحقق آرمان های والای انسانی در جهت رشد و انکشاف جامعه ودر رخ های سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی‌و اقتصادی از آنان سلب داشته است •

شرایط نا هنجار وضد منافـــع ملی ،عدم مناسبات عادلانه تولیدی وپا یمال گشتن‌تمام حقوق طبقات رنجبر و زحمتکش به وسیله اقشار و طبقات حاکم‌ازیکسوزمینه های چپاول و غارتگری سرمایه‌های‌ملی رابه وسیله صدر نشینان حاکم مساعد گر دانیده واز سوی دیگر توانایی های تولیدی کار گران و دهقانان را که اکثریت فیصد جمعیت هارا دراین جوامع تشکیل میدهند مورد بهره کشی قرار داده ودر نتیجه زمینه های فقر ، بیماری ، بیکاری و بیسوادی را هر روز بیشتر بسط وتوسعه داده است •

عدم تامین صحی همگانی ، عدم موجود یت سازمان های وسیع و قایوی که در عمل گرد توانایی پیشگیری امراض رادریك سطح‌ملی دارا باشند وعدم توازن توزیع خدمات صحی در میان توده های میلیونی ونحوه تقسیم‌خدمات به گونه انحصاری وبه تلع اقشار بالایی‌همه در مجموع حجم بیماری های ساری وغیرساری رادر میان کودکان ، زنان و مردان رنجبر و فقیر افزایش داده و جامعه را رنگی بیمار گون زده است • چنانکه هر سال بیش از گذشته تلفات جانی را متوجه آن میسازد .

نگرشی هر چند کوتاه وشتابنده به شرایط خاص کشور مـــا نیز کـــه کشوری اســـت عقب نگهداشته شده به وسیله نظام های فاسد و ضدملی سالارمنشی‌خانی‌گذشته، گویای این واقعیت‌درد ناك است که شیوع بیماری های کشنده ساری ، موجود نبودن امکانات گسترده و شرایط پیشگیری آن وعدم‌توانایی مهار کردن امراض مدهش و کشنده چـــون میراثی شوم برای ما باقی مانده ودر برابر ما قرار دارد •

به گونه یی که کشور مارااز نظر تامینات صحی در سطح پائین ترین وپسمانده ترین کشور های حتی عقب نگهداشته شده قـــرار میدهد •

هر چند ما تاکنون فاقد موسسات آمارگری واحصائیه سازیی میباشیم که بتوانند آمار و ارقام دقیق میزان هاو تناسب هارا در ابعاد زندگی اجتماعی به تعیین گیرند ، امااحصائیه های ناقص این مطلب را باز گو میکند کهدر هـــر مـــا د ر ا فغـــا ن در مـــدت زندگـــی طبیعی خود دریك حداوسط نه‌طفل زایمان‌میکند امادر موقع مرگ بیش ازپنج فرزند ندارد ،به معنی دیگر از هرنه کودك ما چهار آنان پیش ازرسیدن به سن مکتب میمیرند ، در حـــالیکه اگر شرایط وقایه وپیشگیری بیماری های‌ساری وواگیر وجود داشته باشد ، همه آنان میتوانند زنده مانند •

همین احصائیه هاکهشاید اگر دقیق ترتهیه گردند مارااز حجم و سیعتری از معایب آگاهی دهند بر اساس این آمار یك مادراز شش مادر یادر دوران بار داری و شیردهی میمیردو یااغلب به فقر غذایی مصاب میگردد که اگر توزیع خدمات حمایه طفل و مادر تنظیم گردد و مواد غذایی لازم در زمان بار داری و شیر- دهی به مادر برسدوخدمات نرسنگ وقابله‌گی برای همه درده وشهر میسر گردد ، این‌تلفات میتواند در حد نزدیك به صفر کاهش یابد•

در پهلوی این معایب ،توبر کلوز وامراض دیگر زاده فقر که بیشترمولود شرایط ناهنجار اقتصادی ، عدم شرایط تامین حفظ الصحه فردی و اجتماعی و محیطی وعدم امکان‌استفاده از دساتیر صحی‌وعدم‌آگاهی از تعلیمات صحی میباشد هر سال هزاران کشته و قربانی را تحویل جامعه میدهد وامراض ساری دیـگر نیز به همین ترتیب کودکان مارا و مادران مارا درو میکند •

این درست است که برای بوجود آوری تامینات صحی،برای‌توانایی یافتن به‌پیشگیری ووقایه امراض روبالخصوص امراض ساری از یکسو به کدر های مجهز طبی نیاز دارم که تهیه آن خود نیاز مند به فکتور زمان است واز سوی‌دیگرسرمایه گذاریهای‌هنگفتی‌راایجاب میکند تاتامین خدمات صحی‌وتوزیع عادلانه‌آن‌در هر گوشه وکنار کشور میسر گردد که اگر هم عمه این امکانات و شرایطسازندگی گردد،

اما مردم از حداقل آگاهی های صحی و تعلیمات صحی‌برخوردارنباشند باز هم‌ضایعات وتلفات فقط اندکی کاهش خواهد یافت‌ودر - گیری مردم به عنعنه های خرافی موجیب‌میگردد که گرایش بیشتر به طب بومی و غیر علمی داشته واز طبابت مدرن‌و دساتیر آن درزندگی خود استفاده نبرند •

این واقعیت است که وقایه بهتر دارران‌تر از تداوی است اما برای اینکه این واقعیت مورد پزیرش جامعه قرار گیرد مردم بایداز حد اقل آگاهی صحی بر خوردار گردند ، باید بدانند که چه بخورند ، چگونه بخورند و کی بخورند ، باید به پاك نگهداری محیط زیست باور کنند ، باید راه های آسان جلو گیری از انتشار میکروب هارا بفهمند وباید بدانند که در چه شرایطی میکروب میتواند تکثرکند ودر چه شرایطی نابود گردد و خیلی دانستنی های دیگر را نیز در همین زمینه فرا گیرندکه برای رسیدن به چنین هدفی وسایل ارتباط گروهی ودر شرایط کشور ما که بیسوادی عام است رادیو بیش از همه نقش دارد •

برای تحقق تعمیم صحت وبرای آگاهی‌دهی زمینه های وقایوی باید نشرات فراوان صورت گیرد و مسایل در زبان ساده باپوسترها پا مفلیت ها، لیف لیت ها، مجلات و جراید فلم های مستند و آموزشی وهروسیله مفید دیگر توضیح گردد و هم چنین سطح آگاهی‌ودانش پرسونل طبو صحت عامه هر روز بلند برده شود تا آنها بهتر بتوانند مفاهیم صحی را به مردم بیسواد و کم سواد انتقال دهند ، باید کار کنان صحت عامه رهنمایی شوند که‌به‌جمع آوری احصائیه هاو آمار دقیق در هر کجایی که وظیفه دارند و پیرامون مسایل گونا گون طبی ودر ارتباط عقاید مردم بابیماری هامعلومات وموادی تهیه وترتیب دارند تااین معلومات در تحقیقات علمی‌وریسریچ های موردضرورت طرف استفاده قرار گیرد .

«صحت» مجله سه ماهه تازه یی هست که به عنوان ارگان مرکزی وزارت صحت عامه تازه به نشرات خودآغاز کرده و نخستین شماره آن اخیراً به قطع‌متوسط در یکصدودو صفحه از چاپ بر آمده است ، این مجله با اهداف نشراتی مشابه چند سال درخدمت

بقیه در صفحه ٤٥

از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

منصور حلاج

« منصور وار گر ببر ند م بپا ی‌دار
مردا نه جا ن دهم که جهان‌پایدار نیست .»

این منصور حلا جی که همه اسمش را شنید ه ایم و شعرا و عرفا ی ما آن همه در حق او سخنان بلند گفته اند ، کیست ؟

تصو ر نمیرود که از صد نفر ما یکنفر باشد که بتواند باین سوا ل جواب صحیح ومقنعی بدهد. یك‌نفر از مستشر قین فرانسو ی مو سو م به ما سینیون پس ا ز زحمات بسیار و تحقیقا ت و پژو هش های بیشمار و مسا فر ت دو ر ودرا ز به بغداد که شهادتگا ه حلاج است چند کتا ب در با ب منصور حلاج تالیف نمود ه که بطبع رسید ه است وبلا شك تاکنو ن بدان شر ح و تفصیل و دقت و تحقیق کتاب‌جامعی نه در عر بی و نه فارسی و نه د ر زبان های فر نگی نو شته شده است . از این رو اطلا عات ذ یل را از هما ن کتا ب پرو فیسو ر ما سینیو ن در تر جمهٔ حا ل حلاج نقل می نما ییم :

حلاج مرد مجذو ب و دلبا خته ای بود که درراه عقیده پاك و بلندخود غایت مجا هد ت رابه منصه ظهور رسانید و در ترو یج آ ن چه در وطن خود و چه در اطرا ف جهانی که در آ ن تاریخ بدا ن دستر سی بود ه ز حما ت و مشکلات بی نهایت متحمل گردید و بیش ا ز آنچه بتصور آید از دست تعصب و جهل وبد خوا هی هم کیشا ن‌وهموطنا ن خود عذا ب و مصیبت دید و عاقبت پس از هشت سا ل حبس متوالی در زندا ن های کثیف و تا ریك بغداد بالاخر ه در بالا ی دار درکمال مردانگی و شها مت جا ن دادچنانکه حدیث آ ن هنو ز ورد زبا ن خاص وعا م و ضرب المثل جانفشا نی مردا نه است . حلاج ما نند عیسی مسیح و همنا م خود حضر ت ابا عبدالله الحسین و جانبا زا ن‌بزرگ دیگر با شها مت و شجا عتی‌که مافو ق آن تصو ر پذ یر نیست جا ن داد و صدا ی حقا نیت خودرا بگو ش عا لم و عالمیا ن رسانیدولی اگر شهر ت آنانرا نیا فت حقا که تقصیر ی بر او وارد نیست و اگر تقصیر ی در میا ن باشد با تاریخ است .

اینك و قایع عمد ه ز ندگا نی حلاج با تعیین تاریخ آ ن :

اسمش ابو عبدالله حسین پسر منصور از اهل بیضا ی فارس ودر همان نزد یکی بیضا در حدو د سنه ۲۴۴هجر ی بدنیا آمد ه است و لی تربیتش در عراق در شهر واسط بود ه است .

در حدو د سنهٔ ۲۶۰ که شانزد ه ساله بود به‌شاگرد ی بخد مت سهل بن عبدالله‌تستر ی از مشاهیر ومشایخ و صو فیا ن در آمد و در هما ن تستر دوسا ل بخد مت و تحصیل علم مشغو ل بود .

در حدو د سنهٔ ۲۶۲ در بصر ه بخد مت و شاگرد ی عمر والمکی که او نیز از صو فیا ن و مشا یخ بزرگ است در آمد و هجده ما ه خد مت نمود و در همان مد ت‌دختر یکی از مشایخ دیگر را مو سو م‌به ابو یعقو ب الا قطع بز نی گرفت .

درسا ل ۲۶۴ در بغداد بخد مت جنید بغداد ی معرو ف در آمد ودر شمار ه صو فیا ن به حسا ب آمد.

در حدو د سا ل ۲۸۲به مکه مشر ف گردید و یك سا ل تما م در آنجا به گو شه نشینی تجر د بسر برد و در حین مرا جعت‌از مکه با ابرا هیم خواص در کو فه و با جنید در بغداد مباحثا تی دارد که مشهور است .

در حدو د سنهٔ ۲۸۴از صو فیا ن برید ه دوسا ل تمام در تستر انزوا اختیا ر نمود . از حدو د۲۸۶ ببعد مد ت پنج سا ل به مسا فر ت در خراسا ن و فارس پردا خت و بوعظ و تبلیغا ت مشغو ل گردید و به حلاج معرو ف شد و به تالیف وتصنیف پرداخت .

در ۲۹۱ دو م بار به مکه ر فت (از راه بصره) .

در حدو د ۲۹۲ باعد ه ا ی ا ز معاریف اهوا ز ساکن بغداد گردیده یکسا ل در آنجا اقا مت نمود .

در حدو د ۲۹۳ از را ه دریا به هندوستا ن واز هند به ترکستا ن رفت و همه جا بمو عظه و تالیف مشغو ل بود .

در حدو د ۲۹۴ سو یمین بار به مکه ر فت و در آنجا اقا مت‌نمود .

در حدو د ۲۹۶ به بغداد مراجعت نمود ه و در مسا جد و مجا مع بنا ی نطق‌و خطا به های عمو می‌را نهاد .

در حدو د ۲۹۷ ابن داود اصفهانی فتو ی بر ضد او داد و حلاج‌دستگیر گردید ه بتو فیف در آمد .

در ۲۹۸ از حبس گریخته مدتی مخفی بود و در همان حا ل‌شاگردش ابن بشر مورد تعقیب متعصبین واقع گردید .

در ۳۰۱ دو مین بار دستگیر شده مورد استنطا قها ی مفصلی وا قع گردید و سپس د ر بغداد در حضور ابن عیسی و زیر او را محا که نمودند و سخت شکنجه و عذ ا ب دادند و عا قبت محکو م شد به‌هشت سا ل حبس و لی در زندان هم دست از عقا ید خود و ترو یج آ ن بر نداشت وچو ن رفته رفته طر ف دارا نی پیدا کرد و مخصوصا د ر دربار خلافت چندتن از اشخا ص متنفذ به حمایت او برخا ستند ا زنو درسال ۳۹۰ ، اورا باز محا که نمودند واین محا کمه هفت ماه طو ل کشید و در روز هجد ه ذی القعد ه هما ن سا ل فتوا ی قتل او صا در گردید . از طر ف سه تن از علما ی مشهور آ ن عهد و چهار روز بعد امر خلافت نیز در قتل او صادر شد و در روز بیست و چار ذی القعد ه ۳۰۹ در جلو ز ندا ن بغداد او رااول حد زدند و دست و پایش رابریدند وبعد بدار کشیدند در صور تیکه در همان حا ل باز آواز«انا الحق » از حلقو م او بیرو ن می آمد.آنگاه جسد او را از دار پا یین‌آو زد ه سرش را بریدند و تنش را سو زا ندند .

شیخ عطار که او نیز در ست ۳۰۹ سا ل بعد از آ ن در سا ل ۶۱۸ در فتنهٔ چنگیز بشها د ت‌رسید در فصلی که در کتا ب « سی‌فصل» خود در با ب « تو صیف انسان‌کامل ووصول به آ ن مقا م دارد »منصور حلاج را نمو نه انسا ن کا مل معر فی نمود ه و در حق او چنین سرود ه است .

تولد دیگر

آنها که راهی ،
بسوی فردا های روشن
وتك رواندیشه امروز ما بودند .
فکر و عقیدت شان
بفرو غناکی یك خورشید !
از جنگل تاریك وانبوه عقیدت ها .
بدرخشیدن آغازید ،
وبه پنجرهٔ فکر انسان ،
نور پا شید !

-۲-

وانسان ...
به امید فردا ،
فردای روشن و آزاد .
که فشار زمان از پشت بود ،
به نیروی جمعی در آمدند
تاجها نرا زیستگاه باهمی سازند .

-۳-

و امروز ....
انسان عصر نوین
با آفریدن اسطوره خویش ،
فراتر از مرز زمانها ومکانها
عروج می‌کند !

-۴-

زیرا که ...
سالها قبل از بطن زمان
که آبستن تولد دیگر بود !
حماسه انسان تولد شد !!
(کابل ۹ جدی ۱۳۵۹)
دستگیر نایل

اگر پر سی که منصو ر ا زکجا رفت
چـر ااسرا ر پنها ن بر ملا ر فـت
چو شد منصور ما مو ر شریعت
به معنی‌دید اسرا ر حقیقـــــت
مرید حضر ت صا د ق بجا ن‌بو د
ثنـا ی‌حضر تش و رد ز با ن بـود
ز جعفر دید انـوار معـــانـی
بـروشد کشف اسرا ر معا نـی
ز سر و حد ت حق گشـت‌آگا ه.
وجو دخو یشتن بر دا شت ا ز را ه
بکلی گشت فا نی د ر ر ه‌حق
زبا نش‌گشت گو یا در انا الحـــق
شنا سا شد بنور خو یش‌آنگا ه
بسو ی‌بحر و حد ت یا فـت او راه
بدر یا باز ر فت و همچـــواو شد
باول‌بو د و در آخر هم او شـد
زجعفر میشنو د اسـر ارمنصور
بدوگفتاز جـا هـل دار مستور
نداند جا هل اسرار ولـــی‌را
بـــه‌غفلت میرود را ه نبـــی را
به آخر آشکارا کـــر داسرار
ببردندجا هلا نش بر سـر دا ر
شنید ی جا هلا ن با او چـه‌کردند
بنـادا نی بدا ن حقگو چه کرد ند
اگر من باز گو یم ای بـــراد ر
جها ن‌زیر و زبر گردد سرا سـر
تو در د ل عشق چو ن منصو رمیدار
که تـاگو یی انا الحق بر سـر دا ر
شو ی اندر حقیقت همچـومنصو ر
انـاالحق گو یی و گرد ی همه‌نور
حجا ب خو یشتن از را ه کن‌دو ر
که تاگردی بمعنی همچو منصـو ر
شنید ی تو که با منصـورحقگو
زنـادانی چهـا کرد ند بـا ا و
شد ه بود از دو عالم بـرکرانه
نمـی‌دانست جزء حق آ ن یگا نـه
بر آو رد از و جود خو یشتن‌گرد
سجو ددر گه حق را چسا ن کـرد
وباز عطار در جا ی دیگرفرموده:
چو ن شد آن حلاج بردا رآن‌زمان
جز انـاالحق می‌نر فتش بر زبـا ن
چو ن ز با ن او همی نشناختند
چـا ردست و پا ی اواندا ختنـــد
زرد شد چو ن ریخت از و ی‌خو ن بسی
سر خ‌کی ماند در آ ن حا لت کسی
زود در مالید آن خور شیـدرا ه
دست‌ببر یدَ ه برو ی همچو مـا ه
گفت چو ن گلگو نهٔ مرد است‌خو ن
روی خودگلگو نه تر کرد م کنـو ن
تانبا شم ز رد در چشـــم‌کسی
سرخ‌رو یی با شد م اینجا بســی
هر که را من زرد آ یـم د رنظر
ظـن‌برد کا ینجا بترسید م مگـر
چو ن مرا از تر س یکسر موی نیست
جز چنین‌گلگو نه اینجا رو ی نیســت
چو ن جهانم حلقهٔ میمـــی‌بود
کـی‌چنین جا یی مرا بیمی بـو د

م . ایوب . اعظمی «پتنوال»

دمبارزی سنگر

ای زمونږ د مبارزی سنگره!
ای زمونږ د خلکو دنیکمرغی‌سرچینی!
په تا کی ډیر پیاوړی ځوا نان‌جنگیږی!
په تاکی ډیر سرو نـه قـربان‌شویدی !
ته زمونږ د هدفونو د بر یالی‌کیدو لاره یی !
ته زمونږ د خلکوددردو نو دوایی!
تا ډیر ځوانان د مبارزی د پاره‌روزلی دی !
ته زمونږ د قهرمانانو ځانگو یی!

• • •

تا د مبارزی پ ه ډگر کی ډیـرقهرمان ځوانان له لاسه ور کړیدی.
تا ډیرو ځوانانو ته د ثبات اومقاو مت شیدی ور کړیدی .
تا هغوی د غیرت په ناز ناز ولی‌دی .
تا ډیر قهرما نان ، په قهرمان‌ویاړهدیرو ته لیږلی دی .
او هغوی ته دی همیشنی ویاړورپه بر خه کړی دی .
تا هغوی ته د وطن دمور د غیږی‌دسا تنی ، روحیه وربښلی ده .
تا هغوی ته وسله په لاس ،د هیواد ځخه د دفاع،او د انقلاب ضد، دله منځه وړلو در سو نه ور کړی‌دی .

• • •

همدا ته وی چی استعمار گـر،انگریز ته دی درانده گذا رو نـه ورکړل .
همدا ته وی چی، د میو نـدپه سخت ډگر کی بر یا لی شو ی.
او داته یی ، چی اوس امریکا یی‌امپریا لیزم ، چینا یی هڅمو نستا نو او د هغوی ملگروته د تاریخ درسونه‌ښایی !
په تا کی زمونږ د بر یا لیتوب‌کار نامی ښکاری !

• • •

ای زمونږ د عادلانه مـبا رز ی‌سنگره !
ته‌تل پیاوړی او بر یا لی یی!
ستا عادلانه اهداف به زمونږ په‌سرو وینو عملی کیږی !
ستاد امید نوی گلان به لاتا زگی‌ومومی !
مونږ! په خپلو وینو ستا کرل‌شوی گلو نه او بوو !
ته قهرما ن یی !
ته بریا لی یی !
ته‌پیاوړی یی !
ته پر مخ ځی !
اولا پر مخ ځی د نوی ژو نـــددسبا وون په لور ! ....

از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

بقیه صفحه ۲۵

مروری بر...

امروز را آنهم به گونه‌ی موافق آ ن نمی توان بی ارتباط به شعر دیروز سرود ، سراینده‌ی که به جر یان ها ، سبك ها و شیوه های شهر کهن دری آشنایی ندارد نمی توانـد شعر زمانه‌ی ما را که شعر عصیان است شعر بیداری و پر خاش است قطعات‌زنده مرده‌گان همه‌خوابندبلارد بلاناله‌ی زولانه، آیین‌گردون، داغ‌ـ عشق ، تا بکی ، هر قدر رنـج دانشمند ، ابله‌ی پا ، عید من پیام ما مرگ شاعر ، در وزن های غـزل مثنوی ،چار پاره ،مسدس سر وده شده اند . در قطعه‌ی بی پرده جلوه کن که خطاب به زنان کشور است و در سال ۱۳۳۵ سروده شده شعـر وزن معمول دری را می شکند و از وزن آزاد استفاده می نماید . مـی خواهد سخن دل واحسا سات خودرا بدون قید و بند های قافیه وردیـف بیان کند ، در این قطعه شاعر زنان کشور خود را به سوی کار،به سوی مبارزه و به سوی انقلاب دعوت می کند . او به این عقیده است تا وقتی که زن از اسارت های خانوادگی و اقتصادی نرسته است و در رونـد تولید و چرخ تکامل اجتماعی سهم نگرفته آزادی تام و تمام ندارد .او می خواهد که زنان با سلاح اندیشه و دانش که قاطع ترین حربه هاست مسلح شوند . از صفحه‌ی ۵۰ تا ۵۸ نیز با شعر هایی بر می خوریم که اوزانی کهن دارند اما دید گاهـی تازه ای را ارائه می کنند .

قطعه شبستان قبرها که ازقطعات معروف شاعر است و در وقت آ ن جایزه ادبی رحمن بابا را گرفته نیز در این مجموعه آمده ، این قطعه نیز قالبی آزاد دارد . در مجموع کتاب شهر حماسه آمیزه‌ای است از شعر های آزاد و شعر های دارای اوزان کهن ، اما آنچه گفتنی است اینکـه شاعر ازهرقالب و روشی که‌استفاده کرده است درد زمانه‌ی خود ، نیاز روز گار خود را بازتاب داده اسـت اگر از چند مورد اندك بگـذ ریم، کتاب بی غلط چاپ شده اسـت ، صفحه‌ی اول‌و چهارپشتی‌با تصویری از کار های نقاش معاصر یوسـف کهزاد اراسته که بر زیبایی کتاب‌می افزاید و همچنان طرح ،دیزایـن ، صفحه بست، نقطه گذاری طرزقرار گرفتن عنوان های کتاب جالب مـی توان گفت که در کشور ما بی سابقه است تا پیش از این مجمو عه شعر های‌که چاپ شده است درآنها این همه کوشش‌و دقتی که‌در این‌مجموعه به‌کاررفته است رعایت نشده‌است‌و می توان این شیوه مورد استفاده و پیروی در آینده قرار گیرد به امیـد پیروزی هر چه بیشتر شاعر وتدوین کننده کتاب شهر حما سه

بقیه صفحه ۱۱

طفل وقانون...

سیمینا ر طفل و قانو ن را چگو نه به بررسی میگیرد و چه نتایجی را از آن انتظا ر دارد ، میگو ید :

ـبعد از پیروز ی مر حله نوین و تکا ملی انقلاب ثور دز کشو ر در واقع گام ها ی فراخ و ارزشمندی در جهت حما یت از کود ك و مادر برداشته شد چنانکه بـا پیرو ی‌از هدایات مواد بیست وچهار وبیست و شش اصو ل اساسی جمهـوری دمو کرا تیك افغا نستا ن بود که برای فرا هم آور ی تسهیلا تی برای مادرا ن حا مله سه ماه رخصتی با معاشس بعد از ولادت به تصو یب دو لت رسید و هم چنین سا حه معافیت کتلو ی برای بهبود صحی حال کود ك و مادر به پیما نه وسیع تر در دست اجرا گرفته شد هم ـ چنین وزار ت عد لیه مکلف سا خته شد تا مو نو گرا ف قوا نین تازه و مطابق با عدل را در چو کا ت اصو ل مد نی برای رفا ه طفل تهیه بدارد که در وا قع همین سیمینا ر نیز بررسی دیگر ی است بر این مو نو گرا ف .

از سو ی دیگر باو عد ه ها یی که از جانب وزار ت عد لیه داد ه شده است نتایج بر رسی هـای سیمینا ر به مقا ما ت صلا حیت دار حزب و دو لت گزار شس خواهد شد تا زمینه های تطبیق آن فرا هم آید .

باتو جه به این نکا ت و مطالعات و ارز یا بی های همه جانبه یـی که پیرا مو ن مسایل طفل و قانو ن در این سیمینا ر به عمل آمده‌است جای امید وار ی فراوا ن است که نتایج آن مفید و با ار زش باشد و به زود ی جهات تطبیق برای فیصله ها به عمل آید ، البته باید گفت که مسا یل قانون گذاری بیشـ‌از همه به فکتو ر زمان نیاز دارد تا همه جهات تطبیق آن با در ك شنا خت محیطی و اجتما عی به مطا لعه آید و قانو ن مو ید ه تطبیقی قو ی‌داشته باشد .

بقیه صفحه ۳٤

مرگ میراث...

قبرستان دویدند وباعجله وارد قبرستان‌شدند، قبر آماده بود ، آنها شتابزده کمی دیگر دعا خواندند ، مرده را دفن کردند و بعد به طرف خانه های خود دویدند .

تو مك همه را به خانه خود د عوت کـرد چون پدر مقدس به او این طور گفته بود ودر غیر این صورت مراسم ختم به طور نا مناسبی در محل عمومی بر گزار میشد .

انتك در جواب این د عوت فقط د شنام داد جمع چهار نفری‌که ایگناتس و سمولتز دهقان هم جزو آن بودند به کافی رفتند ، چهارپیمانه مشروب نو شیدند و با همدیگر شان در باره داد و ستد هایشان گفتگو کردند ، گر مای‌کافی وحرارت مشروب به زودی انتك را مست‌کرد، در راه خانه چنان تلوتلو می خورد که اگرزنش او را محکم نمی گرفت هر لحظه به ز مین‌می‌ـ خورد ، آ نها به سرعت بسوی خانه د و یدند انتك شادی کنان گفت :

ـگوش مادر ، پنج جریب ز مین از من‌است، ملك خودم ، می شنوی چی میگویم ؟ پا ئیز گندم و جو می کاریم و بهار کچالو ، ز مین از من است ، از خودم ...

وناگهان شروع به آواز خواندن کرد :

« خداوندا نگهدارم تو هستی . »

توفان آشوب میکرد وزوزه میکشید .

« مرا از هر بلایی در امان دار . »

ناگهان ساکت شد ، تاریکی انبوه بود واز دو قد می چشم چیزی را نمی دید ، با ران به حد اکثر شدت خود رسیده بود ، با صفیر وزوزه و حشتناکی هوارا پر میکرد و کوه‌هایی از برف را روی انتك و زنش می انداخت .

وقتی آ نها از کنار خانه تومك می‌گذشتند، صدای دعا ختم و گفت و گوی بلند مردم را شنیدند . انتك شروع کرد به دشنام دادن :

ـ کافر ها ، دزد ها، من صاحب پنج جریب زمین هستم ، بعد ازین روی ز مین خودم کار میکنم ، شما دیگر نمی توانید اربابی کنیـد ، شماسگ ... با مشت به سینه اش کو بیـد وچشمانش را در حدقه چرخاند ، تامدتی‌همین طور د شنام میداد ، ا ما همینکه به خانـه رسیدند ، زنش او را روی تخت خواب‌کشید، چند د قیقه بعد باز فر یاد کشید :

ـ ایگناس !

ـ پسرش که از لگد پدر به شدت وحشت داشت با احتیاط نزدیك شد، انتك نعره‌کشید:

ـایگناس تو یك د هقان درج اول می‌شوی نه یك کاسبکار گدا !

ومشتش را روی تخت خواب کوبید :

پنج جریب زمین از من است ، از خـو ه

(پا یان)

بقیه صفحه ۱٦

گردهم آیی...

نود و سه اعشاریه هفت میلیـون دالر واز سال ۱۳۵۹ هفتصدو پنج اعشاریه دو میلیون دا لر شده است.

به همین تر تیب مجموع واردات در سال ۱۳۵۸ اندکی بیش از چار صد و بیست و شش میلیون بوده ودرسال ۱۳۵۹ به بیشتر از پنجصد وپنجاه و چار میلیون افزا یش یافته است .

مجموع دوران تجارت‌خارجی سال ۱۳۵۸ نهصد و نوزده‌اعشاریه هفتاد وسه میلیون دالر و از سال ۱۳۵۹ بیش از یکهزار ودو صد شصت میلیون دالر بوده است .

مجموع واردات سه ماه اول سال ۱۳۵۹ یکصدو شش میلیون دالرواز همین مدت سال شصت یکصدو سی وچار میلیون دالر است و هم چنین صادرات همز مان سال ۱۳۵۹ یکصد وسی میلیون و از سال ۱۳٦۰ یکصد وهشتاد میلیون دالر است کـه افزایش بیست و هشت فیصد را نشان میدهد .

با تو جه به اینکه در حدود نود فیصد تجارت کشور به وسیلـه سکتور های خصو صی صورت می گیرد افزا یش ها یی که در ساحه های واردا تی و صادراتی تجا رتی نشان داده شد شامل حال آنـان شده و حکا یت از آن دارد که دوران سرمایه های خصو صی در سا ل ۱۳۹۵ به پیما نه بسیار وسیـع افزون تر از سال ۱۳۵۸ و در سال ۱۳٦۰ بیشتر از سال ۱۳۵۹ بوده‌و هر گو نه ادعا در این زمینه کـه تجارت مابا رکود موا جه است‌اتهامی بیش نمی باشد .

لطفا دنباله این جدل را در شماره آینده بخوانید

دوه شطرنج بازان دلوبی په‌حال‌کی لیدل کیږی

د زلمی ځاځی ځیږ نه او لنډیز

دشطرنج په‌زړه‌پوری لوبه‌خرنگه‌مینځ ته‌راغله

شطرنج د سا نسکر یت په ژبه چی د هند لر غو نی ژبه ده «شاتارا- نگا» یعنی «دسطرنجی د کاغـذپـه ځیر د کورو نو» مانا لری ، وروسته له دی چی په دری ژبه نقل‌شوی‌په پهلوی کی چتر نگ یاششرنگـ‌او وروسته شتر نگ ویل شوی اوعربو هغه معرب کړی شطرنج یی بللـی دی شطرنج یوه جهانی علمی لوبه ده چی اصول او قواعد یی په هرځای کښی یو ډول دی که څه هم تیره‌پیړی کی د لوبی ځینو جز ییاتو په ځینو هیوادو نو کی یو د بل سره تو پیر در لود خو اوس هر څوك کولای شی دشطرنج لو به دمربوطو کتابو پـــه لوستلو سره په جهانی سویه زده کړی .

«د شطرنج‌داختراع‌اونوم ایښودلو په‌پاب بیل،بیل روایتونه شته چی په‌لاندی ډول بیا نیږی : یو نانـی کیسی ددغی لو بی پیدا کولو نسبت د(توروا) د محا صری په وخت کی یو یونا نی سړی‌ته کوی چی «یالامه» نومیده د ځینو شرقی کیسو له مخی دالو به د سیر الانکا په ټاپو کی‌منځ ته را غلی او مخترع یی‌ځلورزره کاله دمخه د هغه هیواد ملکه وه .

چینائیان د شطرنج لو بی ته د جگړی د علم لو به وا یی او ادعاکوی چی دالو به یوی چینا یی قوماندانی اختراع کړی ده . خو په هر حال‌کوم شی چی څرگند دی هغه دادی چـی د شطرنج لوبه یوه شرقی لو به‌ده اود هندیا نو په وسیله د شطرنج‌د اختراع په باب څونور روایتو نه هم شته چی حقیقت ته نږدی ښکـاری هغه داستان چی فردوسی‌په شاهنامه کی‌نقل کړی دی داسی وا یی :

د (طلحند) او (گو) دوو وروڼو تر منځ چی له یوی مور اودووپلارو څخه ژ د پاچا هی په سر سختـه جگړه وشوه خو مخکی له دی چی یوپه بل لاس بر کړی طلحند دخپلو عسکرو په منځ کی بی‌له‌دی چی‌خـه زیان ووینی مړ شو او مور یی لـــه خبر یدو وروسته هیڅ نه غلی‌کیده‌او (گوی) یی د خپل ورور په وژلـــو ملامت کاوه خو (گوی) ددی د پاره چی خپلی مور ته ډاډ ورکړی او خپله مور په دی قانع کړی چی طلحند ته په جگړه کی زیان نه دی رسید لی بلکی په خپله مړ شوی دی پوهان‌یی راټول کړل اود جگړی د ډگر نقشه یی وکښله او داسی شکلو نه یی‌جوړ کړل چی د فیل او آس د پاره نظام او پیاده نظام نما یندگی یی کو له‌د جگړی د ډگرحالت او د جنگ‌دگردابو قوانین یی خپلی مور ته و ښودل یاتر چی تر په خپله قضا وت و کړی‌چی دطلحند ځای ته نه دی نږدی شوی اوچاضرر نه دی ور رسولی‌اوددغی ننداری تکرار د هغه د عمر تر پای پوری د هغه د مور ډاډ یوازینی‌وسیله وه، وروسته بیا دغی جنگی ننداری دیوی لو بی بڼه غوره‌کړه‌اوهمدا سی پاتی شوه چی د هغی اوږده شرح په شاهنا مه کی لو ستلی شی .

یو بل روایت‌چی‌خوعربی ماخذونه هم هغه تائید وی او یو څه شهرت هم لری وایی چی شطرنج دهند د بودا یی بر همنا نو څخه د داهیرا زوی چی سسه یا سسیانو میـــده اختراع کړی دی او په دی وسیله‌د سسیا د غنمو د دانو کبسه هم‌منځ ته راغلی یعنی څرنگه چی د شطرنج لوبه یی د خپل وخت پاچا ته ورزده کړه‌نوهغه ورته‌وویل هرڅه‌چه‌غواړی دجایزی په تو گه یی د رکړم ، نو ورته‌یی وویل چی د شطرنج خانود شمیر او دوه چنده په حساب یعنی په هر ه خا نه کی د بلی خا نی پـه نسبت دوه چنده زیات د غنمو دانی جایزه وا خلی پاچا هم دا خبره‌ومنله، په لومړی نظر دغه جایزه کو چنی ښکاره شوه خو وروسته له دی چی حساب یی وکړنوو پو هیده چـــی ددی جایزی دورکولو د پاره د هغه هیواد دغلی گدامو نه هم نه‌بس کیږی د حساب نتیجه د دغو عددو نو په وسیله څرگند یـږی ٥ر٦ر ـ ٧٠٩٥٥١ر ٠٧٣ر ٧٤٤ر ٧٧٦ر ١٨ چی په اټکلی تو گه د ٣٧٠٠ ملیاردو خروار په شاو خوا کی کیږی.

ځینو ددی نسبت بوزر جمهر ته کړی دی چی انو شیر وان ته یی د شطرنج دراز دور ښود لونه وروسته یی ددغی جایزی پیشنهاد کړی‌دی چی ځینو پخوا نیو تاریخ لیکو نکو ددغو سر گذشتونواو د غنمو دشمیر څوډولونه په دری او عربی مطبو عاتو نقل کړی چی د هغو له جملی پـه مسعودی په مرج الذهب او ابوریحان البیرو نی په التفهیم کی یادو لـی شو او وروسته نفایس الفنون اونورو کتابو نو هم دا کار کړی دی . د شطرنج د نوم‌په‌باب فرهنگ‌لیکو نکی بیلی ،بیلی نظر یی لر ی او کوم څه چی حقیقت ته نږدی دی،دادی چـی اصلا د هغه نوم د سانسکریت نه‌ـ اخیستل شوی‌خومؤر خین د شطرنج دمربوطو کیسو په یوه کی هم دنظر یووالی نه لری او ټول پخوا نیـــو څرگند و نو ته په شکمن نظر گوری.

تاریخ د شطرنج پیدایښت د ځینو په‌قول د پنځمی میلا دی پیړی پـه پیل کی او د ځینو نورو په قول د مسیح د میلاد نه مخکی شپږ مه پیړی کی یوازی د ا خبره د زیاتو خلکوله خوا منل شوی چی شطرنج له هندنه افغانستان او ایران ته تللی او د عربو له حملی وروسته عربی هیوادو ته رسیدلی د صلیبی جنگو نو نـه وروسته د عربو په وسیله اسپانیی ته او له هغه‌ځای نه یی نورو اروپایی هیوادونو ته لاره پیدا کړی ده اوورځ په‌ورځ‌یی رواج زیات شوی، او تر نن ورځی پوری د یوی ستری بین المللی لو بی په تو گه پیژند ل شوی ده.

جواب به نامه های شما

سلام همکاران و خوانند گان عزیز

به امیدی سلامتی وموفقیت شما عـزیـزان می‌پردازیم به پاسخ نامه ها :

دوست عزیز ظاهر ناد میان از انستیتوت‌هوا شناسی میدان هوایی کابل .

باسلام عرض شود که شعر «افسانهٔ وفا»راخواندیم واینك بار دیگر میخوانیم :

دور از رخ توای مه زیبا گریستم — باغم انیس گشتتم وشبها گریستم
تا گشته ام نشانهٔ تیر نگاهٔ تـو — چون صید تیر خورده بهر جا گریستم
رسوا نبوده‌ام‌ولی باعشق جانگداز — رسوا شدم‌زعشق تو، رسواگریستم
افسانهٔ وفاو محبت‌چه تهمتی است — با تهمت فسون شده‌بی جاگریستم
زین بعد بر دو لبـــم خنـــده نشگفت — بر گور آرزو و خوشی ها گریستم
ظاهر اگر بخنده لبی تر کنم ولی — تنها شدم بگو شه تنها گریستم

ودعا میکنیم که از گر یستن ورسوا شدن‌نجات یافته باشید ودیگر بر گور آرزو ها وخوشی ها نگریید . همکاری شما را خواستاریم.

دوست عزیز محمد سلیم «متین» محصل-پوهنځی زراعت کابل

دعاو سلامان بر تو باد . اشعار فرستاده‌یی‌تان رسید ، از خواندنش‌لذت بردیم وپیوسته آرزو مندیم که باهمکاری های مثمر خویش‌مجلهٔ خود را آذین ببندید ، اشعار عیـــد ی رادر صفحه «ازمیان‌فرستاده های شما»بخوانید آنهم نمونه یی از آنرا در اینجاباهم‌میخوانیم:

عید است بیاتا که شوم پیش تو قربان — سر تا بقدم سرود لارام تـو بـــوسم
عیداست به شادی بکشا زلف پریشان — تا موبه مو جعد سمنسای تو بو سم

• - • •

عیداست بیابر سر بـازار کـــه یکبار — باقد دو تا نقش قد م هـــای تو بوسم
عیداست بیا تا کـــه بشکرانه‌این شعر — لعل لب شیرین و ش مکر سای توبوسم

دوست عزیز محمد فاروق‌سراج

سلام گرم و آتشین مانثـار تان باد . خوشوقتیم که چنین نامه یی نگاشته اید «مدیریت محترم مجلهٔ ژوندون ، جواب نامه‌های شماره۱۸ مجله را خواندم‌وهمینگونه‌صفحه «سپورت» رامطالعه کردم وبر شما معلوم خواهد بود که‌بنده از مدت ها قبل نوشته های اندرین باب «سپورت» در روز نامه های انیس واصلاح‌به‌نشر رساندمام ، اگر حالا هم موافقه دارید بحیث همکار افتخاری مضامین و معلومات سپورتی برای مجلهٔ ژوندون تهیه میدارم و میفرستم .

البته دربدل آن تنها و تنها یك‌یك‌شماره‌مجله مجانی برایم بفرستید ، اینك نامه‌خدمت شما نوشتم ، انتظار جواب آنرا میکشم .»

پاسخگو : انتظار همکاری شمارا داریم، این‌قلم واینهم کاغذ .

دوست عزیز محمد ظاهر ایوبی متعلم‌صنف‌دهم واو رشته ساینس لیسه عمر شهید

از ما سلام بادت ، همکار عزیز ، همقلم‌ارجمند ما بعداز سلام ودعا که پسکارتی هم ضمیمه دارد ، چنین نگاشته است :«...چندین‌نامه یی که به ادارهٔ مجله فرستادم از شما خواسته بودم که بنده را به حیث همکار تان‌قبول فرمایید . خوشبختانه شما نه تنها با جبین گشاده جواب مثبت ارائه کرده بودید بلکه چندین‌بار تکرارنموده بودید که به‌همکاری (همهٔ دوستان نیازمندیم) .

به این سلسله می‌خواهم که در جهت‌تهیه‌مصاحبه هابا شما همکار ی نمایم و چهره‌های ناشناخته وگل های نوشگفته و استعداد های‌توانا را معرفی نموده وبا آنها گفت و شنودی هم برای مجله دوست داشتنی داشته باشم‌البته این مصاحبه هابا اشخاص چیره دست وتوانا که یا باآنها آشنایی داریم ویادرگوشه‌فراموشی افگنده شده اندصورت خواهد گرفت ومی خواهم دراین قسمت سعی وتلاش زیادبخرج دهم نمیدانم که شمابه این خواست همکار تان چه پاسخ می‌دهید؟ لطفاً بگویید که‌برای اینکار «خبر نگاری» وتهیه مصاحبه از طرف مجله کدام ضابطه های خاص و مشخص‌موجود است ؟ اگر کدام ضابطه ومقرره یـــی در زمینه وجود دارد ، لطفا معلومات دهید .

در غیر آن اجازه فرمایید که آستین هارا برزده ودست اندر کار تهیه مصاحبه هاشده وبعداز تکمیل نمودن ، آنهارا جهت چاپ به‌مجله بفرستم ، تااز یك سواستعداد های نیاز مند به پرورش ، تشویق شده واز سوی‌دیگر دوستان‌وعلاقمندان‌مجلهٔ دلپسند ژوندون از موجودیت استعدادهای‌نهفته و غیر شناسای‌کشور با خبر شوند . »

پاسخگو

اگر از مقرره وضابطه شروع کنیم، خواهیدگفت که کار را مشکل ترا شیده ایم، اما بگذارید که از قواعد صرف نظر کنیم و فقطکار شمارا به‌ارزیابی بگیریم ، گفتیم از قواعد صرف نظر میکنیم ، زیرا شما تا هنوزبصورت‌سیستماتیك تحصیل روزنامه نگـاری ندارید وچه بسا مصاحبه یی را سرو صورت بدهیدولی ندانید که قواعدودستور آن چگونه خواهد بود ؟ وخوب میدانید که رابطه نظر و عمـــل‌مورد نظر است .

تلاش خیر خواهانه یی است که به سراغ‌گمنامان میروید ونقاب فراموشی از چهرهٔ شان به یکسو می زنید ، همت تان بدرقهٔ راه تان‌باد .

اجازه به دست شما وبر زدن آستین هاهم‌به اختیار شما ، یکبار بیا غازید وبیا زماید وماحصل کار تانرا به ما بفرستید و آنگـاه‌خواهیم گفت که عیب کار در کجا ست وحسن کار در کجا ؟ و نمیشود هنوز چیز دقیقی‌گفت‌چرا ؟ نتیجه سعی و کوشش شما رااندرین‌نمط ندیده ایم ، اگر خواستید معلومات بیشتری‌حاصل نمایید کار کنان مجله میزبان شما خواهند بود ، بهر حال در خاطر شما باشدکه‌مصاحبه‌یی‌بی عکس برای مجله در حکم نان‌بی نمك است . به انتظار مصاحبه یی تـوام بـاموفقیت شما .

دوست عزیز فقیراحمد غزنوی دکاندارجادهٔولایت .

بپذیرید سلام صمیمانه مارا هم . درباب‌آن قطعه «مخمس» که به مجله فرستاده ایـد عرضی نداریم جزاینکه بگوییم پاسخ به نامه‌هارا به دقت بخوانید ، حتما از نشر یا عدم نشر آن در آن شماره های پیشین چیزی خواهید یافت . همکاری تانرا بامجله ادامه دهید . موفق باشید .

دوست عزیز دیانا جوان شیر متعلم صنف‌هشتم مکتب نسوان جمال‌مینه.

سلام همکار عزیز ، از لطف و مرحمت شماممنونیم و خوشحالیم ، توصیهٔ دوستانه مان همین قدر است که شعر بسیار بخوانید ،فعلااز شعر سرودن بسیار دست بگیرید ، فقط مطالعه زیاد نمایید و اگر هم شعر میگوییدکم‌گویید و همچون در بگویید . خوشحالیم که آن نوشتهٔ عاشقانه طنز آلود را که محمد ظاهرایوبی نگاشته، پسندیده اید ، از جانب اواز شما تشکر میکنیم وبه‌ایوبی میگوییم‌که همچون‌نامهٔ ها، نامه های دیگر نیز به ما بفرستد .

از نشر این پارچه شعر تان خودداری میکنیم‌بخاطر ی که بیان آ ن ناقص است، امالازم به تذکر مینماید که بایستی گفته شوده‌محتوای‌شعر سروده تان خیلی عالیست وبا شما همنوا هستیم .به انتظار همکاری های‌دیگرشما. کامیاب باشید .

دوست عزیز فقیر احمد عزیزی

سلام برادر ، مخمس ارسالی‌تانرا به متصد ی صفحه شعـــر سپرد یم که در صور ت امکا ن ازنشرش دریغ نورز د . اما خوا هش پاسخگو اینست که مطا لب ارسالی‌تانرا خوانا و روشن بنو یسید ، زیرا در ادار ه های نشرا تی نوشته‌های خوانا زود تر بچا پ میرسد . گا هی نوشته های که وا ضح وروشن تحر یر نیافته‌کارکنا ن مطبعه ازحروف ریختن آن خود داری مـی‌کنند و دلیل میاور ند که درست خواند ه نمی شود .

دوست عزیز حمید متعلم صنف‌دواز دهم لیسه حبیبیه

سلا م همکا ر ارجمند . استعدادقابل تو صیفی دار ید و در آیند ه میتوانید قصه نویس معرو فـــی‌شوید اما مشر وط بر ا ینـکـــه داستان کوتاه بسیار بخوا نیـــد.طرح‌قصه‌را برمنطق مستحکم ومحکم بنا کنید. هرگاه میخواهید فا صله‌های طبقا تی را در یك قصه تجسم بخشید فرا مـــوش نکنیـــد کـــه‌معلو ل ها را بر جا ی علتها عو ضی نگیر ید . اصل چیز دیگر ی است‌و نا حق میگو یید « دگور غر یبی» فقر عا مل محسو سی بد بختـــی‌خانواد ه لطیف است ، اما علت‌اصلی و واقعی نیست . فقر مو لود بر خوردهما ن دو طبقه است که اگر دست طبقه بالا یی را کو تا ه کنید ازفقر دیگر خبر ی نخوا هد بو د .

با این تذ کر به انتظار همکار ی‌تان خوا هیم بود .

دوست عزیز محمد طاهر غوثی ازچاریکار :

با عرض سلام اضافه شود کـه‌قرار بود آن پارچه شعر را در صفحه برگزیده ها ... می خواند ید ،اینك‌درین صفحه آن شعر نغز وپر شور صوفی عشقری را بخوانید از خلاف‌وعده عذر می خواهیم .

بدین تمکین که ساقی باده در پیمانه‌می ریزد
رسد تادور ما دیوار این میخانه می ریزد
شود هر کس بکوی عشق بـازی‌پیرو فرهاد
بروزجانفشانی خون‌خودمردانه میریزد
گرفتی چون پی مجنون ز رسوایی‌مرنج ایدل
که دایـم‌سنگ طفلان برسردیوانه می‌ریزد
سر بازار شهر مصر بین در کفه‌یوسف
دیگر ها سیم وزر اما زلیخا دانه می ریزد
زلیخا گـــر برون آرد زدل آه‌پشیمانی
زپای یـوسف زندا نیش زولانه می ریزد
بیاد شمع رخسار که میسوزد دل‌زارم
که امشب‌بر سرم‌ازهر طرف پروانه‌می‌ریزد
ز تیغ ابروی جانان بپر سید اززبان من
شهیدانش‌بز یر خاك ریزد یانه مـــی ریـزد
رسان برمن ای مشاطه تا زنـارخود سازم
ز زلف یارهمان تاریکه وقت شانه می ریـزد
چو غواصان گذر از جان ودر کام‌نهنگی رو
که در هرگزبه ساحل از لب دریانه می ریزد
چسان ماند بجا قدر وقار عـزت‌آنکس را
که آب روی‌خود را بر در هر خانه می ریزد
اگر سیم و زرعالم بدست(عشقری) افتد
شب دعوت‌به پیش پای آن جانانه می ریزد

به انتظار همکار یهای خوب‌همکارعزیز روز شماری می کنیم و علاوه می نماییم که همینگو نه اشعار پـرمعنی و پ ر احساس را برای مجلـه خویش انتخاب نمایید . بخت یارتان‌کامیابی در راه تان .

دوست عزیز بی نام ونشان

همکار ار جمند ما مینگارد : « در یکی از پنجشنبه ها ... که مشغول شنیدن پرو گرام «بررسی‌از پروگرام های رادیو » بودم شعر میهنی که سالها گو شم به‌آن آشنابود و گذشته از آن با شاعر آن‌هـم معر فت داشتم از لابلای امواج رادیو نشرشد ودر ضمن نطاق پروگرام از پروگرام اطفال انتقاد نمود که این‌قطعه شعر گنجا یش پرو گرام‌اطفال را نداشته ، باید در پروگرام «زمزمه‌های شب هنگام» و یا پرو گـرام «پیام بامدادی» نشر میگردید.

میاییم به اصل مطلب ، در مقطع‌غزل‌یعنی «همین به عالم هستی است آرزو فرهاد» ناگهان شنیده شدکه«همین ب ه عالم هستی است آرزوی نظام » من فکر کردم که دوستم‌فرهاد«لبیب» در غزل های خود عوض تخلص نام خود یعنی فرهاد را می‌گنجا ند تغییر نام و یا تخلص کرده است . همین مو ضوع بیادم بودتاروزی به دیدنش رفتم بعداز احوال پرسی گفتم برادر تخلص جدید ت‌مبارك در وهله او ل فکر کرد شوخی می کنم وقتی مو ضوع را برایش‌گفتم کمی بر افرو خته شد و بعدا لبخند آرامی روی لبا نش نشستـه‌گفت نمی دانم برادر گاهی تخلصم، گاهی شعرم را از خود میدا نندمی‌ترسم روز ی نگو یند که فرهـــاد «لبیب» خودم هستم بعدا کمی‌جدی‌شده گفت من بخود حق نمی دهم‌که ختی نام شاعر و یا نو یسنده رابرخود بگذارم وتنها افتخارم درایـن است که در پی افتخار نیستم . درپی شهرت قلبم نمی تپد همین است که راه بی افتخاری را دنبال می کنم‌ولی مو ضوع شعر را گفتی ؟

بعدا از جایش بر خا سته سوی‌الماری کتابها یش رفت چند مجله‌و یك کست را برایم آورد که همین‌شعر «مرا به صبح دل انگیز این دیار قسم» به نام و تخلص خود ش‌در شماره ۲۷ سال۱۳۵۵مجله حربی پوهنتون وهمچنان همین شعر بدون‌غلط طبا عتی وتصرف به نام وتخلص خود ش در شماره ۱۳ سال ۱۳۵۷مجله ژوندون بچاپ رسیده بودوبعدا کست را در رادیو تیپ گذاشته که‌همین شعر چند سال قبل‌در پروگرام «ارمغان سحر» که فعلا «پیام بامدادی»یاد می شود نشر شده ا ست.بعد گفت برادر چه فکر می کنی شعرازکیست از فرهاد «لبیب» است یااز آقای «نظام» وقتی مجلات و کست‌را دیدم و شنیدم بدین نتیجه‌رسیدم که شاید «نظام» کسی باشد به سن‌دوازده ، سیزده سال که فکر می کند اگر در اخیر شعر هر کس نام ویـاتخلص خود را بنو یسد شعر از او می شود شاید هم آقای نظام شاعری‌باشد بزرگ که این شعر راده یـا پانزده سال قبل سروده‌ودر سینه‌اش یالابلای دفترش در منزل محفوظ داشته و شاید این فرهاد «لبیب»باشد که هشت سال قبل شعر را از ا و دزدیده باشد !

رو بطرف «لبیب»کرده گفتم معلوم‌است نظام طفل است وگله‌کردن‌از او خوب نیست و این طفل فرد ششم‌غزل را هم خوب خوانده نتوا نسته یعنی عوض .

دهم بخون خودم شستشوشی‌بادل‌ناشاد .
کنم دوباره اش گلگون بصدمزارقسم
(کفم بخون خودم شسته بادل ناشاد
کنم دوباره‌بس گلگون به‌صدمزارقسم)

وشعر را هم بی معنی سا خته که به‌زعم خودش شعر را اصلاح کـــرده است . تنها «شاد »را(ناشاد) شاخته‌وفرهاد را بیرون کرده عوضش نام ویا تخلص خود ش «نظام» را افزوده‌وفکر کرده که شعر همینطوز گفته می شود و آنرا به پرو گرام خودش‌یعنی «پروگرام اطفال» برای نشر ارسال کرده است ، خیر جـــای‌تشویش نیست .

بعد فرهاد «لبیب» گفت چند ماه‌قبل از رادیو به آواز گرم «رحیم‌مهریار» آهنگی را شنیدم که دروهله‌اول فکر کردم همین شعر است که من سروده ام ولی بعد از دقت متوجه‌شدم که تغییر دارد حتی در بعضی جاها با اندك تغییر که من سروده‌ام‌می باشد . مثلا «مرابه‌عشق شهیدان داغدار قسم» که چنین شده است«مرا بخون شهیدان نامدار قسم»

وقتی تیلفونی پر سیدم که این‌شعر از کیست گفتند از «سید نور فرخ» من گفتنی دیگر ندارم‌فقطشمااین دو غزل را از نظر بگذرانید و مقایسه کنید و هر نام که بالای‌آن‌می گذارید درست است .

فرهاد «لبیب»

مرا به صبح دل انگیز این‌دیارقسم
مرا به‌شام‌شکوهمند این‌حصارقسم
مرا به پیچ وخم کهسارسربفلك
مرا به عمق دره های آبدارقسم
مرا به عرصه خا موش دشت‌های کهن
مرا به‌گریه پنهان چشمه سارقسم
مرا به عشق قسم ،عشق‌این‌دیارقسم
مرا به عشق شهیدان داغدارقسم

بقیه درصفحه ٤٥

محسن زاده

درراه هدف مشترك نسل جوان

سازمان دمو کراتیك جوانان افغا نستان بخش جدایی ناپذیر جنبش جهانی نسل جوان درراه صلح ، دمو کراسی وترقی اجتماعی را تشکیل داده ودو شادوش موج خروشان نسل جوان در راه تحقق این ایدیال پیکاربی امان‌را به پیش میبرد •

عضویت سازمان دمو کراتیك جوانان افغا- نستان در فدراسیون جهانی جوانان دموکرات وکمیته اجرائیه اتحادیه بین المللی محصلان بیانگر اعتقاد خدشه ناپذیر سازمان رزمنده جوانان افغا نستان به انترناسیو نالیزم ، که

نیروی مطمئن در پیکار عادلانه وبر حـــق جوانان و مردمان کشور آزاده ما افغا نستان برای تحقق ارمان انقلاب ثور و مرحله نوین تکاملی آن می باشد، است .

پیکار علیه امپریالیزم ، هژمونیزم وارتجاع که بخش لاینجزاء کار وپیکار انقلابی نیروهای اصیل انقلابی جوانان کشور ما را در عرصه ملی و بین المللی تشکیل میدهد ، از خصلت

پیکار جویانه حزب پیشاهنگ ورهبری کننده جامعه ما، حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان

ناشی میگردد که مبارزه آگاهانهٔ را علیه دیو- سیاهی وتیره روزی ، بدبختی و فقر کشـو ر از یکسو و مبارزه سر سختانه را علیه امپر- یالیزم ، هژمونیزم وارتجاع در جبههٔ نبرد جهانی بخاطر صلح وترقی اجتماعی ازجانب دیگر دنبال می‌نماید •

جنبش جهانی نسل جوان از همان روزهای زایش خود نستوه ورسالتمند صفوف خویشرا در پیکار علیه جنگ ، تجاوز و غارت که خصلت امپریالیزم وارتجاع را تشکیل می‌دهد منظم و منسجم ساخته و مسوولانه درراه‌زیست در شرایط مملو از صلح رزمیده ومی رزمند .

امپـریـالیـزم به سر دمـداری امپـریالیزم ایالات متحدهٔ امریکا غیر مسوولانه بصورت لجام گسیخته ودیوانه وار باتشدید مسابقه تسلیحاتی وایجاد فضای تشنج ، صلح جهانی رابا خطرات جدی مواجه نموده است •

امپریالیزم و نیروی های جنگ طلب آزادی واستقلال کشور های جهان را نادیده گرفته پیوسته مسایل داخلی کشورهای مستقل‌وخود اراده و مناطق آزاد جهان دست غارت ، تجاوز وتحریك رادراز نموده مناطق جدیدی از جنگ وتجاوز را ایجادمی نماید وعملاسدراه خلقهای جهان در تعیین حق سر نوشت شان میگردد•

نیروهای جنگ طلب هژمونیستی و امپریا- لیستی از عادی شدن روابط میان کشور های دارای نظامهای مختلف رادر جهان ممانعت نموده پیوسته درین راه موانع ایجاد می‌نماید وبدینوسیله از نزدیکی ودوستی بیشتر میان خلقهای جهان جلوگیری می نمایند .

کشور های امپریالیستی وارتجاعی درداخل کشور های شان استثمار بیر حمانه را بخاطر دستیابی به ثروت وچپاول بیشتر حاصـــل رنج زحمتکشان کشور هایشان براه انداخته حتی از تطبیق‌دموکراسی خود ساخته‌بورژوازی وارتجاعی هم سر باز می‌زنند •

بقیه درصفحه ٥٤

جوانان وروابط خانوادگی

باتوجه به‌اینکه زندگی امروزی روز بـروز بیشتر بر مشکلات انسان ها می افزاید ، ولی با تمام آنها ، انسان های با اراده و مصمم توانسته‌اندباتمام این‌مشکلات مبارزه‌کنندوزندگی را طبق آرزو و خواسته شان عیار سازند .

یك‌موضوع را باید خدمت تان عرض کنیم که بسیاری از جوانان مشکـلا ت را خـود برای شان می سازند . مثلا فلان جوان که‌تازه ازدواج نموده است . برای اینکه به سرووضع خانه‌اش سر و سا مانی داده باشد، دایم در فکر این‌است که چطور وازکدام راه می‌تواند بعضی از نیازمندی های منزل را پوره کند اما باعاید محدود که دارد نمی‌تواند به‌این‌خواسته هایش جامهٔعمل‌بپوشاند واز اینرو در ناراحتی های گوناگونی سرگردان وسردچار می گردد . خانم جوانی که مایل است منزلش از هرنگاه باذوق و سلیقه اش برابر باشد و تمـا م اموال واشیای خانه طبق ذوق و سلیقه ا و انتخاب گردد، نمی‌تواند که این اشیارا تهیه نمـایـد از ایـن رو هر وقتـی بـرای خرید به بازار می رود ، بدون اینکه بتواند چـیزی بخرد دو باره با دست های خالی بر می‌گردد که این عمل باعث ناراحتی اومی گردد، زیرا اشیای مورد نظر قیمت خیلی بلند دارد و او با پولی که دارد نمی تواند این اشیا رابخرد، از این‌رو وقتی شب شوهر جوانش که او هم مثل همسرش آ رزو دارد خانه‌اش بر خور دار از زیبایی باشد می آید بنای داد و فر یاد را می گذارد واز زندگی واز بی پولی می نالد و زاری میکند . این رفتار زن برای شو هـــر بی چاره که به زنش علاقه فراوان دارد وهرگز آرزو ندارد که زنش را ناراحت ببیند خیلی گران می نماید . بهر وسیله‌یکه میشود پو لی قرض میکند وآن پول را به دسترس همسرش می‌گذارد ، همسر و قتی پول را می گیردخوش میشود لبخندی از ر ضایت روی لبهایش‌میدود وازشوهرش تشکر میکند .

فردای آن زن به مغازه ها می رود و اشیای مورد قبولش را می‌خرد ، واز این مغازه به‌آن مغازه سر می زند و تمام آن پول هارا باخرید چند چیز بر باد مید هد .

شب و قتی شوهر به خانه می آید ، ازخرید زن تحسین میکند و ذوق او را و سلیقهٔ او را می ستاید ، این ستایش شاید از روی ظاهر باشد و شاید هم ازته دل باشد بهر حال‌مدتی از این خرید میگذرد ووقتی تادیه قروض می- رسد . شوهر مقدار از پول معاش را به قرض هایش میدهد . و و قتی باقی معاش را بـــه همسرش مید هد ، زن ازدیدن آن پول ناچیز سخت ناراحت میشود و پول را بدورمی‌افگند وبا هزار سخن نیشدار بر ناراحتی شو هـــر می افزاید .

شوهربی چاره هر قدر د لیل می آورد مورد پذیرش و قبول زن قرار نمی‌گیرد . شوهـــر مجبور میشود که در آینده پول قرض را ندهد وهمه رابه همسرش بیاورد ، اما دیری نمی - گذردکه‌قرضدار به خا نه می‌آید و دروازه را بصدا می‌آورد و مطالبه پول میکندخلاصه اینکه زندگی برای این دو جوان به تلخی می گراید وبنای ناله و شکایت از این نوع ز نـدگی می گذارند . حقیقت این است که‌زندگی بـا تمام مشکلا تش شیرینی های دارد . اگر زنو شوهری خواسته باشند زندگی شیرین وخالی از هرگونه ناراحتی داشته باشند می توانـنـد این زندگی را برای خود بسازند ، اما شرطش اینست که هردو به واقعیت های زندگی پـی ببرند و بدانند که تجمل واشیای گران قیمت باعث خوشبختی نمی شود ، خانه زیبا ومجلل خوشبختی نمی آورد . این محبت و سادگـی است که صفا می آورد و زندگی راشیرین می- سازد .

اگر انسان باکمی که دارد مشروط براینکه او را از تپ و تلاش با زش ندارد بسازدوزندگی ساده وخالی از هر گونه تشریفات را از آن زندگی که تجمل داشته باشد اما درآن سعادت وخوشبختی و آرامی نباشد ترجیح دهد هرگز درزندگی خانوادگی اش شکست نخواهد خورد وزندگی ایده آلی خوا هد داشت .

نوشتهٔ شیرمحمد هاج

نقش جوانان رسالتمند در جامعه

با آغاز انقلاب شکوهمند ثور چرخش عظیم در تاریخ مبارزات مردم افغانستان رونماگردید یعنی مردم افغانستان تحت رهبری ح.د.خ.ا توانستند زنجیرهای اسارت رااز دست وپاهای خود دور سازند و خود حاکم بر سر نوشت خود گردند .

تاریخ گواه است هر باریکه قدرت های استعمارگر خواسته است با تحت تاثیر در آوردن مردم سلحشور وآزاد منش افغا نستان از منابع سر شار کشور شان استفاده کنند، باقیام های ملی ومردمی کشور ماموا جه شده اند وهمچنان جوانان ما تازمانی به مبارزات برحق خویش ادامه دادند تا فرمان روایی آنانرا واژگون ساختند و خود حاکم برسر نوشت خویش شدند .

امروز نیز دشمنانی مردم وانقلاب میخواهند با توطئه ودسیسه خلایی رادربین مردم ایجاد نمایند تا بتوانند ازاین طریق وحدت مردم را متزلزل سازند،ولی مردم افغانستان ازاین ازمونگاه وازاین گوره راه نبرد موفق بدرآمده اند ودیگرفریب عناصرضدانقلاب را نمیخورند.

پیروزی انقلاب ثور و خاصتا پیروزی مرحله تکاملی آن که لرزه بر کاخ آرزو های شیطانی آنان انداخته، آنان را وادار به فتنه گری و دسیسه سازی نموده است .

از آنجایکه مردم وجوانان انقلابی افغانستان خود منحیث وارثان با لاستحقاق تمام گنجینه های مادی و معنوی کشور خود میباشند درراه رشد وانکشاف اقتصاد کشور کارو پیکار بی امان مینمایند .

باید یاد آورشدعلاوه برآنکه درامر پیروزی انقلاب ثور جوانان ما نقش مهم داشتند .

امروز نیز در امر دفاع از دست آورد های آن نیز با همان قاطعیت انقلابی آماده جانبازی و خود گذری میباشند . زیرا دولت جمهوری دمو کراتیک افغا نستان با شکست مرز های ظلم وستم وبخاطر بهبود سطح زندگی مردم با طرح پلان های مترقی وارزشمند به پیش میرود .

اما دشمنان شرف وآزادی کشور در صدداند تابا طرح پلان های شیطان صفتانه خوددوباره حاکمیت خودرادر کشور مستقر سازند ، روی این ملحوظ امپریالیزم جنایت کار امریکا با اجنت های داخلی ونو کران خارجی ، بخاطر ایجاد تشویش برای مردم رنجدیده افغانستان دست به عملیات خرابکارانه میزنند .

مثال عمده آن کمك های مادی و معنوی و تربیه افراد نظامی در کمپ های به اصطلاح مهاجرین افغانی و فرستادن آنان در داخل کشور بخاطر ایجاد نا آرامی و تحریك مردم در مقابل دولت ، از طرف دولت امپریالیستی امریکا و کشور های دست نشاندهٔ آن درمنطقه میباشد . بخاطر باید داشت ، با وصف آنکه ارتجاع داخلی ومنطقه دست به عملیات خرابکارانه میزنند ولی بیشتر از این نمی توانند رخنه بروحدت آهنین و همبستگی خلق ماوارد کنند زیرا جوانان پر غرور و میهن پرست ما همگام با حزب قهرمان خود با پیوستن به صفوف قوای مسلح این مدافع انقلاب و مردم در راه نابودی کامل ضد انقلاب با قاطعیت وایمانداری به مبارزه بر حق خویش ادامه میدهند و لحظه هم در مقابل این اجیران وگماشته گان امپریالیزم غفلت نمی کنند .

زندگی ومطالعه

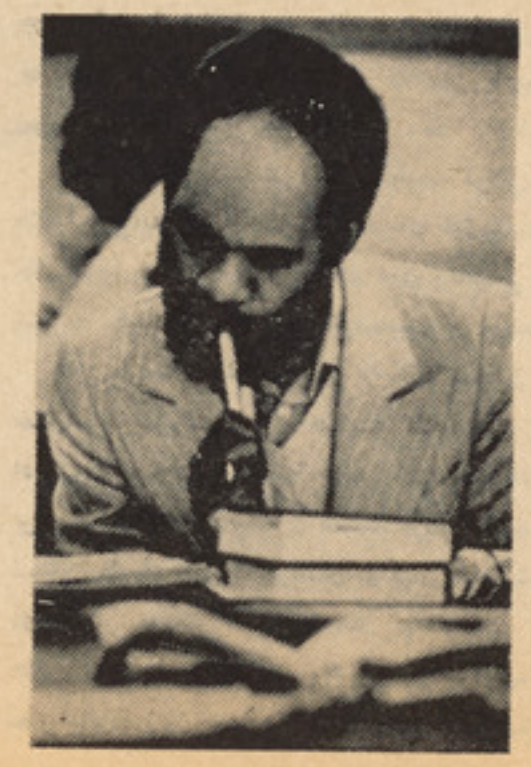

گفته اند که :«ازگهواره تاگور دانش بجوی» راستی که انسان در طول حیات خویش محتاج به مطالعه است ، زیرا برای دانستن به علوم وفنون امروزی که بازندگی انسان ها ارتباط مستقیم دارد ، بدون دانش امروزی مشکل است که زندگی کرد. پس برای بهتر زندگی کردن باید مطالعه کرد وبردانش خویش افزود این افزودن دانش چگونه وبه چه شکل امکان پذیر است ؟

سوالی بجای است ولی جوابش ساده است این را همه میدانیم که هر علم از خود جهانی است و شاید هم بزرگتر از جهان ماباشد که رسیدن به آن مشکل وحتی ناممکن

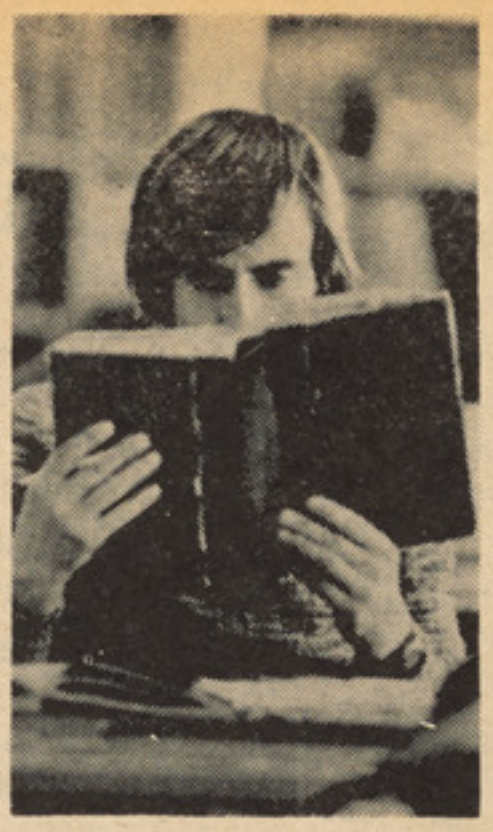

می نماید ولی تا جای که قدرت وتوان انسان واستعداد توانایی اوبرایش اجازه میدهد باید ازاین دانش نوین استفاده نماید وبهره بجوید. رسیدن به این دانش وقتی میسروامکان پذیر است که مطالعه را فراموش نکنیم . کتاب بخوانیم و درباره آنچه خوانده ایم بیاندیشیم واز مفاد آن استفاده معقول نمائیم . شایدهمه مااستطاعت وقدرت این را نداشته که هر کس در خانه خود کتابخانه مجهز داشته باشیم که در آن هر نوع کتاب مورد ضرورت موجود باشد ، بلی این مشکل است ، اما این مانع از آن نمیشود که مارااز مطالعه و تحقیق وتتبع باز دارد .

خوشبختانه در کشوره ومخصوصادر شهرما کتابخانه هاوانواع واقسام کتب موجوداست که میتواندنیازمندی های مارامرفوع سازد. در این کتابخانه هاانواع واقسام کتب موجود است وهر نیازمندی میتواند کتاب مورد ضرورتش را بیابد واز آن استفاده برد ، اگر مازیاد سخت گیر نباشیم وواقعا کتاب خوان باشیم میتوانیم هر نوع کتاب مورد ضرورت خویش را بیابیم . مشروط براینکه واقعا به کتاب واندوختن علم علاقه داشته باشیم .

خوشبختانه امروز در جهان به ملیون ها کتاب و کتابخانه وجودداردکه میتوان به نحوی از آن استفاده نمود .

در کشور ما نیز به صدها کتابخانه موجود است ، که در آن بر روی همه علاقمندان علم و کتاب باز است .

شرایط عصر وزمان با این همه پیشرفت و ترقی اش به انسان های عصر وزمانش موقع میدهدکه برای بقای زندگی به مطالعه روآوردو بردانش خویش بیافزایند .

دانش امروز یك ضرورت است ، اگر دیروز به کتاب علاقه ودلچسپی نبود امروز نمی توان بدون آن زندگی کرد . چه شرایط زندگی امروزی با دیروز تفاوت زیاد نموده است . و بدون دانش مشکل است که بتوان زندگی کرد . پس برای اینکه بتوان زندگی نمود باید علم بیاموزیم وبردانش خودبیافزایم واین وقتی میسرو امکان پذیر است که باکتاب سرو کار داشته باشیم واز لا بلای صفحات آن به مطلوب خود دست بیابیم .

امروز ما درراه قدم گذاشته ایم که بدون دانش نمی توانیم خود را به سر منزل مقصود برسانیم . خوشبختانه کسانیکه قبل از ما به این نکته پی برده وچندصباحی قبل ترمطالعه کرده اند . دانش اندوخته اند وجامعه خودرا به شگوفایی رسانیده اند . وامروز که ما تازه به زندگی نوین قدم گذاشته ایم باید از این امکانات استفاده اعظمی نمائیم ، وبردانش خود بیا فزاییم. واین کتاب و مطالعه است که مارا میتواند به سر منزل مقصود برساند وبر آرزو های ماجامه عمل بپوشاند و رامزندگی رانشان دهد .

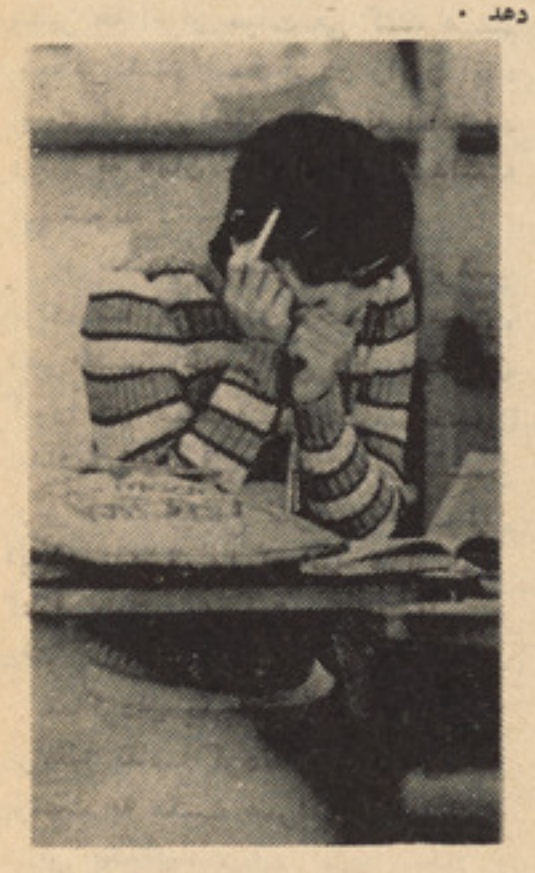

بتوای جون

وظیفه تو در برابر بیدار ساختن مردم و برای جلو بردن مردم که از عالی ترین مفکوره های انسانی بوده و با درك و احساس عاطفی انسانی ومسوولیت وجدانی که رسالتمندی توهم در همین جاست تاواقعیتها را برملاساخته خوبیها وبدیها را آنطور یکه هست بشناسانی وباایمان کامل به علم، روند تکامل و تحلیل مشخص از اوضاع مشخص بادید ژرف و همه جانبه که ازنظر اسلوب و نیل به اهداف عالیه آغازگر کار تواست موقوف به سعادت جامعه توست .

از لفاظی ها وذهنی گرایی ها بدرآی ، واز عمر دراز تیره بختی ها خود بکاه، با سربازی از خود گذری وایثار قهرمانانه بنابر یگانه متعهد جامعه متوجه انعکاسات ماحول خود بوده بر آموزش وتجربه خویش افزوده دوباره ازطریق اسلوب اصولی در جهت روشن ساختن

بقیه در صفحه ٤٥

بقیه صفحه ۱۳

من هم یك انسانم...

مار تین در قربستان (سوت‌ویو) به خاك سپرده شد . این قبر ستان را یك عده سیاه‌پوستان خریده‌بودند سیاه پوستان اجازه دفن اموات شان رادر قبر ستان شهر نداشتند و لی میتوانستند از اراضی همجوار آن استفاده کنند .

بروی سنگ قبر کنگ آخرین و معرو فترین جمله‌بیانیه‌اش «من‌خواب شمارا دیده ام ، خدارا شکر آزاد شدم آزاد شدم »حك گردیده بود.

وقتی کنگ به خاك سپرده شد به مردم توصیه شد بجای فریادو گریه و سخن پردازی بدانند کنگ چرا و به خاطر چه حیات خود رافدا نمود .

در راپور کمیسیون (جلو گیری‌از بلواو شورش) ریاست جمهور ی وضع حیات سیا هان به تفصیل تذکر داده شده است. درین کتاب مطا لعات کمیسیون در باره شیوه زندگی سیا هان فقیریکه در نوا حی شهر ها امرار حیات می کنند هم منعکس شده است . در راپور آمده است که این محله هاچگونه آبادشده وچرا به همان حال او لی نگهداشته می شوند .

پو هنتون بوستون ده سکالرشپ برای شا گردان و محصلان محلات فقیر نشین اختصا ص داد. پوهنتون کلورا دو صندوقی بنام صندوق امدادیه تحصیلی داکتر ما رتین لوتر کنگ افتتاح نمود ، هدف این این صندو ق را تر بیه هزار لوتر کنگ بجای یك لوتر کنگ ازپست دفتر تشکیل میداد .

شاگردان یکی از مکا تب عالی‌طی عریضه تقاضا کردند شا گردان‌سیاه پوست به مکتب همرا ی آنها یك‌جا درس بخوانند .

یك کمپنی امریکا یی صندوق مخصوصی به منظور کمك به فامیل های نادار سیاه پو ست افتتاح کرد .

یکی از دستگاه سا ختمانی منازل اعلام داشت که در آینده‌در قسمت ساختمان و اعمار منازل تبعیض نژادی و مو ضوع تجرید سفید را از سیاه در پالیستی سا ختما نی خود در نظر نمی گیرد .

قتل کنگ در کانگرس امریکا نیز تاثیرا تی وارد کرد بعداز آنکه رئیس جمهور امریکا عکس العمل خود را در باره این قتل بیان کرد عقیده بر آن بود که وی از مقننین شخصا تقاضا خوا هد نمود لایحه معوق حقوق مد نی را منظور نماید، اعضای کانگرس احساس می نمود ند که رئیس جمهور بالای آنها فشار وارد خواهد نمود ولی کانگرس به تقاضای قوه اجرائیه عکس العمل نا مساعد ارائه خواهد کرد واز همین نگاه‌بود که تقاضا از طرف رئیس جمهوربه عمل نیامد. لایحه در مجلس سناپاس شده بود .

منازل مسکونی مناسب برای‌مردم بدون در نظر گرفتن نژاد توسط این قانون گذاری تهیه و تضمین خواهد گردید قانون مذکور حا وی مطا لبی است که از حقوق مد نی کار گران وهندی های امریکایی حما یت شده میتواند . لایحه برای چند ین روز در مجلس نما یندگان معطل ماندبالاخره در دهم اپریل مجلس روحیه ملت (مملکت)را درك و آنرا بارای ۲۵۰ـ ۱۷۱ پاس کرد .

این تصویب باعث اطمینان و شادمانی مردم شد رهبران جنبش حقوق مد نی مردم را از استقبال زیاده از حد بر حذر داشتند و متذکر می شدند که بسیار ی پروبلم های کلبه نشین های فقیرتوسط این‌قانون حل خواهد گردید . رهبران از نگاه اینکه شایداکثرمردم به غلط باین‌فکر شوند که‌ملت امریکا واقعا با اهداف داکتر نایل آمده اند ابراز نگرا نی می کردند .

فردای روز به خاك سپرد ن داکتر باران می بارید دسته گلهای‌قشنگ که با لای قبر کنگ‌گذاشته شده‌بود بروی آب باران شنا ور بودند بعداز آرام شدن باران هفت زن سفید پوست که پتلون و لباس های نخی به‌تن کرده بودند بالای قبر مارتین آمدند وبه‌خطوط منقوش لوحه سنگ خیره شده بودند . یکی از آنهاگفت. مارتین بدون اینکه رنگ جلد وی‌در نظر گرفته شود مرد شا یسته بود. زن یك تعداد دسته‌های گل را بروی قبر مرتب کرد و از آنجا دور شد.

آنها کنگ را تنها گذاشته بودند. داکتر بروی یك تپه که بر زادگا هش حاکم است به خواب ابدی فرو رفته است .

پایان قسمت سوم

بقیه صفحه ۲۰

نوائی ...

بیا حافظ‌که‌تاخودرابه ملك دیگراندازیم»(۱)

نوایی :

بهارا نگر بگلشن ،طرح جام‌وساغراندازیم
بیااین سقف بشکافیم وطرح نو در اندازیم
سپاهی گر نماید غم ، که سازد وقت‌ماتیره
بیك برق شعاع جام ، بنیادش بر اندازیم
زرعنایان دورنگی ،تابکی دیدن درین‌بستان
یکی ماهم ، شراب لعل ،در جام زر اندازیم
بیا راییم ، بر طرف گلستان بزم شاهانه
زمستی شورو غوغا ، در رواق اخضر اندازیم
برقص آریم هر سوشاهدان شوخ‌را ، وانگه
بدستان ،مطربانرا ، نیزدریکدیگراندازیم
که مستی ، شهان گرپانهنداز حدخودبیرون
فریدون را ،سراندازیم‌وجم‌را ،افسراندازیم
بنه زانو،که می‌نوشیم، از ترکان یغمایی
تماشای عجب ،در اهل این‌نه منظر اندازیم
بدین آیین قدح نوشان‌وپاکوبان وسرمستان
برندان خویش را،سوی‌خرابات اندراندازیم
شبی‌هرکس‌که‌چون‌فانی، بدین‌سان‌مست‌خواب‌افتد
سزد، جام‌صبوحش‌گر، بصبح محشراندازیم»(۱)

در مناسبت بین این دو غزل نیز همان حالت مثال یکم را مشاهده میکنیم . مثلا : حافظ در بیت اول غزل خود محل ووقت گل افشانی ومی‌در ساغر انداختن را فقط بایك نوع اشاره افاده کرده است . اما نوایی در بیت اول غزل جوابیهٔ خود اولین کاریکه انجام داده است . شرح همان‌افادهٔ حافظ ، یعنی تعیین نمودن فصل و محل همان صحنهٔ خوشحالی‌است . با عبارت دیگر ، او وقت و محل «گل افشانی‌و می‌درساغر اندازی حافظ را در فصل بهاران ودر طرف گلشن میداند .

عموما معانی تازه و تصویر لطیف بدیعی درین دو غزل جوابیهٔ علیشیر نوایی تادرجهٔ زیاد و ماهرانه آورده شده اند ، که آن‌هارا به غزلهای بکلی مستقل واشعار درجه یکم نیمهٔ دوم عصر پانزده ادبیات دری وتاجیکی مبدل گردانیده است .

این حالت در دیوان «فانی» یك حادثهٔ تصادفی نمیباشد ، استادی علیشیر نوایی‌و مهارت بلند درنظم دری و تاجیکی او ، زیاد وکم در هر یك غزل جوابیه و غیرجوابیه او به خوبی مشاهده کرده میشود . سی غزل جوابیهٔعلیشیر نوایی وسی غزل مورد جواب قرار گرفتهٔ خواجه حافظ ، که‌به طریق نمونه بعداز این آورده میشوند ، درین باره بهترین ترجمان خواهند بود .

ازمطالعهٔ این قسمت آثار علیشیر نوایی چنین برمی‌آید ، که اساسگذار ادبیات اوزبیك مقام ادبی خودرا در تاریخ نظم دری وتاجیکی نیز در حقیقت بخوبی معین کرده‌است .

بااین طریقه علیشیر نوایی نه فقط همچون نمایندهٔ بزرگ ادب ، حمایه کنندهٔ اهل ادبیات و صنعت و زمینه حاضر کنندهٔ توانا برای ترقی علم وادبیات و صنعت مردم افغانستان ماوراء النهر خراسان وایران نیمهٔ دوم عصر پانزده ، بلکه بعداز عبدالرحمن جامی ، همچون یکی از بهترین غزلسرایان عصر پانزده زبان دری وتاجیکی ، به تاریخ ادبیات داخل خواهد شد .

حافظ :

صبا بلطف بگو آن غزال رعنا را
که سر بکوه وبیابان تودادهٔ‌ما را
چوبا حبیب نشینی وباده پیما یی
بیاد دار محبان باده پیما را
غرور حسن اجازت مگرندادای گل
که پرسشی بکنی عندلیب شیدا را
بخلق‌ولطف توان، صیدکرداهل نظر
به بند و دام نگیرند مرغ دانا را
ندانم ازچه‌سبب‌رنگ‌آشنایی نیست
سهی قدان سیه چشم ماه سیما را
جز این‌قدرنتوان‌گفت‌درجمال توعیب
که صنع مهرووفانیست روی زیبارا
درآسمان نه‌عجب گر بگفته حافظ
سماع زهره بر قص آورد مسیحارا

نوایی

نسیم صبح ، بگو آن نهال رعنارا
که باغ عمر خزان‌ازتو دیده‌شدمارا
بیك قدح‌که‌کشیدی زآب آتش‌رنگ
چه آتشی که زدی عاشقان شیدا را
شدم بزهد قوی غره و ندانستم
که زور عشق بعجز افگند توانارا
توای جوان‌که‌شکیبا زخیل عشاقی
ترحمی بکن این پیر ناشکیبا را
فروز مشعلهٔحسن‌از آتش‌عشق‌است
مدار حیف زاهل نظر تماشا را
لبت چوآب‌حیاتست زانکه پیشش‌نیست
بگاه نطق رهدم زدن مسیحا را
بیاکه حاصل‌کونین برگ‌کاهی نیست
بکوی میکده رندان باد پیما را
بجان قبول کنم‌هرچه شیخ فرماید
اگرنه منع کند عشق وجام صهبارا
فتاد فالی بیخانمان به رسوایی
چودید بزم خراباتیان رسوا را

(ادامه دارد)

(۱) دیوان حافظ ، ص ۲۵۸

(۱) دیوان فانی . صفحه ۱۴۶ـ۱۴۵.

بقیه صفحه ۳۵

صحت تولدی...

کار کنان طب وصحت عامه کشور قرار داشت وبعد نشرات آن متوقف ساخته شد.

.بدون شك نشر یك مجله آموز نده‌صحی که در بالا روی سطح آگاهی مسلکی و دانش دست اندرکاران طب وصحت‌عامه کمك بتواند کاری است مفید وباارزش که تجارب و مهارت های مسلکی را میتواندر خدمت دانش‌پژوهان قرار دهد به شرط آنکه در محتوی خود بتواند جوابگوی نیاز مندیهای باشد که بیشترین تعداد پرسونل آنرا احساس میکنند واینکه‌این نشریه در چه حدوپیمانه یی میتواند ضرورت های همگانی کار کنان صحت عامه را برآورد موردی است که باید در انتظار ماند تاشماره های دیگر آن بدسترس علاقمندان برسد.

مروری به مطالب و مقالات نخستین شماره صحت که بعداز نشر بیانیه ببرك کارمل‌منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان ، مقدمه‌یی به نگارش پوهاندکتور محمد ابراهیم عظیم وزیر صحت عامه ویاد داشت مدیر مسوول باعناوین سازماندهی عرضه خدمات‌طب‌معالجوی ووقایوی درجمهوری دمو کراتیك افغا نستان نوشته دکتور نبی کامیار ، «به کوچنیانو کی دپروتین او کالوری سوء تغذی» به قلم دکتور «مل» کانسپت‌حمایه طفل و مادر از دکتور سمیع فریار ، وزن وسطی جدید الولاده وتعیین معیار جدیدالولاده کم وزن افغانی، تحقیقی از دکتورشاه ولی آرا- کوزی ، عرضه بهتر خدمات اپیدیمیا لوژی وسنتیری در کشور ،از دکتور یعقوبی ، وسنتیری در کشور ، از دکتور یعقوبی ، های تجارتی در تغذی نوزادان ، نوشته دکتور حبیب ، ضرورت تغییر پروگرامهای درسی در انستیتوت طب ودورنمای فعالیت های این انستیتوت در قسمت تهیه کدر طبی ،به قلم دکتور منصور ویك‌صفحه اخبار وزارت صحت- عامه به نشر رسیده است نشان میدهدبا آنکه محتوی مقالات در بر گیر مسایل علمی و مسلکی وقابل فهم برای کدر طب وصحت‌عامه میباشد از نظر انشایی ضعف فراوان دارد و اغلاط حتی در عناوین نیز راه یافته است . است .

نکات قابل باز گویی دیگر دراین نشریه این است که مجموع مقالات به وسیله روسای کنونی وزارت صحت عامه به نگارش آمده و حتی به صورت نمونه یك مقاله در آن‌نمیتوان یافت که‌به وسله متخصصان خارج از کدر اداری به نبشت آمده باشد ، هم چنین در معرفی مسوولان وگردانند گان مجله ازیك هیات تحریر شش‌نفری وشورای تحریرسیزده عضوی نام برده شده است که معلوم نیست چه تفاوتی میان مسوولیت های نشراتی‌هیات تحریرو شورای تحریر وجود دارد .

در صفحات نخستین‌مجله بیانیه ببرك‌کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان به مناسبت افتتاح اولین کنگره کار مندان طب جمهوری دمو کراتیك افغا نستان به نشر رسیده است که علاوه از آموزنده‌بودن ، هوش دارنده است وکارکنان طب و صحت عامه رابه وظایف شان درشرایط انقلابی کشور آگاهی میدهد .

پوهاند دکتور محمد ابراهیم عظیم وزیر صحت عامه در بخشی از مقدمه یی که برای مجله نگاشته است پالیسی نشراتی و هدف از نشر آنرا چنین تعیین میکند :

«... این مجله که هر سه ماه بعد نشر میگردد از یك طرف ممثل وانعکاس دهنده پالیسی ها پلان ها و فعالیت های مختلف وزارت صحت عامه به منظور آگاهی بیشتر هموطنان در بخش‌صحت عامه میباشد، ازجانب دیگر دست آورد های طب و صحت عامه راکه دانشمندان وکار مندان مربوط درنتیجه کاوش هاو مطالعات علمی به‌آن نایل میگردند انتشار میدهد تا کارکنان صحی کشور ارزش های‌آنرا درساحه عمل مورد تطبیق قرار دهند ...»

مدیر مسوول مجله در آغاز سخن خود مینویسد :

«انتشار یك مجله کار ساده ای نیست بخصوص مجله علمی مسلکی ، آنهم باعدم آشنایی در فن روز نامه نگاری ...»

که خوش بختانه وزارت صحت عامه همین اکنون دکتوران ژور نالیستی رادر کدر های خود دارد که‌نه تنها به فن روز نامه نگاری آشنایی کامل دارند . بلکه مدت هانیز مجلاتی مانند ژورنال صحت عامه ورمز صحت راموفقانه نشر کرده اند ، آغاز نشرات مجله صحت را به وزارت صحت عامه به کار کنان طب وصحت عامه وعلاقمندان به مطبوعات کشور تبریك میگوییم .

بقیه صفحه ۴۱

جواب به‌نامه‌های شما

که‌گر بدامن گلگون ا ین دیاربینم
نشسته لکه ننگی به کر دگارقسم
دهم بخون خود م شستشوش‌بادل‌شاد
کنم دوباره اش گلگون بصدمزارقسم
همین به عالم‌هستی است‌آرزو(فرهاد)
که جان دهم به‌ره پاك این‌دیارقسم

«سید نور فرخ»

مرا به سنگر گرم تو ای دیارقسم
مرا بخون شهیدان نامدارقسم
مرا به گلشن آما ل سینه‌میهن
مرا به غیرت مردان روزگارقسم
مرا به ماه وبه دریا ولاله و خورشید
مرا به ذره‌ذره خاك وبه کهسارقسم
مرا به بلبل‌وپروا نه و به‌شمع‌وبگل
مرا به صبح بهار و به لاله‌زارقسم
مرا به همت مردان راستین‌وطن
مرا به عرصه میدان کار زارقسم
به قلب دشمن این خاك میزنم آتش
مرا به‌حرمت آن ذات کردگارقسم

بعدا فرهاد لبیب گفت برادر ازاینگو نه کار ها خیلی زیاد است که من خاطره های دارم و یك مو ضوع‌تازه را می خواهم برا یتان بگویم ،در «کست سوم» آواز خوان جفا دیده ما«ساربان» یك خواندن بنام «بشتاب» است که چنین شروع می شود.

(بیای نغمه گر بشتاب- که‌کان‌نغمه ها اینجا ست) ا ین شعردر سال ۱۳۵۷ شماره ۱۹ ژوندون ازاین جا نب به چا پ رسیده عوض چند جای آن مثلا عوض(دراین ویرانه‌پا بر جاست) خوانده شده(درون سینه پا برجاست) ویا «رسان‌تاآن‌گران دور» خوانده شده (رسان تاکوی دلدارم) و امثال این تغییرکلمات. حال شما بگویید که‌تصرف ویا تغییر یك قسمت و عوض آن‌جادادن گفته خود درست است چرا؟ عوض (رسان تا آن کران دور) را (رسان تاکوی دلدارم) بسازند اگر رسانیدن پیغام و یا پیام بکوی‌دلدارشان باشد باید آنرا بابال کبو ترویا نامه رسان خود رسانند نه آنکه‌آنرادر چانته دیگران جا دهند و یا دربال کبوتر دیگران ببندند ؟»

خدایا قلم بدستان مبتدی وناشی‌راهدایت کن ونگذار که دزدی‌بی‌تیر وکمان نمایند وبه سنان قلم مال‌دیگران را بر بایند . آمین .

والسلام

بقیه صفحه ۴۳

بتوای جوان

زوایای تاریك وازیاد رفته با مسوولیت تام آنرا بیاموزان .

بگوش تاصرف‌درچاردیوار یك ناسیونالیزم فریاد نکرده بلکه فریاد تو ، فریاد انسان‌های گرسنه در طلب نان و فریاد همه برهنه گان بی جامه ، همه بیماران بیدوا و همه انسانهای غارت شده ومحروم عصرتو باشد ! بخاطریکه تشنگان تحول اجتماع ، تشنگان تر قی و سعادت جامعه خود هستیم در حالیکه عصرما باقدرت علم وتکنالوژی به مهتابو کهکشان وعالم دیگر با تحولات عظیم وشگرف در باره اسرار نهانی دست اندر کاراند ، ما هنوزهم بر مشکلات ودشواری ها روبرو هستیم نفرت وده ها مسایل دیگرمارادرخودپیچیده‌است. پس بیائید باهم بایك‌ارادهٔ‌آهنین و مستحکم فشرده ومتحد یکصدا هماهنگ شده بر علیه این دشواری های که منبع اساسی عدم سعادت وپیشرفت است با تلاش خستگی ناپذیرو پرتحرك‌وبا قبول هر گونه رنج مبارزه کنیم وبه ندای و جدان خود پاسخ مثبت بدهیم ، حقایق رابا حقانیت راسخ‌باهم درمیان گذاشته بی هراس وبی امان در صدد تنویر ذهنیت های تاریك وساده مردمان مان که تحت تاثیر ودشمنان ترقی وپیشرفت تحول در آمده اند بایك جرأت اخلاقی و منطقی قد علم کرده این ریشه های کین توزانه عصر کهن را ازبیخ وبن از بین برده وفضای صمیمیت و دمو- کراتیك را مهیا ساخته ومتحدانه مبارزه نمائیم.

از شگفتی های جهان انرژی

۹۸ روز مسافرت در راه کرهٔ مریخ

قمر مصنوعی بنام «وینوس ـ۱۲» که بسوی مریخ پرتاب شده بود بتاریخ ۲۱ دسامبر ۱۹۷۸ بعداز ۹۸ روز مسافرت وطی مسافت اضافه از ۲۴۰ ملیون کیلو متر مواصلت نمود وبتاریخ ۲۵ دسامبر «وینوس ـ۱۱» اتحاد شوروی پنج روز قبل از وینوس ـ۱۲ درکرهٔ مریخ پیاده شد این پیاده شدن به بسیار آسانی صورت گرفت وعکسها وراپور های جالب علمی از کرهٔ مریخ به زمین مخابره شد ۰

انسانها از قدیم به ستاره صبحگاه (مریخ) علاقه داشته وبا علاقمندی خاص نام آنرا بزبان می‌آوردند این نه فقط علاقمندی وعطش انسانهای قدیم را بـه علم نشا ن میدهـد بلکـه علاقمندی آنها را به دانستن فاصله که کرهٔ مریخ از زمین دارد نشان میدهد ۰ انسانهای قدیم تلاش مینمودند تا وسایلی را بـدست آورند که فاصلهٔ مذکور را طی نموده و به کرهٔ مریخ برسند ۰

واضحاً این علاقمندی بخاطر آن هم بوده که مریخ نزدیکترین همسایه به کرهٔ زمین بوده که بفاصلهٔ ۲۴۰ ملیون کیلو متر از زمین دور واقع شده است ۰علاوتا اهمیت دریافت ترکیب درجهٔ حرارت وفشار اتمو سفیر کره مریـخ و هم اینکه چگونه سنگ هایی ترکیب سطح کره را تشکیل داده وعناصر متشکله آن کدام اند برای انسانها اهمیت فوق العاده واساسی داشت که بدون این آگاهی واطلاعات تکامل وحدت هر نوع تئوری دربارهٔ گذشته و آینده سیستم شمسی ناممکن است ۰

اتحاد شوروی اولین کشوری بود که درین راه قدم برداشت این اقدام در فبروری ۱۹۶۱ صورت گرفت ۰ در وهلهٔ نخست قبل ازینکه معلومات و اطلاعاتی در بارهٔ شرایط حاکم بر فضای مریخ دریافت گردد نظریات مختلف ومتعدد در زمینه وجود داشت ۰

اولین قمر مصنوعی که موفق گردید فشار وترکیب درجه حرارت مریخ را به صورت مستقیم ملاحظه وتحقیق نماید وینوس چهارم بود که درسال ۱۹۶۷ درین راه اقدام نمودو اطلاعات لازم را در بارهٔ فشار ودرجهٔ حرارت (که در حدود ۱۸ درجه اتمو سیفر میرسید) دردسترس بشر قـرار داد که به اساس آن دانشمندان توانستند وینوس پنجم وششم را آماده پرواز سازند ۰ این اقمار موفـق گردیدند تا راپور های رادیویی را از عمیق ترین نقاط اتموسفیر کرات دریابند و چنین به نظر می‌رسد که تر کیبات کیمیاوی در اتموسفیر ۹۳ـ۹۷ فیصد گاز کاربونیك اسید ۲ـ۵ فیصد نایتروجن و ۱ره فیصد آکسیجن می‌باشد ۰ تحلیل وارزیابی بیشتر ارقام در مورد درجهٔ وفشار اتموسفیر به ثبوت رسانید که درجهٔ حرارت درسطح کرهٔ مریخ ۵۰۰ درجه سانتی گرید بوده که معادل به ۱۰۰ درجه فشار سطح اتموسفیر میباشد ۰

به این ترتیب کتلهٔ قمر مصنوعی «وینوس ۷» درسال ۱۹۷۰ صـد کیلو گـرام اضافـه ترشد تابتواند به فشار های خارجی که به ۱۸۰ درجهٔ اتموسفیر می‌رسد مقاومت نماید ۰وینوس هفتم توانست درسطح مریخ پیاده شده ومدت ۲۳ دقیقه در آنجا توقف نماید ۰ درین حال ثابت گردید که درجهٔ اتموسفیر درنقطهٔ اصابت وفرود اقمار مثبت ۲۷۴ درجه و منفی ۲۰ درجه سانتی گرید بودوفشار درین نقطه به ۹۰ الی ۹۵ درجهٔ اتموسفیر می رسید که به ایـن اساس علما توانستند شناخت خودرا تاحدودی ازین سیاره تکمیل بسازند ۰

اقدام بعدی درین مورد کاملا انکشاف یافته تر وپیچیده تر بود که دانشمندان ساینس موفق بدریافت ارقام واحصائیه دربارهٔ طبیعت سنگ ها وساختمان قشری سیاره توسط وینوس هشتم گردیدند ودر یافتند که درسطح سیاره عناصر کیمیاوی مشابه به عناصر کیمیاوی مناطق خشکه زمین وجود دارد و مـلاحظه نمودند که ابرهای این سیاره شدت نورآفتاب را تا حدود زیادی کاهش می‌بخشد ۰

توکسین زهری که ۲۵۰ ملی گرام آن

میتواند تمام نفوس دنیارا محو نماید

بصورت عموم زهر ها دو نوع اند یکی آنرا که بنام سم یادمی‌کنند. تمام زهر هایی را در برمی گیرد که از نباتات زهری مانند بعض سمارق ها ـ وبعض نباتات زهردار چراگاهای وحشی بدست می آیند و زهرهای موادکیمیاوی مانند ارسیك سرب سیماب وغیره اما نوع دوم آن عبارت اززهری است که توسط میکروب های زنده افراز می‌گردد وبنام توکسین یاد میگردد. درینجا منظوراز توکسین این است که از یکنوع میکرو اور گنیزم غیر هوازی بصورت عموم در غذاهای که درقطی های سربسته وبدون هوا جا داده شده‌اند در اثر تکثر میکروب بوجود می‌آید ۰

شدت تاثیر توکسینی آن به اندازهٔ است که تانك هاوتمام سلاح های ثقیله جهان امروزی به آن برابری کرده نمیتواند این توکسین ازمیکرواور ـ گنیزم بنا م کلوستر یدیوم بولونیوم بوجود می‌آیدکه یك مرض کشنده قوی می‌باشدومرض مذکور را بنام بوتولیزم یادمی کنندتوکسین‌های بوتو لیزم نو یرو تو کسین (توکسین عصبی) بوده خیلی توکسین قوی است ۰

کلو ستر یدیوم بو تو سینوم دارای پنج تیپ مختلف می‌باشد ، که سیروم یکی آن باانتی سیروم دیگر تعامل نشان نمی‌دهد تیپ الف وب در خاك موجود بوده و خاك مسوول تسممات غذایی به این دو تیپ می باشد، تیپ (دی) آن درماهی ها موجود بوده واز امعـای ماهی های کول ودریا ها تجرید شده است، تیپ ف آن از ماهی های جنس سالمون در ۱۹۶۰ از دریای کولمبیا تجرید شد۰

در سال های اخیر که در افغانستان غـذای سربسته و کانسرو به شکل ساسج، روده ـ پرودربین خریطه های پلاستیك وگوشت هاو غذاهای که در قطی ها سربسته تورید گردید تسمم مواد غذایی باکلو ستریدیوم نیز جلـب توجه نمود ۰

زیرا یك غذا وقتی ملوث میشود که دارای دو شرط باشد ۰ اول اینکه شرایط بدون هوا برای تکثر میکروار گنیزم مهیا گردد ، دوم به حرارت معین وزمان معین احتیاج دارد ۰ که محافظه کا نسرو ها به مدت طولانی در حرارت عادی این شرایط را تامین می‌کنند ۰

مواد غذای کانسرو یا گوشت های که در قطی ها جا داده می‌شوند باید قبل ازاستفاده به دقت بوی شود، بدون بوی کردن باید استعمال نگردد ، در ساسج عموما ناحیه که بوتو لزموس حاصل شده نیز به دیگر قسمت های نرم شده می‌باشد ویك تغیر کمی رنگ نیز مشاهده خواهد شد ، در کانسروهای خانگی مخصوصا فاسولیه ، لوبیا تیپ الف و ب اضافه ترسبب تولید عوارض شده و در ماهی ها که کانسرو وقطی میشود تیپ ی. آ دیده شده . کلو ـ ترودیوم بوتو لینوم یك اور گنیزم سپور دار بوده سپور آن نسبتاً حرارت زیادتر کار دارد تا تخریب شود ،

برای جلوگیری باید نکات ذیل رادرنظر بگیریم :

۱ـ قطی وگوشت‌های کانسرونیز در حرارت پایین نگه داری شوند ۰

۲ـ در وقت استعمال باید متوجه بود که ملوث نشده باشد ، رنگ آن تغییرنکرده باشد ضمناً تمام آن نرم نشده باشد .

۳ـ قبل از ینکه داخل قطی هامواد غذایی می‌گردد خوب تعقیم شودوحرارت مکمل به تمام حصص غذا برسد .

روابط فامیلی در یك کشور کثیر الملیت چگونه است؟

از جملهٔ شصت و سه اعشاریه سه ملیون همسران در شوروی بیشتر از چهار ده فیصد آن از نقطه نظر نژادی مخلوط می‌باشند لود میلا تیر ینتیوا معاون رئیس انستیتوت نژاد شناسی اکادمی علوم اتحاد شوروی در مورد این پدیده چنین اظهار نظر نموده است :

طوری که من فکر می کنم انتخاب شوهر و یا زن از هر ملیت یکی از مظاهر آزادی بشریست .وی می افزاید اگر یك جامعه ازدواج مختلط را غلط تلقی کند آنرا نمی توان یك جامعه دموکراتیك نامید . قبل از انقلاب سوسیالیستی اکتوبر ازدواج مختلط در اتحاد شوروی بعید بنظر می رسید قانون امپراتوری روسیه مردمان از تو دو کس را اجازه ازدواج با غیر عیسوی نمی داد . وی می گوید اگر این قانون هنوز هم وجود می داشت ، فامیل من اصلا وجود نمی داشت ، زیرا من یك روسی هستم وشوهرم یهودی ، در حالیکه دخترم بایك تبعه جمهوری دموکراتیك آلمان ازدواج نموده وهمشیره زاده ام بایك تاتار ازدواج نموده است . وی علاوه می نماید که فامیل من تجسم این نظریه است که نژاد انسان یك نوع منفرد بیولوجیکی میباشدکه در آن همه مساوی اند ، بعد از انقلاب سوسیالیستی اکتوبر ، به اساس قانون اساسی برای همه اتباع اتحاد شوروی بدون درنظر داشت عقیده ، ملیت ، جنس ویا اساس اجتماعی حقوق مساوی اعطا گردیده است . بازشد سویه تعلیمی و فرهنگی عقاید پوسیده گذشته بدور افگنده شده است .

سر شماری نفوس در سال (۱۹۷۹) بیشتر از یکصد و بیست ملیت و ملت در آن کشور زندگی می کنند که همه شان ازحقوق مساوی بر خور دار اند . ارقام احصائیه عمومی و دست آوردهای مطالعات نژاد شناسی نشان می دهد که تعداد ازدواج های مختلط در آن کشور بطور عمومی رو به افزایش است . ده سال قبل ده ازدواج مختلط صورت گرفته بود ولی اکنون اندازه آن یك برهفت است .

یك رقم بلند (یك بر پنج) درلتویا قزاقستان و اوکراین ثبت گردیده است . در عین زمان این رقم در ارمینیا فقط سی و هفت فیصداست ودلیل آن تشابه ملیت ها میباشد که نسبت به دیگر جمهوریت هادر آن بیشتر است . نژاد شناسان می گویند که ازدواج مختلط درشهر هازیاد تر میباشد .

ورقم آن به بیست و سه اعشاریه هفت فیصد در شهر های آسیای مرکزی اتحاد شوروی وبلندترین رقم سی الی چهل فیصد در شهر های مولداوی ، اوکراین وبیلاروسیه ثبت گردیده است . زبان نمی تواند سدراه ازدواج مختلط گردد زیرا زبان مشترك روسی است که اکثر مردم با آن تکلم می کنند . پروسه تشکیل چنین نوع فامیل ها ساده نیست. روابط میان زن و شوهر درین گونه ازدواج ها متضمن اختلافات زیاد در طرز تفکر ، رسم وروا ج وغیره عادات میباشد . واین مستلزم احترام دو جانبه به عادات وخصوصیات طرف مقابل و طرز زندگی آن میباشد . زندگی به اثبات رسانیده است هر گاه‌ی‌دو همسر از ملیت های مختلف در نخستین ایام زندگی زناشویی شان با مشکلات مواجه شوند ، آنها دارای استعداد اضافی در جهت فایق آمدن بر آن مشکلات رانیز دارا می باشند . لود میلا به جواب این سوال که ملیت طفل متولد در چنین فامیل ها چه خواهد بود ، افزود که این بستگی به خود طفل دارد و زمانیکه در سن شانزده سالگی پاسپورتیشن داده می شود می تواند ملیت پدر و یااز مادر را انتخاب نماید . بطور مثال جوانان از فامیل های اوکراینی وروسی‌که در خارج از اوکراین زندگی می کنند ملیت خودرا روسی وآنانیکه در داخل اوکراین‌زندگی دارند اوکراینی می نامند .

درنگاه اول شاید فکرکنید که این یك مرغ‌است مگراشتباه نکنید این یك کاسهٔ آش‌خوری ومعرف صنایع ظریفهٔ مردم آسیای میانه‌شوروی‌است .

وقتیکه بخانه داخل شوید چراغ روشن می شود

اعضای هیات مدیرهٔ دیپارتمنت انرژی‌ایالات متحدهٔ امریکا هنگام کاردر دفاتر مربوط چراغ های شانرا سوچ نمی‌کنند (سوچ چراغهای مذکور اتومات است).

چراغ های دفاتر آنها توسط یك دستگاه اولتر سوند که‌درمقابل حرکت انسان‌حساسیت نشان میدهد طور اتومات روشن و خاموش می‌گردد . دستگاه مذکور که در سقف هریك از دفاتر نصب است مرکب از یك ترانسمیتر اولترا سوند ویك آخذه میباشد . این دستگاه طور دایم فعال بوده وکمترین انرژی برقی را به مصرف میرساند .

طرزالعمل دستگاه طوری است که به مجرا داخل شدن شخص در اطاق آلات سیستم متاثر گردیده ویك سگنال به دستگاه ارتباط سوچ (کنترول کنندهٔ سوچ) عبور نموده وچراغ را روشن می‌سازد فرق نمی‌کند که شخص هنگام صبح داخل دفتر خود شود یا هنگام شام وقت طول شب .. یعنی هر لحظه که داخل‌دفترشود چراغ به قسم خود کار روشن می‌شود . مگر هنگامیکه شخص دفتر خود را ترك می‌کنند موازنهٔ سیستم مذکوربه‌عقب بر گشته ودوباره چراغ خاموش می‌گردد .

این سیستم چراغهای خود کار طی پنجسال فعالیت خود ثابت نموده است که در مصرف برق تا ۳۰ فیصد ویا بیشتر از آن صرفه‌جویی بعمل آمده میتواند .

خنده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده‌ایم

شب خوشی

جوانی به تازگی با دختر زیبائی آشنا شده‌بود و قرار بود بزودی نامزدی آنها اعلام شود .

یك روز جوان به سراغ نامزد آینده‌اش‌رفت و با خوشحالی گفت :

ـ امشب بسیار خوش خواهد گذشت .

برای‌شب نشینی بزرگی که در هوتل برپامیشود سه کارت ورودی دارم .

دختر تعجب کرده گفت :

ـولی چرا سه کارت ؟

ـخوب یکی برای پدرت ، یکی برای مادرت‌ویکی هم برای برادر کوچکت .مادر منزل میمانیم .

شوهر عزیزم ، فقط این چك آخری را امضاء کن قول میدهم که ترا راحت بگذارم .

دیوانگان

دیوانه ای یکی از دوستان خودرا که مثل خودش دیوانه بود در شهر پاریس گردش میداد ضمنی گردش دیوانه دومی گفت :

ـا ینجا واقعا شهر قشنگی است.

حتما مردان بزرگ زیادی در آن به دنیاآمده اند .

اولی سری تکان دادو گفت :

ـنی . در اینجا فقط بچه های بسیار کوچك بدنیا می‌آیند .

بدون شرح

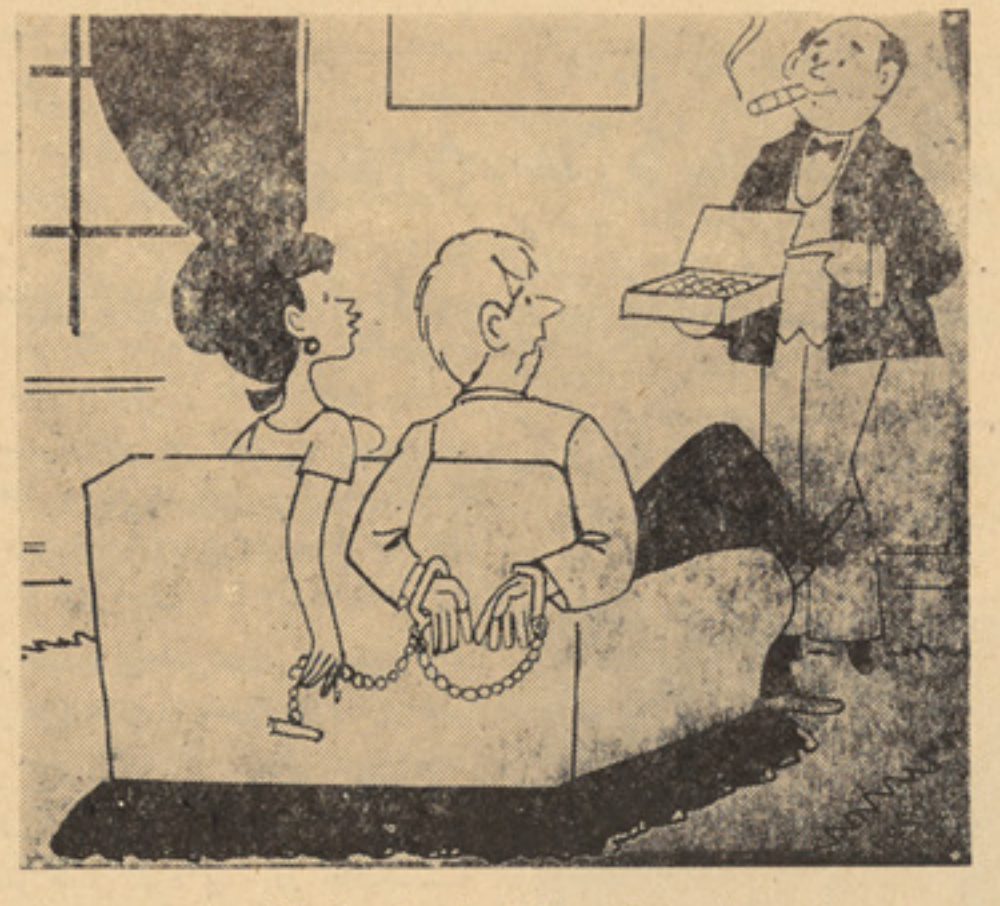

برادر برو شوهرم تصمیم گرفته که دیگر سیگار نکشد .

باز هم اسکاتلند

دو اسکا تلندی با ریل سفر می کردند یکی از آنها ناگهان قیافهٔ پریشانی به خود گرفت وگفت :

ـ عجیب کاری کردم . بسیار بدشد .وبعد در مقابل چشمان حیرت زده دوستش دستمال از جیب بیرون آورد وبا احتیاط تمام آن را باز کردو یك جوره دندان مصنوعی ظاهر شد دوستش گفت : توخودندان های سالمی‌داشتی دندان مصنوعی چیست ؟

مردبا ناراحتی سری تکان دادو گفت .

ـسال زنم است چون چند وقتی بود عادت داشت در وقت شام و ناهار چیزی بخورد آنها رااز او گرفتم . حالا می‌بینم یادم رفته که‌در ایستگاه دندان هایش را پس بدهم .

بدون شرح

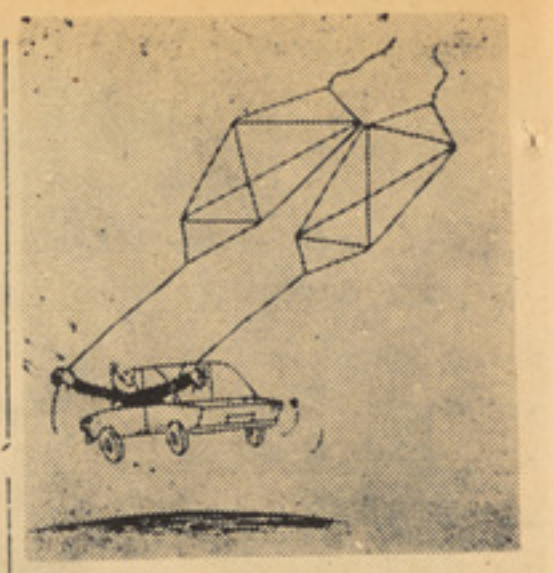

بدون شرح

فقط یك کمر بند!

دوستاره جوان دریکی از کاباره های پاریس در باره گرفتار یهای شغلی صحبت میکردند ، یکی از آنها به دوستش گفت:

ـآخرین لباس که من در آخرین پروگرام ام پوشیده بودم یادت هست ؟

ـبلی اینطورکه‌میگفتند بسیارهم با استقبال تماشا چیان روبرو شده بود .

ـدرست است تازه امشب متوجه شدم که این لباس فقط یك کمربند بوده است !

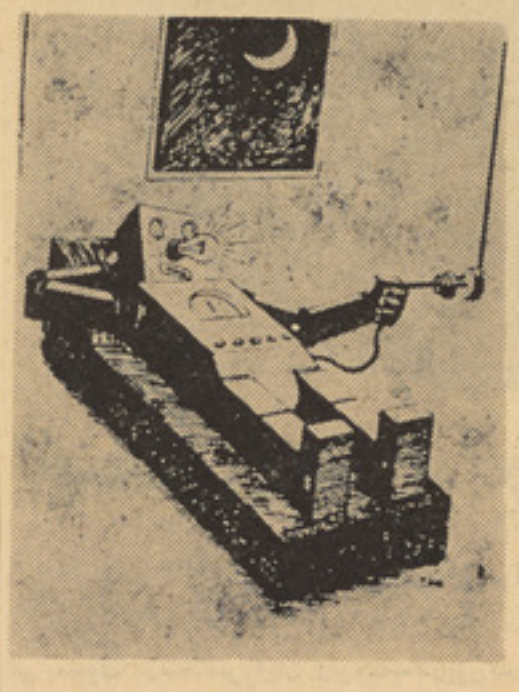

بدون شرح

آیا ثروتش است یا زه؟

جوان عاشق پیشه ای به دختر جوانی‌دل بسته بود ، تا آن حدکه شاید قصدازدواج بااو را هم داشت . بالاخره یـك روزصحبت از مسایل خانواده کی بمیان آمد ، دخترجوان با غرور گفت :

ـپدر من واقعا مرد خود ساخته وبر جسته ای است، اولش یك پول هم نداشت وبعد با کوشش و پشتکار شبـاروزی موفـق به کسب ثروت قابل ملاحظه ای شد، میخواهی بدانی به چه ترتیبی این ثروت را بدست آورد ؟

جوان مشتاقانه جواب داد :

ـالبته، البته... اماقبلامیخواستم‌موضوع دیگر را بدانم . بگو هنوز هم ثروتش را دارد یـانـی ؟

داکتر صاحب من جلوی خونریزی راگرفته‌ام بعد باید چکار کنم ؟

لطفـاً آنجا آنرا نصب کنید .

گداوزن صاحب خانه

زنگ دروازه نواخته شدزنی پشت در آمدودید مردی که زنگ زده یك‌نفـر گدا است ابرو ها را در هم کشید و گفت :

ـخجالت نمی‌کشی برای گدائی در میزنی؟زودخودرا گـم‌کن و گرنه شـوهـرم را صدا میکنم .

مرد پوزخند تمسخرآمیزی زد وگفت :

ـ شوهرت را صدا میزنی ؟ خودم خوب می‌شناسمش ، همان مردبود که دیروز وقتی زنگ زدم بمن گفت :زود از اینجا برو وگرنه‌زنم را صدا میزنم .

آن خواهرمن است

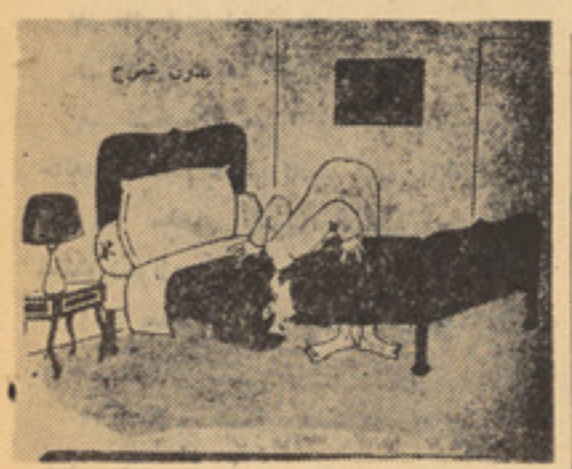

بدون شرح

در کنار یکی از حوض های عمومـی در فرانسه جوانی کم تجربه از دوستش پرسید:

ـبگو تو میدانی بهترین وسیله برای شنا یاد دادن به‌یك دختر جوان چیست ؟

ـالبته این کار احتیاج به تکنیك دقیق و مهارت زیادی دارد . ابتدا دست راسـت را دورکمر او حلقه میکنی . بعد د ست چپت را روی سینه او میگذاری ... اما اول بگو که‌این دختر جوان کی است ؟

میخواهی دیگرکی باشد؟ آن خواهرمن‌است .

ـ خو ب خواهرت پس معذرت می خواهـم دراینصورت به روی آب آنرا بگذار و خودت دور برو وبگذار آنقدر خودش دست وپابزند تا یاد بگیرد .

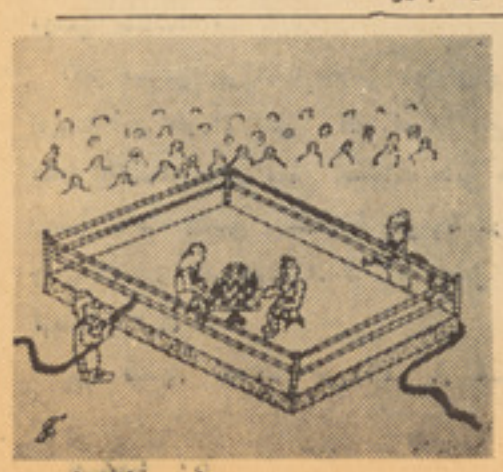

دوست عزیز پس اطفائیه برای چی است . برای اینکه مبادا آتش خشم شما زیاد شود .

پروفیسور عبدالغنی میرزایف

اکادمیسین پروفیسور عبدالغنی میرزایف یکی از دانشمندان بر جسته و کم نظیر جمهوریت سوسیالیستی تا جکستان اتحاد ـ شوروی میباشد ۰

پروفیسور میرزایف تحصیلات عالی خودرا در فاکولتهٔ شرقی پوهنتون لنین گراد بسال ۱۹۳۹ بپایان رسانید ۰ درسال ۱۹۵۵ بحیث دکتور وپروفیسور علوم زبان‌وادب شناخته شد ۰

وی در طول چهل سال فعالیت علمی‌خود، یکتعداد زیاد آثارعلمی تحقیقی‌نوشت‌که‌مهمترین آنها قرار آتی است :

۱ـ کمال الدین بنایی هروی (احوال‌وآثار او) ۰

۲ـ ابو عبدالله رودکی ، طبع ۱۹۵۸ .

۳ـ رودکی وجریان زندگی او (درمجموعهٔ رودکی وزمان او که درسال ۱۹۵۸ چاپ شده است)۰

٤ـ رودکی و انکشاف غزل در عصر های دهم تاپانزدهم ۰

٥ـسیدای نسفی و مقام او در تاریخ‌ادبیات تاجیك ۰

٦ـ احوال و آثار ملیهم بخاری

۷ـ ملا مفید بلخی ومفید یزدی .

۸ـ دربارهٔ تخلص میرزا عبدالقادر بیدل .

۹ـ تصحیح و مقدمهٔ رسالهٔ تاریخ سلطنت خاندان منغتیه تالیف احمد مخدوم دانش .

۱۰ـ تصحیح مجموعهٔ اشعار ابو اسحاق اطعمه شیرازی .

۱۱ـ مقدمه بر پنج رساله دربارهٔ آفاق و انفس ۰

۱۲ـ تدوین اشعار باقیماندهٔ رودکی ومقدمه برآن ۰

۱۳ـ (میر علیشیر نوایی) فانی و خواجه حافظ بطور مقایسی ۰

پرو فیسور عبدالغنی میرزایف بیش از دو صدو پنجاه مقالهٔ علمی وتحقیقی نوشته که چندی از آنها به انگلیسی نیز ترجمه شده است ۰ اصل مقالات او بزبانهای تاجیکی و روسی میباشد ۰

اکاد میسین میرزایف بعضی زوایای‌تاریك ادبیات دری ماوراء النهر ، افغا نستان ،ایران هندو پاکستان رادر ضمن تحقیقات علمی خود روشن ساخته ونسخ بیشمارخطی مربوط تاریخ وادب کشور های فوق الذکر را تحلیل و توصیف کرده است ۰

پرو فیسور عبدالغنی میرزایف در قسمت جمع آوری نسخه های خطی شرقی کتابخانه انستیتوت شر قشناسی تاجکستان که بیش از دوازده هزار اثر می باشد زحمت فراوان کشیده ودر امور توصیف وتحلیل آن نسخه ها، اعضای آن موسسه‌را رهنمایی کرده‌است۰ فهرست نسخ مذکوردر تحت نظارت وی‌در ده جلد تهیه شده که از سال ۱۹٦۰ تاحال پنج جلد آن منتشر شده است ۰

پرو فیسور میرزایف دیوان کمال الدین بنایی هروی را بامقابلهٔ نسخ متعدد خطی و بامراجعه به جنگهای بیشمار کتابخانه های اتحاد شوروی تهیه کرده بود ۰

اکادمیسین میرزایف به کشور های متعدد آسیایی وبه اروپا سفر کرده وبه کنگره ها، سیمینار هاو سیمپوزیم‌های علمی ،بین المللی منعقدهٔ آن کشور ها فعالانه اشتراك کرده ۰ چنانچه بسال۱۳٤۱ شمسی‌به سیمینارنهصد ـ مین‌سال وفات عارف بزرگ کشور ما شیخ‌ـ الاسلام خواجه عبدالله انصاری هروی اشتراك نمود ۰ ومقالتی تحت عنوان «نسخه های‌خطی آثار پیر هرات در کتابخانه های اتحاد شوروی ایراد کرد که آن‌مقاله در صفحات ۱۳۵ تا۱٤۰ مجموعهٔ مقالات‌سیمینار مذکور چاپ شده است۰

آخرین مقاله های چاپ شده پروفیسور ـ میرزایف معرفی نسخهٔ خطی «رقعهٔ زیبای جهانگیر » تالیف مطربی اصم سمر قندی (۱۰۳٦هـ) در مجلهٔ رهنمای کتاب و «مخترع غزلهای هنرمندی مگر سیفی بخاری است؟» در مجلهٔ اخبار فرهنگستان علوم تاجکستان میباشد ۰

پروفیسور عبدالغنی میرزایف ازسال۱۹۲۸ تادم مرگ به پست های مهم مطبوعاتی وعلمی کار کرده و جایزه‌های‌متعدد در مقابل خدمات علمیش بدست آورده است ۰

وی سالیان متمادی بحیث رئیس انستیتوت شرقشناسی فرهنگستان‌علوم تاجیکستان‌ایفای وظیفه کرد ۰

تاریخ تولد پروفیسور میرزایف ۲۰ نوامبر ۱۹۰۸ در شهر کتاب ماوراء النهر بوده است۰

پرو فیسور میرزایف در اثر مریضی‌مهلك ومتداوم بتاریخ ۱٦ اگیست ۱۹۷٦ در شهر دوشنبه پایتخت تاجکستان بعمر ٦۸ سالگی وی با بعضی دانشمندان کشور ما مکاتبه چشم از جهان پوشید ۰

داشت وبایکعده از ایشان در ضمن مجالسی تعاطی افکار کرده‌است ۰

میخائیل یوریویچ لیرمنتوف شاعر ونویسندهٔ بزرگ روسی

لیر منتوف ازسخنسر ایان ونویسندگان‌بزرگ قرن نزده‌روسیه است‌که درسال ۱۸۱٤ عیسوی در شهر مسکو چشم بدنیا گشود . پدر لیرمنتوف از اشراف و اعیان شهر مسکو بود. شاعر عمر کوتاه و پر ثمری داشت ۰ شاعر در ۲٦ سالگی یعنی در سال ۱۸٤۱ عیسوی در بهار جوانی و شباب ، زندگی اش پا یان یافت ۰

شاعر با اندیشه های عالی وافکار بکر خود آثار زیبایی نوشته که در زمرهٔ بر جسته ترین ادبیات کلاسیك روسیه قرن نزده قرار

لیر منتوف شاعر پر شور و سحرکار بود در شاعری قدرت‌وتوان عظیم قریحه واستعداد عالی داشت ۰

(مرگ شاعر) معروف ترین شعر لیر منتوف است که در واقعه مرگ الکسندر سرگه‌یوویچ پوشکین شاعر بزرگ روسی درسال ۱۹۳۲ عیسوی سروده و شاعر را شهرت فراوان بخشید ودر سر تاسر کشور پهناور روسیه معروف گردید ۰

شاعر با وجود یکه از طبقه اشراف و اعیان بود حس هم نوعی در دلش شراره میز دو اشعارش گنجینه‌ی از تابلو های رنگین‌زندگی مردم روسیه است ۰

لیر منتوف شهرت جهانی دارد اشعارش بزبان های زنده دنیا ترجمه شده که اینك خدمت خوانند گان ارجمند مجله وزین ژوندون دو پارچه شعر شاعر را بنام های بادبان و کوهساران تقدیم میداریم ۰

باد بان

یگانه باد بان از دور نمایان شد
در غبار بحر آبی رنگ ! ۰۰۰
چه میجوید در کشوری دور دست ؟
در سر زمین مادری چه چیز راترك گفته است ؟ ۰۰۰۰
موج هادر تلاطم اند باد صفیر میزند ،
باد بان خم میشود و ناله‌سرمیدهد
آه ۰۰۰ او نه‌در جستجوی خوشبختی‌است
ونه چنین‌است‌که‌ازخوش‌بختی فرارمیکند!
در زیر سینه‌سفینه(آب) نیلگون جریان‌دارد
برفراز آن‌انوار طلائی آفتاب مید رخشد۰۰۰
مثل اینست که او طوفان را عصیانی فرا میخواند ۰
گویی در طوفان را حت است ۰

کوهساران

قله های کوهساران
خوابیده درشب های تاریك
وادی های خاموش
لبالب در غبار تازه ،
نی گرد باد است در راه
نی شور میخورد بر گها
انتظار بکش لحظه یی
تو هم را حت میکنی ۰

دکتور ابهر

بقیه صفحه ۹

سرکس در...

ـ نگر که حریف چه باید بازی کرد ۰

نوبت سیم‌که بازی میکردند ، مولانا صاحب از روی ظرافت اسب رافیل واری بازی کرد ، میمون چنان طپانچه ای بر روی مولانازد که نشان پنجهٔ او قریب‌به‌یك ماه بر چهره‌اش ظاهر بودو گریبان اورا نیز بدرید » (عین الوقایع ـج ۲ ـص ۱۲۲)

بزکبودی که معرکه میگرفت :

«واین بابا جمال بز کبودی داشت درغایت عظمت درپش آن بز در درازی بحدی که‌نزدیك به‌زمین میرسید. معرکه میگرفت‌که‌قریب به‌هزار کس جمع می‌شد ۰ بابا جمال گردن آن بز را گرفته ازمعرکه بیرون می برد. کسی از اهل معرکه انگشترین به کسی داده پنهان‌میساخت بروجهی که‌هیچکس نمیدانست‌که‌آن انگشتری باکیست ؟ بعدازآن‌بابا جمال‌آن‌بز رادر معرکه در می‌آورد ورها میکرد ، وآن بز میگردید وبك یك رابوی میکرد ۰ ناگاه دست بر یکی می‌زد، تفحص میکردند انگشترین ازوی ظاهرمی شد.

اگر فی المثل صد نوبت این کار میکردند تخلف نمیکرد ۰» (بدایع الوقایع ـج ۲، ص ۳۹۸) ۰

خری که زیبایی را می‌فهمید:

«این باباجمال خری‌داشت‌که او را چمندر نا م کرده بود واز برای وی صوتی بسته بودو هر عضوی آنرا اعضای وی رابه چیزی تشبیه‌کرده که اهل فضل وارباب فصاحت وبلاغت اورا تحسین مینمودندوآنرامسجع ومصنع ساخته، در آهنگ چار گاه به غجك به نوعی ساز می‌کرد، وآن چمندر اصولی مینمود که عقل عقلا حیران می‌شد و می گفت :

ـای چمندر ، زن عجوزی گنده پیری عاشق توشده و شیفتهٔ تو گردیده ، به جای آ ب ، گلاب و به جای جو، مغز پسته وبادام قندی بتو میدهد وترادر سایهٔ درختی نگاه میداردکه از طوبی خبر میدهد واز سقرلات عمل نبا ت از برای تو جلی می‌سازد و هرگز ترابارنمیکند وهمین آرزو دارد که بر تو سوار شـــو د وبه حمام رود ۰

این سخن راکه‌می‌شنید لرزه بروی می‌افتاد ومی غلطیدوچار دست‌وپای خودرا دراز می‌کرد و نفس وی منقطع میشد ! باباجمال بر سروی نشسته نوحه آغاز میکرد که فغان از خلـــق برمی آمد ۰

بعداً می گفت که :

ـ ای چمندر! زیبائی، رعنایی، بالا بلنـد ی ابرو کمندی ، لبها چـو قندی ، پسته دهانی، مورمیانی ، راحت جانی ، ترا طلب میکند۰که از کوه مختار (درسال خیابان محل قبراستاد بهزاد) ترا سنگ‌بار کند و به جوالـدوزی پشت و پهلوی ترا فکار کند و هر جفایی که از آن بدتر نباشد باتو کند ، چون است، قبول داری ؟

به مجرد گفتن این سخن از جای می‌جست وترعر میکشید وبه گرد معرکه میگردید۰۰۰ وکار های می‌کرد که مردم از خنده بیهوش می‌شدند۰ » (همان کتاب ، ص ۳۹۹)

سایره ایکه پول رادوست میداشت:

«واز جملهٔ غرایب آنکه‌بابا جمال سیره ای داشت که پول را هر چند بلند می انداختند. پرواز میکردوآن راازهوا گرفته پیش باباجمال می‌آورد وقفس او هرگز ازده پانزده تنگه پول خالی نبود ۰ و غریب تر آنکه از کاغذ های ملون مقدار تنگه ها بریده بودو هر پولی از آنها در زیر قطعه ای کاشی پنهان میکرد وآن قطعه های‌کاشی رابه شکل دایره‌می چنبید ومیگفت :

ـای سیره ! کاغذ فلان رنگ را بیار ۰

آن سیره‌درمیان دایره می‌نشست وبه‌دور دایره نگاه میکردوآن کاغذ مطلوب رابه نو ل خود بیرون می‌آورد و هرگز غلط نمی‌کرد۰ » (همان کتاب ص ۳۹۹)

باباجمال را خوبتر بشناسیم:

این باباجمال بزباز ، صاحب واداره کنندهٔ سر کس از قسمت‌های‌غرب امپراتوری تیموری بمرکز خراسان به هـــرات آمده بود ، او همیشه در ظل حمایت امیر علیشیر نوایی در نقاط مختلف هرات میگردید وبساط معرکه ونمایش خود را به اشکال گوناگون و دلپذیر ارائه میداد ۰ علاوه بر نمایشات تفریحی حیوانات ، خودش نیز با آهنگ های جالب باآلات موسیقی ، مردم رابه شادی و نشاط وامیداشت ۰ زین الدین محمود واصفی دربارهٔ شخصیت باباجمال بز باز نیز سخنان شنیدنی و خواندنی دارد :

«اصول تمام وقبول کـلام داشت وبه حرکات شیرین و حکایات رنگین نقش محبت خود برصحیفه‌ی دل خواص و عوام می نگاشت ۰» (بدایع الوقایع ـج ۲، ص ۱۲۱) این مردکه هنر عوام را ارنه میداد در سال (۹۰۰ هجری قمری) به هرات وسالهای سال درخدمت مردم وتوده های وسیع زحمتکش‌به‌نمایش و معرکه ادامه دادوپس‌ازپنجصد سال ماازلابلای اوراق تاریخ اورا بخاطر می آوریم ۰

بقیه صفحه ۱۷

زردوزی۰۰

شنا ختند که ، این کار وا ن‌ازکدام شهر ، د ه و یا قر یه آمـــد ه، مقصد مسافر ت شا ن چیست ؟

در کدام محفل خو شی اشتر ا ك میکنند و یاا ز جا یی آمده اند ؟یابه کدا م عبادتگا ه و یا زیار ت‌میروند ویاباز گشته اند ؟

درین او اخر در بخارا فا بریکه زردو ز ی رو ی کار آمد ه کـــه تولیدا ت آن در دیگر ممالك جهان نیز عر ضه میگردد . درین فابریکه کارگرا ن رابعد از اخذ امتحـــا ن انتخا ب ومی پذیر ند ، زیرا علاقه مندا ن آن خیلی ز یاد است .

میز های بلند که از آن بحیث کار گا ه دو خت استفا ده می شود تکه مورد نظر به رو ی آن کشـــ شد ه و زنها بالا ی آن مصرو ف میشو ند ، در دست هر کدا م‌شان سوز ن ها ی گلا باتو ن دار بر ق میز ند و به این تر تیب خا نه های رسم شد ه زود تر پـر کا ر ی و گلدوز ی می شود . اگر تعـــدا د بخیه های کار پر مشقت دو زند ه به حساب آید ، قبل ا ز آنـــکه کار تما م شود ، صر ف بـــرای گلدوز ی آن شانزد ه هزار مر تبه سوز ن به تکه فرو برد ه مـــی شود .

کسا نیکه با انوا ع مختلـــف دوخت بلد یـت کامل نداشته‌باشند ممکن تما م آنرا در یك ردیـــف قرار داد ه به یك نظر بنگر د ، و صرف همین قد ر بگو ید که ، بلی زیبا ست ، اما استاد فن دو خت بدو ن درنگ هر کدا م آنرا جداگانه تشخیص نمود ه و میگو ید : که، این نو ع«صدبر گ » «نگینه » ، «دلبر » ویاکدا م قسم دیگر ی‌است؟

موسسا ت تو لید زر دوز ی ، مانند گذ شته ها، اگر به مناسبت جشنی محصو لات زیبا ی جشنی را عرضه میدارد ، در آ ن ردیـــف یکی هم کلا ه های بنام «زمین‌دوزی» میباشد که با گلا باتو ن به صور ت بسیا ر دقیق تهیه گردید ه است . عروس ها در رو ز جشن عرو سی شا ن بدو ن کلاه زر دوز ی بـــه محفل عرو سی نزد مهمانا ن حاضر نمی شو ند ، در دیگر جشن هـا و اعیاد نیز از کلا ه ها ی زر دوزی استفاد ه میکنند ، اما در رو زهای عا دی مرد م از کلا ه های‌بسیا ر ساده که رنگ آن‌سیا ه و دو خت آن بدو ن گلها ی پر زر ق و بر ق گلاباتو ن دوز ی است استفا ده میکنند.

در عصر حا ضر و سایل ماشینی جاگزین حر فه زر دوز ی گردید ه است. باآن هم فابریکه زر دوزی بخارا ، مانند سا لهای پار ،همان عنعنا ت و همان شهر ت خـــو ب استا دا ن ما هر را حفظ نمـود ه است .

بقیه صفحه ۸

دفاع ما از ..

کراتیك افغا نستان پیرا مون‌جلب و احضار قسمی سر بازان و خردضابطان قطعه به صفوف قوای مسلـح چنین می گوید : علاوه بر اینکه در این مدت یك ساله خدمت برای هر نفر سر باز ماهانه مبلغ سه هـزار افغانی معاش پر داخته میشود و هر سر باز از امتیاز کوپون برخور دار است بعد از گذ شتاندن این دوره دو چند آن از دوره احتیاط سربازان کاسته میشود و بهمین ترتیب ایـن دوره یکساله در ترفیع و تقاعـد دوره ما موریت سر بازان بحساب‌می آید . پس با در نظر داشت شرایـط کشور و برای سر کوب عناصرضد انقلاب وظیفه هر فرد وطن پرسـت واجد شرایط این مصوبه به است تا هرچه زودتربه کمیساری های نظامی شهر و ولایات مراجعه نمایند وبرای ادای این وظیفه مقدس و انسانی‌ثبت نام نمایند تا اردوی حماسه سازمیهن انقلابی ما بیش از پیش نیرومنـــد گرددو یقینا نیرومندی اردوی انقلابی ما مرگ و نابودی کامل عناصر ضد انقلاب را حتمی تر میسازد .

هنگامیکه چوچه های ماراز داخل تخم خارج شده اند

مارها وحیات حیرت آورشان

شاید درموردمارهابسیار چیزها خوانده و شنیده باشید اما حیات این جانوران خیلی جالب و عجیب است آیامیدانیدمارها چوچه میدهند یاتخم میگذارند ؟ آیا این حیوانات

در خشکه زندگی می کنند یادر آب؟ ممکن است در جواب دادن باین سوالات دچار اشکال گردید و مغشوش شوید اما باید بگویم که‌مار ها، بعضی شان تخم می گذارند و بعضی دیگر شان چوچه میدهند.جای ومسکن مار هانیز متفاوت است چه یك تعداد از مار ها بروی زمین زندگی دارند،گروه دیگر شان بالای درخت هاخانه میسا زندودر آنجا استراحت می کنند ویك عده‌سومی شان دایما در آب بسر میبرند (بعضاً در وطن ما آنرا بنام مارآبی یاد می نمایند).مار ها بکلی کرونا- سنواهستند اما جای تعجب آنست که آواز توله را خوش دارند. انواع مار هابه صدهاقسم است وباندازه های مختلف در دنیا پیدا می شوند. مگر در بعضی منا طق جهان مانند جزایرها وائی (در بحر الکا هل) قطعا مار پیدا نمی شود . تنها در باغ وحش ها وایی یك جوره مار ماده برای‌نمایش نگهداری می گردد وقتی چوچه های مار بدنیا آمد از همان لحظه اول دارای قدرت نیش زدن هستند ومادر شان از تکلیف غذا دادن وغذا جمع کردن خلاص است . گاهی هم واقع شده که مادر اولاد هارانوش جان می کند ،بعضی مردم گمان میبرند که مار توسط زبانش نیش میزند مگر این عمل به‌هیچ صورت درست نیست تنها دو دندان (یا نیش) مار درقسمت

فوقانی دهن قادر باین عمل است. اگر دیده باشید مار اکثرا زبانش را به سرعت از دهن خارج میسازد و بداخل میبرد . زبان مار در قسمت حس شامه به حیوان کمك می کند . زمانیکه زبان مار از دهن بیرون می آید به همان سر عت ذرات مواد را جذب و بداخل دهن در دو خالیگاه کوچك که در قسمت آخری بینی مار قرار دارد خالی‌می کند و بدین ترتیب قدرت شامه

اسکلیت مار

درزمستان مارها بخواب عمیق‌رفته وتا اوایل بهار می خوابند

حیوان بیشتر می‌شود. قبلا گفتیم‌که جسامت مار هافرق می کند بعضا تاطول ۱۰ فت میرسند و بعضی دیگر شان خیلی کو چك است که در زیر زمین بسرمیبرند و یگان وقت بجا ی کرم زمینی اشتباه می شود .

دراز ترن مار ها در امریکای جنو بی و هند و ستان پیدا می‌شود که‌طول شان به ۳۰فت میرسد.مار هاگر چه پاندارند اما با حر کات معوج خویش بعضا از انسان ها سریعتر راه‌می‌پیمایند. چوکات‌بندی وجود مار از استخوان های کوچك ونازك تشکیل یافته که تعداد استخوان های قبر غه آن به ۳۰۰ میرسد . بنا بر آن وجود مار مانند یك رشته رابریست که به هر جهت باسانی و سر عت تغییر خورده می تواند . طرزشکارمار ها نیز مختلف است . بعضی شان به شکارحمله کرده آنرا نیش میز نند، یك تعداد دیگرشان دورشکارمی پیچد تاشکار بمیر دوبعدا آنرا میخورند. یك‌تعداد دیگر به شکار حمله‌کرده وبزود ترین وقت آنرا میبلعند . شکار مار از حیوانات کو چك‌مانند موش ، بقه ، خرگوش تا حیوانات بزرگ‌مانند خوك ، ،شیر و آهورا دربر می گیرد که‌البته نظر به‌قدرت وجسامت خود مار فرق می کند،مار هابجز دودندان ازهری(نیش) دیگر دندان ندارند و خوردن شان شکل بلعیدن را دارد . از ایام زمستان، این حیوا نا ت به خواب عمیق رفته‌و تا اوایل بهار می خوابند. زما نیکه هوا دو،باره مساعد شد ، مار ها بیرون آمده ودوران حیات را با چوچه دادن و شکار ادامه میدهند خواننده های عزیز باید بدانند که مارها حیوانات مضر نیستند بلکه تنها درموقع‌احساس خطر وتهدید نیش‌میزنند درغیر آن به‌کسی‌غرض ندارند و با خوردن حیوانات دیگر مانند موش های صحرا یی وزمین های زراعتی و خوردن چلپاسه ها به‌زارعین کمك زیاد می‌نماید و نیز در طبابت مدرن استفاه های زیادی اززهر مار بعمل آمده است . دریك تعداد ممالك مار ها را برای گرفتن زهر شان نسل گیری می‌نمایند و این زهر برای یك تعداد امراض دوای مؤثر است .

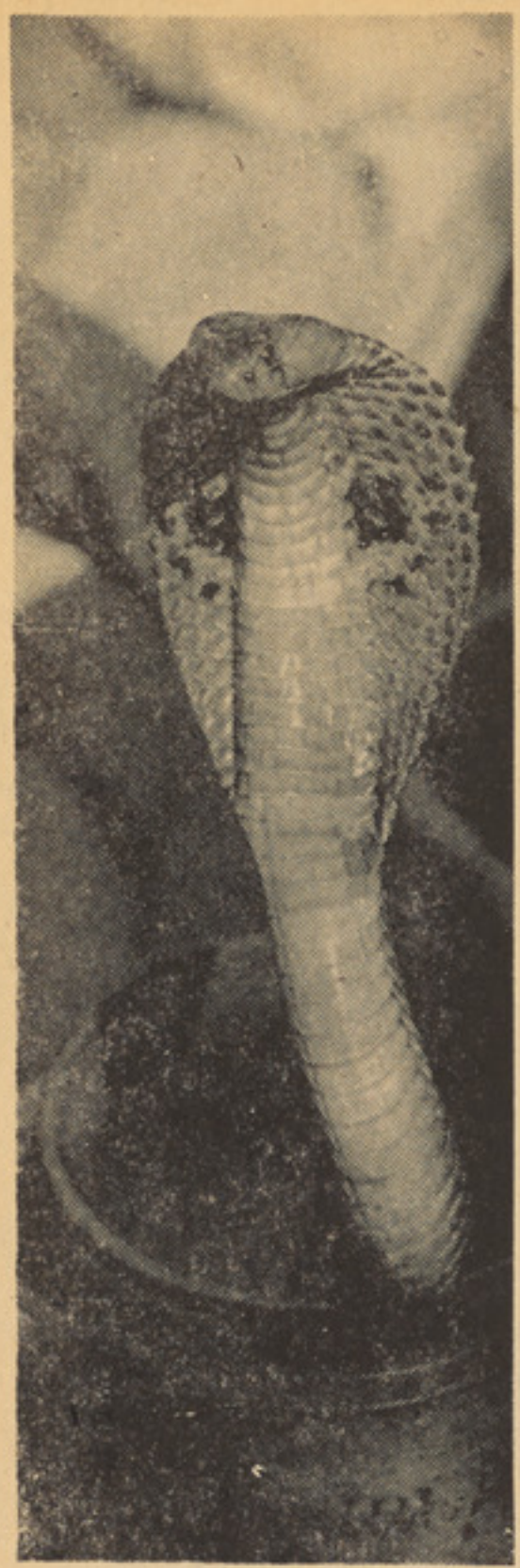

مار کفچه

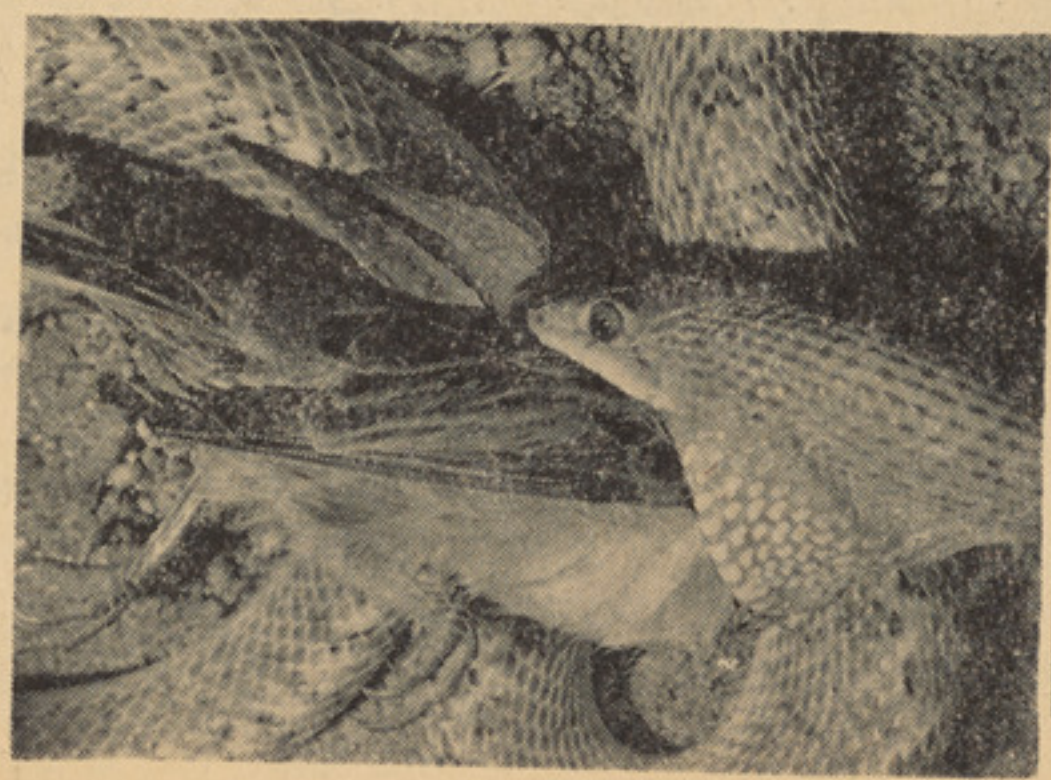

مارها گرچه دهان ظاهرا کوچك دارند مگر پرنده های کوچك رامی توانند زنده ببلعند .

بقیه صفحه ۲۹

داستان بی سرو...

کاملا مردوداست زیراکه این داستان برماجرا های مختلف تاریخی استوار است ... »بسیار خوب ای برادر ، پس اگر چنین است، داستان کوتاه‌نیست ، چونکه داستان کوتاه نو شتـــهٔ تاریخی نیست ونوشته یـی تـاریخـی داستان کوتاه .

ماگفته‌بودیم ، آن نوشته نه مقالهٔ تحقیقی است ونه نوشته تاریخی . نوشته تـــاریخی نیست بخاطریکه عبدالرحمن و جنته شخصیت های تاریخی نیستند « در حالیکه قصه باچیز هایی سروکار دارد که در تاریخ حتی برزبان نمی آیند ، چرا که قصه با طبیعت د ر و نی انسان سر و کار دارد ... »

و نویسندهٔ « بخاطر پیروزی » می افزاید : «...در بارهٔ هنری بودن داستان باید بگویم که کرکتر های داستان هرکدام نمایندهٔ تیپ خود انتخاب شده‌اند ، مثلا عبد الرحمن نمایـــندهٔ تیپ جوان روشنفکر که نهضت امانی راپشتیبان اصلی به شمار می رفتند ، او باتمام‌احساسات وعملکرد هایش نمایندهٔ گرو هیست که در به پیروزی رساندن آن‌نهضت سهم فعال‌داشتند.»

در قصه (!) نهضتی رانمی بینیم که در به پیروزی ر ساندن آن ، عبدالر حمن نقش‌سازندهٔ داشته باشد ، جز اینکه عبدالرحمن بـــرای « و خیبه» در هر خانه‌یی را می کوبد و تو ته نانی به گدایی می برد .

نویسندهٔ محترم علاوه می نماید « مـلا امام مسجد یك مذهبی خوب و فهمیده عا مـــل موثر در نزدیکی مردم و دولت بـوده وظیفـهٔ خودرادر قبال حوادث مربوط جنگ انجام می ـ دهد ....» از کجا دانستید کـــه مـلا امـــام مسجد آ دم فهمیده و خوب است . درقصه(!) مـــلا ا مـــا م حضـــو ر جسمـــی ملموس و ر و شـن نـد ا ر د . چـه ر سد به اینکه بدانیم او چگونه شخص است، مگراینکه بمدد رمل واسطر لاب بدانیم ، چنانکه شما دانسته اید .

نویسندهٔ محترم ادامه می‌دهد: «... واماعشق دانش ر وانشناسی نشان داده که در بحران های عاطفی ناشی از و حشت های عمو می ، ترس های همگانی و بیقراری های روانی ، جوانان که در محرومیت نفسی و عندی قـــرار می گیرند ، نیاز شدیدی به تسکین نا راحتی های خود دارند و با تمام خود داری ها دربرابر چنین امکاناتی ضعیف می شوند. نیاز به محبت جویی، نیاز به مسکن های چون مواد مخدره ، مشروب و یافتن همدرد وامثال آن قوی‌تر و موثر تر از هر و قت دیگر می تواند اثر خودرا تبارز د هد از این رو و جود عشق بین عبد ـ الرحمن و جنته در چنان شرایط غیر ممکن‌نیست چه زنان نسبت به مردان در مواقع‌خطر بیشتر احساس پناه گاه می نمایند ....» از قیاسش خنده آمد خلق را . پدر برادرش را بر بادبده وآنگاه به اسناد و شواهد روان شناسی جنسی طـــرح عشق با دختر متوفـــی بریز (!) این صفرا و کبرای خنده دار ، قصه (!) را خدشه دار می سازد وبه هیچ صـورت آن دختـــر تن به این عشق نمی دهد مگر اینکه شمابخواهید، آخر جنته تو لد فکر شماست واو را اختیاری نیست .

از بر رسی بعد زبان می گذریم که‌هیـــچ یکدست نیست و لهجه غلیظ محلی جنته هـــم اینگونه نیست بخوانید . « آخر پدرم‌وبرادرانم امروز پهره استند ومن و مادرم‌درخانه‌تنهاییم.» وگفتنی های دیگر را ، در باب داستان !بخاطر پیروزی می گذاریم برای و قت دیگر . باعرض ارادت.

ادارهٔ مجله

بقیه صفحه ۴۲

درراه‌هدف‌مشترك

این ها عناصر وعواملی اند بیانگر ضرورت وحدت نسل جوان در برابر دسایس وتوطئه های ارتجاع هژمونیزم و امپریالیزم ، نسل جوان که سعادت وبهروزی شان وابستگی مستقیم به زیست وپیکار در شرایط صلح‌آمیز دارد ، میداند که چه وظایفی در سطح جهانی در برابر شان قرار دارد ولی درك میکند که باید متحدو همدست در جبهه جهانی صلح و ترقی‌ا جتماعی‌رسالت‌تاریخی خودرا تعهدمندانه ایفا نماید ، پیوند نزدیك وارگانیك میان اردوگاه سوسیالیزم در راس اتحاد شوروی جنبش آزادیبخش ملی خلق های آسیاوافریقا وامریکا ی لاتین وطبقه کارگر در کشور های سرمایه داری درراه افشای دسایس و توطئه های ارتجاعی و امپریالیستی ایجاد نمایند.

در جنبش جهانی نسل جـوان عـدهٔ وسیعی از جوانان بادرك ضرورت وحدت عمل درراه امر صلح وزیست در شرایط رفاه وسعادت بشریت ، دراین پیکار سهیم اند. صرف‌نظر از اعتقادات اید لو ژیك سیاسی و مـذ هبی و منطقوی جوانا ن جهان یکجا در پیوندنزدیك باهم متحداً به امر صلح مسوولانه برخورد می‌نمایند، گردهمایی های جهانی جوانان و محصلان درراه خلع سلاح‌ودیتانت ،در ایتالیا، بود اپست ، صوفیاو اخیراً درماه جنوری سالجاری در هلسنگی مرکز فنلند بیانگراین حقیقت است‌که نسل یالنده جوان‌کشورما، نسل پاسدار انقـــلاب ، به ضرورت امر پیکـــار و استحکام مواضع ضد امپریالیستی شان ملتفت بوده ودر وجود گردان انقلابی ورزمنده شان س ۰د۰ج۰ا درافشای ماهیت ضد انسانی هژمونیزم وامپریالیزم وظیفه‌خویشرابامسوولیت انجام می دهد .

س ۰د۰ج۰ا با درك این حقیقت که این امپریا ـ لیزم‌و هژمونیزم عظمت طلب چین است که دیوانه وار بخاطر منافع از دست رفته خود در افغا نستان دست تجاوز رادر کشور مقدس مادرااز نموده وبا آتش‌زدن‌وویرانی موسسات خدمات تعلیمی واجتماعی کشور در راه برهم زدن شرایط صلح آمیز کشورما عمل‌می‌نمایند. پیوند شان را در سازمانهای جوانان جهان نزدیکتر و فشرده تر می نماید .

س ۰د۰ج۰ا سازمان پیش آهنگ جوانان کشور ماامروز باداشتن روابط باپیش از ۱۵۰ سازمان جوانان وبیش‌از۱۰۰ سازمان محصلی در سراسر جهان عملا در صحنه جنبش جهانی جوانان و محصلان نقش ورزمنده گی ایفاء می‌نماید ، در پر تو این رابطه در پیوند نیکوی انتر ناسیو نالیستی س ۰د۰ج۰ا است که پیوسته این سازمان از کمك های مادی و معنوی سازمانهای برادردرقدم اول سازمانهای کشور های سوسیالیستی خصوصا کمسمول قهرمان اتحاد شوروی بخاطر بهسازی وسعاد ـ تمندی زندگی نسل جوانان کشور بهره مند میگردد .

بقیه صفحه ۲۷

به‌امیدپیروزی...

اینست نمونه های انسان دوستی وخدمت به‌انسان امید آن میرود که‌با مفتوح شدن روزنه های امید بروی هموطنان مردم رنـج کشیده واز جمله زنان کشور بیش از پیش از امتیازات انسانی مستفید گردند که درین جهت دولت انقلابی ما سعی وتلاش همه جانبه به خرج میدهد ودرین راه هر روز گام های بلند و بلند تر برداشته میشود . تا زنان این پرورش دهند گان نسل های آینده این موجودات که از بوجود آمدن تاریخ انسانی مشکلات پروبلم هاومحرومیت های‌غیر انسانی را متحمل شده اند .

به امید پیروزی هاو بهروزی های هر چه بیشتر زنان .

بدانیم او چگونه شخص است مگر اینکه بمدد

مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی
معاون : محمد ز مـان نیکـرای
آدرس : انصاری واتـجواررياست مطابع‌دولتی- کابل
تیلفون مدیرمسوول: ۲۶۸۴۹
تیلفون توزیع‌وشکایات ۲۶۸۵۹
سوچبورد مطابع‌دولتی ۲۶۸۵۱
تیلفون ارتباطی ژوندون ۲۱

اعلان

به اطلاع تمام مالکین وفروشندگان‌آثار باستانی رسا نیده میشودتاهر چه‌زودتر به منظور ثبت وسجل‌بـه‌انستیتوت با ستا نشنا سی‌مراجعه وکارت سجل اخذ بدارند چه درغیرآن قانون بالای شان تطبیق شـده وحق شکایت را نخواهند داشت.

اعلان

دیزاین بی مانند کار استادانه وشهرت جهانی

تماما درماشینها و دستگاه های بی‌رقیب ساخت اتحاد جما هیرشوروی‌که در هفتادو چهارکشور جهان‌ازطریق موسسه تجار ت خارجی ماشینو اکسپور ت صادر میگـرددخلاصه میگردد.

لست ماشین آلات :ـ ماشیـــن‌حفاری هید را لیکی ودرك لا یـن،ماشین های دستی نصب و بـــار ،ماشین های سا ختمانی ، دستگاه آسیاب و جغله سازی ، ماشیـــن ولوازم چاه و معادن کنی

MACHINOEXPORT

SSSR MOSHVA

مطبعه دولتی

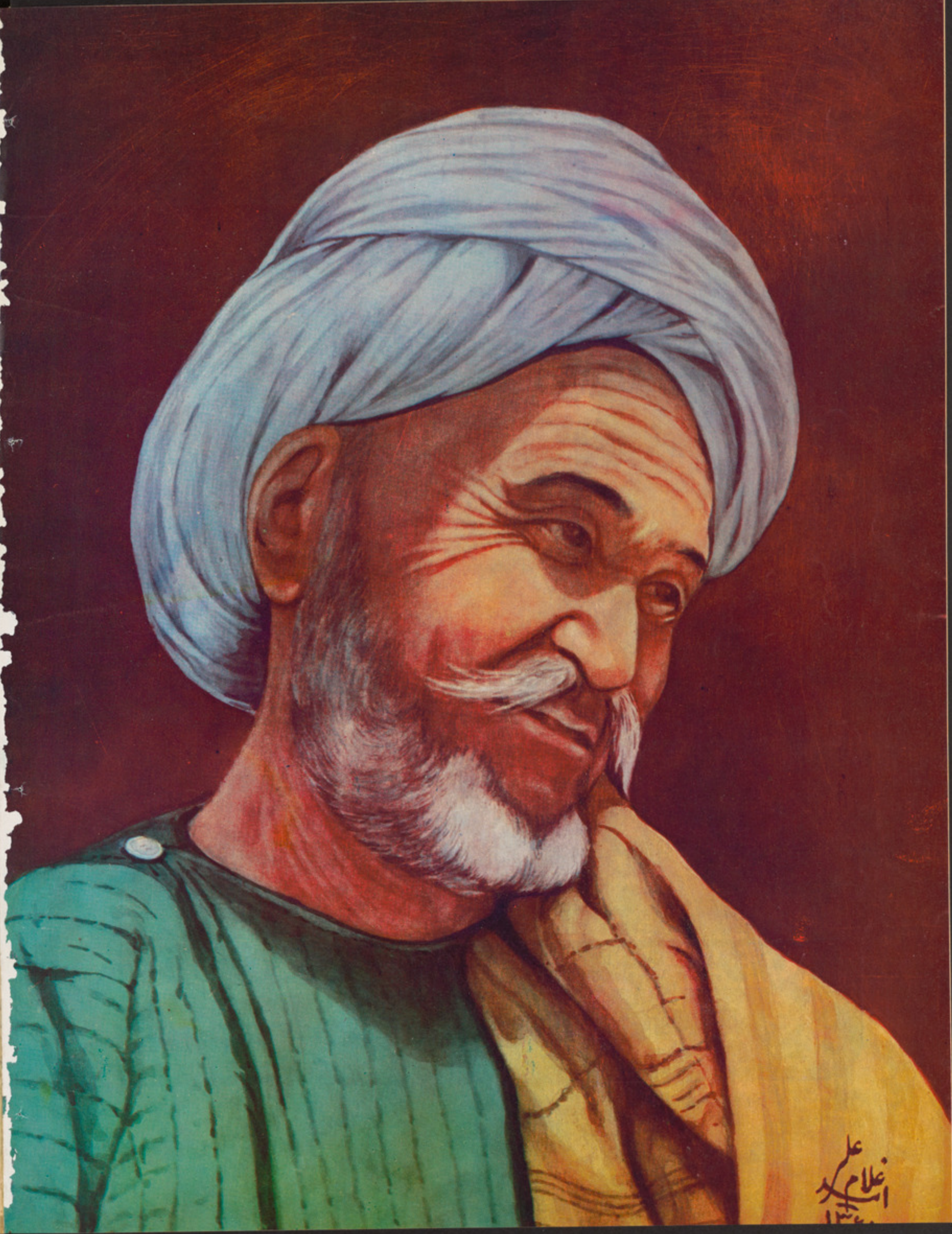
علم
اغلام